

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

نشریه علمی - ترویجی

دانشگاه جامع امام حسین^(ع)

دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال چهاردهم، شماره ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴

درجه علمی فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی،
براساس مجوز شماره ۳/۲۳۳۳۹۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ کمیسیون
بررسی نشریات علمی کشور، به عنوان نشریه علمی - ترویجی،
مورد تأیید قرار گرفته است.

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

نشریه معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)
صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع) دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)
مدیر مسئول: دکتر بهرام حسینی مطلق
سر دبیر: دکتر محمد باقر بابائی طلائی
دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: محمد رضا بشارتی

اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر محمدباقر بابائی دانشیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر محمد بیگلری استادیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر محمدرضا خراشادی زاده استادیار دانشگاه دفاع ملی
دکتر محمد جواد سبحانی فر دانشیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر عباسعلی سلمانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین^(ع)
دکتر محمدرضا شمس دولت آبادی استادیار دانشگاه دفاع ملی
دکتر اسماعیل کاروسی دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی
دکتر قدیر نظامی استادیار دانشگاه دفاع ملی

همکاران این شماره به ترتیب:

علی اکبر رمضان زاده، مهدی نطوق پور، هادی مراد پیری، محمد بیگلری، سعید کافی، فضل الله نوذری، مهدی زروندی، علی جمالی، محمد جواد سبحانی فر، محمد جواد پیرمرادی، علی اکبر رستمی، محمد ازگلی.

ویراستار: غلامرضا گودرزی

حروفچین و صفحه‌آرا: محمود محمودی

طراح جلد: حسین ملکوتی خواه

ناظر چاپ: محمودی

چاپ: چاپخانه بلاغ

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

صندوق پستی: ۶۷۳ - ۱۶۵۳۵

دورنگار: ۷۷۱۰۵۷۳۲

دکتر فصلنامه: تلفن ۷۷۱۰۵۷۵۸

نشانی: تهران، بزرگراه شهیدبابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین^(ع) - ساختمان شهید همت - دانشکده و پژوهشکده دفاعی - معاونت پژوهش

<http://www.rdef.ihu.ac.ir>

E-Mail: babae@ihu.ac.ir

کلیه حقوق مادی و معنوی برای معاونت پژوهش دانشکده و پژوهشکده دفاعی محفوظ است.
مطالب مندرج در فصلنامه به منظور اطلاع‌رسانی به دانش‌جویان و دانش‌پژوهان گرامی تهیه می‌شود و لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های دانشکده و پژوهشکده دفاعی نیست.

شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی و پژوهشی برای چاپ در فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

- ۱- مقاله باید دستاورد پژوهش علمی نگارنده و برخوردار از مختصات روش‌شناختی و سامان‌یافته، در ارایه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
- ۲- پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیأت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و تمامی مسؤولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن خواهد بود. در عین حال، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی در ویرایش مندرجات مقاله آزاد است.
- ۳- مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه چاپی و بر یک روی کاغذ A4، با لوح فشرده در نرم‌افزار Word نسخه ۲۰۰۷ به بعد، همراه اصل مقاله ارسال گردد.
- ۴- مقاله‌های ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی - ترویجی و با رعایت شرایط زیر باشد:
 - ۴-۱- مقاله ارسالی باید دارای عنوان، چکیده (حداکثر ده سطر)، کلیدواژه‌ها (سه الی پنج کلید واژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع طبق راهنمای نحوه ارایه مقاله‌های علمی در انتهای توضیحات زیر، باشد.
 - ۴-۲- مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا و مختصر باشد.
 - ۴-۳- مقدمه مقاله محل طرح و بیان نظری موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع مسأله مورد پژوهش و بیان منظور پژوهشگر از طرح و انتشار آن است.
 - ۴-۴- نتیجه‌گیری: در پایان مقاله، می‌بایست نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه، که روش‌نگر بحث و نتیجه‌گیری باشد، ارائه گردد.
 - ۴-۵- منابع مورد استفاده: تمام منابع مورد استفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا آورده شود. در نگارش ارجاعات مربوط به منابع در داخل متن، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه‌ی مورد استفاده بدین شکل (اسمیت، ۲۰۰۱، ۲۲) یا (Smith, 2001, p. 22) نگاشته می‌شود.
- در مواردی که تعداد نویسنده بیش‌تر از یک‌نفر باشد، ذکر منبع بدین صورت خواهد بود (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۱، ۲۲) و یا (Smith, et.al, 2001, p. 22). برای ارجاع به منابع اینترنتی بدین شکل

(www.smith,2001) نگاشته می‌شود. در نگارش متن، معادل لاتین اسامی افراد یا اصطلاحات و واژه‌های ضروری با شماره ارجاع در پاورقی هر صفحه آورده می‌شود.

۴-۶ - ترتیب شناسه‌های کتاب‌شناختی در صفحه فهرست در مورد مقاله، کتاب، گزارش و سایر مراجع به شرح زیر است:

- مقاله‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره و صفحات مقاله.
- کتاب‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح. محل انتشار: نام ناشر.
- منابع اینترنتی: نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان متن، نام سایت یا صفحه اینترنتی > نشانی دسترسی <، (تاریخ مشاهده).

۴-۷ - خلاصه انگلیسی (۲۰-۱۵ سطر) باید همراه مقاله با مشخصات کامل نویسنده

نوع قلم	عنوان	نوع قلم	عنوان
B Lotus 11 Italic	متن چکیده و کلید واژه‌ها	B Titr 16 Bold	عنوان مقاله با (تیترا ۱)
B Lotus 10	متن پانویس فارسی	B Zar 12 Bold	عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و نتیجه‌گیری با (تیترا ۲)
Roman 9	متن پانویس انگلیسی	B Zar 11 Bold	عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۲ با (تیترا ۳)
B Lotus 13	متن مقاله	B Lotus 11 Bold	عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۳ با (تیترا ۴)
B Lotus 10	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی	B Lotus 11 Bold	تیترا جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیترا جدول و نمودارها باید بالای آنها در وسط ذکر شود).
Roman 9	ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی		

جدول (۱): مشخصات قلم‌های مورد استفاده در نگارش مقاله

سخن سردبیر

سخن این فصل از ویژگی خاصی برخوردار است و محتوایش نیز متفاوت خواهد بود؛ این فصل از یک طرف مصادف با سال روز تشکیل سپاه و دیدار فرماندهان سپاه با مقام معظم رهبری و از طرفی مصادف با عزیمت حجاج بیت الله الحرام و فاجعه و کشتار فجیع و دردآور و تشنه عزیزان پاک شده از گناه در عرفات و مشعر و شهادت حدود ۴۶۴ نفر از دلباخته گان درگاه الهی فرزندان ایران اسلامی در بهترین وضعیت ممکن و پرواز به ملکوت اعلی و داغدار شدن بیش از ۶۰۰۰ هزار خانواده در بیش از ۱۴ کشور اسلامی است. سخن از هر کدام نیازمند صفحات متعددی است که صحیفه جدایی می‌طلبد و در این مقال فقط اکتفا می‌کنم به پیوندی که در این دو حادثه متصور است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با رسالت پاسداری از انقلاب اسلامی و مأموریت حفاظت از دستاوردهای انقلاب تشکیل شده است. که همواره به پویایی انقلاب پویا مانده و با توسعه انقلاب وسعت می‌گیرد. که هر روز بر این بالندگی افزوده و دامنه آن گسترده می‌شود. مروری بر سخنان مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان به تاریخ ۱۳۹۴/۰۶/۲۵ و درس خارج و دیدار با فرماندهان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در نوشهر این واقعیت را تبیین می‌کند و وظایفی که بر عهده مراکز علمی، فرماندهان سپاه و مسئولین نظام است بیش از پیش روشن می‌سازد.

فرمانده مقام معظم رهبری ابتدا در بیاناتی در دیدار با فرماندهان سپاه با بازکاوی واژه‌های چهارگانه تشکیل دهنده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تبیین معنی و شرحی که از آنها داشتند تدابیر و رهنمودهایی فرمودند که باید چشم انداز و سیاست‌های کلان فعالیت ها و مأموریت ها قرار گیرد، ایشان فرمودند: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بردارنده چهار کلمه است که هر کدام از این چهار کلمه یک عمقی دارد، یک مغزی دارد، یک شرحی دارد. یعنی «سپاه»، «پاسداری»، «انقلاب» و «اسلام».

در تبیین واژه سپاه فرمودند: این واژه تداعی کننده پاسداری از انقلاب است که

مخصوص سپاه پاسداران نیست؛ بلکه همه موظفند به اندازه توان خود از انقلاب محافظت نمایند. اما خصوصیت سپاه این است که یک سازمان است، یک مجموعه منظم است، سپاه است. این سپاه بودن، تکیه بر روی نظم و انضباط و کار مدیریتی و نتیجه‌بخش بودن هر ذره کار دارد؛ وقتی پراکندگی باشد، پریشانی به وجود می‌آید، خیلی از کارها هدر می‌رود، ولی وقتی سازمان بود، مجموعه بود، تشکیلات بود، نظم و انضباط برقرار بود، مثل جدول‌کشی در زیر یک سد پُر از آب است که اگر درست انجام بگیرد، یک قطره آب هدر نخواهد رفت و همه به محل مورد نیاز می‌رسد. خصوصیت سپاه بودن این است. ما در مجموعه تنظیمات کشوری جایی را نداریم جز سپاه که برای پاسداری از عزیزترین حادثه تاریخی این کشور و حادثه جاری این کشور یک وظیفه سازمانی برای خودش تعریف کرده باشد. بنابراین معنای سپاه بودن، سازمان‌یافتگی است، معنایش نظم است، معنایش مأموریت‌های تعریف‌شده و مشخص است.

سازمانی شدن سپاه متضمن چند ویژگی است: اولین ویژگی پیر نشدن سپاه است؛ سازمان، پیر نمی‌شود. توالی نسل‌ها، دست‌به‌دست شدن معرفت‌ها، تجربه‌ها نمی‌گذارد که یک سازمان پیر بشود؛ دائماً تجدید حیات می‌کند. فقط هم دست‌به‌دست شدن معرفت‌ها نیست؛ رشد هم پیدا می‌کند. یعنی امروز سپاه به معارفی در زمینه‌های مختلف دست پیدا کرده است که سی سال پیش به این روشنی، به این وضوح این معارف را نداشت. دستاوردهای معرفتی سپاه در زمینه‌های مختلف روزبه‌روز رشد پیدا می‌کند، عمق پیدا می‌کند. این، خاصیت سازمان بودن و منظم بودن و تشکیلاتی بودن است.

خصوصیت دیگر، تربیت عناصر جدید است؛ هم عناصر درونی، هم عناصر بیرونی. وقتی تشکیلات هست، وقتی منظم است، انسان‌ها در درون تشکیلات تربیت می‌شوند و عنصرهای کارآمد و فهیم به وجود می‌آیند؛ در حالت گسیختگی سازمانی، این خصوصیت به دست نخواهد آمد. علاوه بر تربیت درونی، تربیت بیرونی هم هست. امروز سپاه بر روی افکار عمومی اثر می‌گذارد؛ بر روی سازندگی جوان‌ها و انسان‌ها اثر می‌گذارد؛ عناصر صادراتی سپاه به دستگاه‌های مختلف که خیلی هم فراوان است که عناصری را برای مدیریت دستگاه‌های مختلف، سپاه در طول این سال‌ها مرتباً از میان خودش صادر کرده- بر روی آن مجموعه‌ها و تشکیلات‌ها اثر می‌گذارد. بنابراین تربیت انسانها و رشد دادن عناصر مستعد، از جمله خصوصیات سپاه است.

بنابراین پاسداری «سپاه» از انقلاب اسلامی به عنوان سپاه، به عنوان سازمان، به عنوان مجموعه، معنایی دارد که اگر این انتظام نبود، این سازمان یافتگی نبود، از هم گسیختگی بود، [اگر] یک عده‌ای بودند که همه مردمان مؤمن، همه هم طرفدار انقلاب اسلامی و می خواستند هم از انقلاب پاسداری کنند؛ اما این نظم سازمانی وجود نداشت، چیز دیگری از آب درمی آمد. این نظم سازمانی، این وجود سازمان، یکی از برکات بزرگ است؛ این مخصوص سپاه است.

بنابراین نتیجه گرفتند که سپاه تجدیدپذیر است، کهنه بشو نیست، پیر بشو نیست، افراد پیر می شوند؛ اما سازمان پیر نمی شود- معنای این آن است که از همه عناصری که می توانند به این تجدیدپذیری کمک کنند، باید استفاده بشود. خصوصیت جوان‌گرایی -که خوشبختانه در سپاه به آن توجه می شود و گرایش به آن نشان داده می شود که خصوصیت مثبتی است که البته باید همراه با استفاده از مجربان، کارکشتگان و قدیمی‌ها باشد؛ یعنی قدیمی‌های سپاه، کارکشته‌های سپاه که امتحان داده‌اند، کارهایشان را کرده‌اند، فعالیت‌های فراوانی داشته‌اند، باید در این تجدیدپذیری مورد استفاده قرار بگیرند؛ بدون حضور آنها تجدیدپذیری مشکل خواهد بود یا گاهی ممکن نخواهد بود. انقطاع نسلی در سپاه نباید به وجود بیاید؛ بخصوص که قدیمی‌های ما کارها کردند، در عمل، امتحان‌ها پس دادند که امتحانهای بزرگی است.

بنده با اینکه در آن زمان در جریان همه خبرها قرار می گرفتم و بعدها هم این همه کتاب‌های جنگ را خوانده‌ام، باز وقتی یک کتاب جدیدی مطرح می شود، می آید و بنده فرصت می کنم، توفیق پیدا می کنم می خوانم، باز یک باب تازه‌ای در مقابل من گشوده می شود؛ حرفهای تازه‌ای می شنوم. چه دنیای عجیبی، اقیانوس عمیقی این دوران هشت‌ساله در مقابل ملت ایران قرار داد که به این زودی‌ها، به این آسانی‌ها تمام‌شدنی نیست. خب، از آن کسانی که فعال بودند، مؤثر بودند [استفاده بشود]. البته نمی خواهم بگویم هرکس آن روز فعال بوده، ما به اعتبار آن روز به او نمره بدهیم؛ نه، من بارها گفته‌ام، همه ما -بنده در نزدیکی هشتادسالگی [یک‌جور]، شما جوان‌ها یک‌جور، پیرها یک‌جور- در معرض امتحانیم، در معرض لغزشیم؛ هر لحظه ممکن است انسان لغزش پیدا کند:

حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است کس ندانست کز اینجا به چه حالت برود

گاهی انسان، عمری را هم بخوبی گذارند؛ اما یک امتحان سخت، انسان را از این رو به آن رو می کند. نمی خواهیم ادعا کنیم که برای هرکسی آن روز مثلاً آنجا حضور داشته است، ما یک حریم امنیتی درست کنیم و جرأت نکنیم [به او نزدیک بشویم]؛ نه، لکن آن گذشته‌ها را باید ارج نهاد، باید قدر دانست؛ و انسانهایی که توانسته‌اند در طول این سالها آن ذخیره را حفظ کنند برای خودشان، سالم نگه دارند خودشان را، اینها خیلی قیمت دارد.

ویژگی دیگر **پاسدار بودن** است. پاسداری در واقع متضمن دو معنا است؛ یک معنای پاسداری یعنی حراست کردن و حفاظت کردن، معنای دیگر آن گرامی داشتن است؛ پاسداری در معنای حراست و حفاظت پاسداری از انقلاب است در واقع پاسداری نماد اراده انقلابی کشور است؛ اراده انقلابی، حضور انقلابی؛ هویت انقلابی. وقتی شما می گوید که وظیفه این سازمان، پاسداری از انقلاب است، معنایش این است که اراده انقلاب همچنان مستحکم است و انقلاب حضور قاطع در عرصه و صحنه دارد؛ انقلاب را نباید محدود کرد به حوادث انقلابی مثلاً آغاز انقلاب و شروع انقلاب و روزهای پیروزی انقلاب؛ آنها یک بخشی از انقلاب است. شاید اگر چنانچه کسی معنای انقلاب را درست ملاحظه کند، [می بیند] حرکت انقلابی و نهضت انقلابی یک بخش کوچکی از مجموعه انقلاب است. انقلاب یعنی یک دگرگونی همه‌جانبه در یک مجموعه بشری -یا در یک ملت یا فراتر از یک ملت، در یک نسل، در یک تمدن معنای انقلاب این است. حالا در دنیا اسم کودتاها را هم گاهی انقلاب می گذارند؛ اما انقلاب معنای خیلی عمیق‌تری دارد و این همان چیزی است که در کشور ما اتفاق افتاد. آنچه در کشور ما اتفاق افتاد، به معنای واقعی کلمه، یک انقلاب بود و هست و این ادامه دارد. وقتی شما می گوید ما پاسدار انقلابیم، معنایش این است که انقلاب زنده است، انقلاب حاضر است، انقلاب موجود است. اگر انقلاب -آن‌چنان که بعضی ادعا می کنند یا بعضی آرزو می کنند- مرده بود، پاسدار لازم نداشت؛ مرده که پاسدار نمی‌خواهد؛ پس انقلاب حضور دارد. پس معنای پاسداری انقلاب، متضمن معنای حضور انقلاب است؛ یعنی شما می خواهید بگویید انقلاب هست.

وقتی شما می گوید من پاسدار انقلابم، یکی از معانی پاسداری و یکی از ابعاد مفهومی پاسداری، این است که انقلاب مورد تهدید است؛ بله، اگر تهدید نباشد،

پاسداری لازم نیست. آنجایی انسان پاسداری می کند که تهدید وجود دارد؛ پس شما هم وجود انقلاب را دارید با اسم خودتان تأیید می کنید، هم تهدیدهایی را که متوجّه انقلاب است دارید تبیین می کنید و از وجودشان خبر می دهید. خوب اگر پاسدار انقلابیم باید این تهدیدها را بشناسیم. یکی از کارهای اساسی سپاه، رصد مسائل بین‌المللی فقط برای شناخت تهدیدها است. رصد کردن مسائل بین‌المللی و حوادث بین‌المللی و خبرهای بین‌المللی موجب می شود که ما بدانیم تهدیدها چیست و همچنین رصد حوادث داخلی کشور؛ بنابراین سپاه یک موجود سربه‌زیر کنارنشسته سرگرم کارهای اداری خود نیست؛ یک موجود آگاه، ناظر، بینا، متوجّه اطراف -هم متوجّه اطراف در کشور، هم متوجّه اطراف در سطح بین‌المللی و در سطح منطقه [است که] دارد نگاه می کند، مثل یک موجود زنده بیدار، برای اینکه ببیند از کجا تهدید وجود دارد. نسبت به چه کسی [یا] نسبت به چه تهدید وجود دارد؟ اینجا شخص مطرح نیست؛ [بلکه] تهدید وجود دارد نسبت به انقلاب؛ [لذا] رصد دائمی باید بکنید. بخشهای اطلاعاتی سپاه و هرآنچه پهلو می زند به مسائل اطلاعاتی سپاه، ناظر به این معنا است. البته درجات مختلف، سلسله‌مراتب، کادرها باید در جریان این مسائل قرار بگیرند، باید در جریان تهدیدها قرار بگیرند تا همه بدانند که چه کار دارند می کنند و چه کار می خواهند بکنند. اگر سلسله‌مراتب سپاه ندانند که چه تهدیدهایی متوجّه آن چیزی است که آنها پاسدارش هستند، معلوم نیست بتوانند درست به وظیفه عمل کنند. وقتی انسان فهمید تهدید چیست؟ و از کجا است، انگیزه پیدا می کند.

بنابراین یکی از ابعاد کلمه پاسداری، کمر بسته انقلاب بودن و هشیاری و بیداری دائمی است؛ همانی که در نامه امیرالمؤمنین هست؛ «وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ لَأَرْقُ؛ برادر جنگ، بیدار است. لازم نیست این جنگ، جنگ موجود و حاضری باشد؛ نه، آن کسی که خود را برای جنگ آماده کرده، باید بیدار باشد. جنگ با چه کسی؟ ما شروع‌کننده جنگ که هیچ‌وقت نبودیم و نخواهیم بود؛ با آدمها یا ملتها یا دولتهای بی‌طرف و بی‌اذیت که ما جنگی نداریم؛ جنگ ما با مزاحمین و با معارضین و با تهدیدکننده‌ها است. «لَأَرْقُ»؛ ارق یعنی بیدار؛ دائم بیدار است. پس یک بُعد از معنای کلمه‌ی پاسداری، بیداری و کمر بستگی دائمی است.

پاسداری در معنای گرامی داشتن، پاسداشت کسی یا چیزی را داشتن است، یعنی

آن را انسان گرامی بدارد، آن را محترم بدارد؛ معنای پاسداری از انقلاب فقط حفاظت از انقلاب نیست؛ بلکه به معنای گرامی داشتن انقلاب، اهمّیت دادن به انقلاب، بزرگ داشتن انقلاب هم هست. انسان پاس کسی را بدارد یعنی او را گرامی بدارد، قدر او را بشناسد، اهمّیت او را بداند؛ این احتیاج دارد که انسان انقلاب را درست بشناسد [لذا] باید معرفت به انقلاب پیدا کنید. در سطح سپاه، در تمام سلسله مراتب سپاه، باید معرفت به انقلاب یک معرفت آگاهانه، روشن، جامع بوده باشد؛ انقلاب را درست باید [شناخت]. اگر در زمینه کارهای فرهنگی در این مورد، کاستی‌ای وجود دارد، حتماً باید برطرف بشود؛ نگاه کنید ببینید. بایستی برادران و خواهران سپاه از صدر تا ذیل مجهّز باشند به منطق مستحکم انقلاب؛ چون ضدّ انقلاب امروز از طرق مختلفی وارد می‌شود. یک بُعد پاسداشت و پاسداری انقلاب، شناخت دشمن است؛ دشمن را بشناسیم. دشمن استکبار جهانی است که مظهر کاملش هم، آمریکا است و عواملش هم رژیم‌های مرتجع و آدم‌های خودفروخته و آدم‌های ضعیف‌النفس و مانند اینها هستند؛ دشمن برای شما شناخته شده است؛ بایستی از این شناخت استفاده کرد. نقاط ضعف دشمن را - نقاط ضعف معرفتی و عملی دشمن را- باید شناسایی کرد و اینها را به رخ انسانهایی که احتیاج دارند این مطلب به رخ آنها کشیده بشود، کشاند. دشمنان انقلاب اسلامی همان کسانی هستند که ده پانزده سال قبل وارد منطقه شدند، شعارشان ایجاد امنیّت بود؛ امروز شما نگاه کنید کجای این منطقه امنیّت دارد؟ ناامنی سراسر این منطقه را گرفته؛ غرب آسیا و شمال آفریقا. وقتی به افغانستان حمله کردند، شعارشان مبارزه با تروریسم بود [اما] امروز تروریسم همه منطقه را فرا گرفته؛ آن هم چه تروریسمی! تروریسم وحشی و خشن؛ تروریسمی که آدم‌های انسانها را -دشمنان خودشان را- زنده زنده در آتش جلوی چشم همه می سوزانند؛ از امکانات گوناگون فنی هم استفاده می کنند برای اینکه این منظره را درست به چشم و باور همه مردم دنیا منتقل کنند و منعکس کنند؛ تروریسم این جوری! عناصر تکفیری امروز این جور هستند؛ بچه را در مقابل مادرش می‌کشند، پدر و مادر را در مقابل فرزندان‌شان سر می‌بُرند. اینها آمده بودند تروریسم را در منطقه با این شعار و با این ادعا -نمی گویم خواست واقعی‌شان این بود؛ شعارشان این بود- از منطقه برچینند؛ امروز کجای منطقه تروریسم نیست؟ آمده بودند به ادعای خودشان دموکراسی ایجاد کنند؛ امروز مرتجع‌ترین و مستبدترین و دیکتاتورترین

رژیم‌های این منطقه به کمک آمریکا و متحدین آمریکا دارند سر پای خودشان می‌ایستند و به جنایات خودشان ادامه می‌دهند. واقعاً یکی از مشکلات اساسی آمریکا این است؛ این مشکل به پروپای سیاستمداران آمریکا هم پیچیده؛ حسابی درگیرند. از رژیم‌هایی حمایت می‌کنند که در طول سالهای متمادی شعار ضد دیکتاتوری و شعار حقوق بشری آنها با وجود این رژیم‌ها نقض می‌شود؛ این الان در بین روشنفکران و نخبگان سیاسی و فکری آمریکا، حسابی مسئله ایجاد کرده؛ نمی‌توانند جواب بدهند؛ این دشمن یک چنین موجودی است. دشمنی که در مقابل ما است، آن مسئله حقوق بشرش، آن مسئله دموکراسی‌اش، آن مسئله تروریسمش، آن مسئله ایجاد امنیتش، آن مسئله صلح؛ می‌گفتند ما می‌جنگیم برای صلح؛ کو صلح؟ همه منطقه را آلوده به جنگ کردند؛ کجای این منطقه الان جنگ نیست؟ دشمن این است. آن‌که انقلاب در مقابل او ایستاده، آن‌که شما در مقابلش سینه سپر کرده‌اید، این است؛ یک چنین موجودی با این همه تناقض، با این همه نقطه ضعف، با این همه خلل معرفتی و عملی؛ این است آن دشمن. یکی از خصوصیات پاسداری از انقلاب این است که چشم را باز کنیم، اینها را ببینیم، دشمن را بشناسیم؛ هم انقلاب را بشناسیم، هم دشمن را بشناسیم.

واژه دیگر **انقلاب** است. انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، یک عده‌ای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است؛ نه، این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیوررت - یعنی حالی به حالی شدن، تحوّل - اصلاً حدّ یقف ندارد؛ هیچ‌وقت تمام نمی‌شود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است. ... تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی (یکی از مراحل انقلاب است). (انقلاب) اصلاً قابل تبدیل نیست؛ جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت تحوّل دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد و آلاً جمهوری اسلامی نیست؛ حکومت اسلامی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است.

کاری که انقلاب در آغاز انجام می‌دهد، ترسیم آرمان‌ها است؛ آرمان‌ها را ترسیم

می‌کند. البته آرمان‌های عالی، تغییرناپذیرند؛ وسایل تغییرپذیر است، تحولات روزمره تغییرپذیر است اما آن اصول که همان آرمان‌های اساسی است، تغییرناپذیر است؛ یعنی از اول خلقت بشر تا امروز، عدالت یک آرمان است؛ هیچ‌وقت نیست که عدالت از آرمان بودن بیفتد؛ آزادی انسان یک آرمان است - آرمان‌ها یعنی این جور چیزها آرمان‌ها را انقلاب تصویر می‌کند، ترسیم می‌کند، بعد آن‌وقت به سمت این آرمان‌ها حرکت می‌کند. حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیبه» است که: فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً؛ (نحل: ۹۷) اِسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَلِالرَّسُوْلِ اِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيْكُمْ؛ (انفال: ۲۴) شما را زنده کند. دعوت پیغمبر و همه پیغمبران به حیات است؛ چه جور حیاتی؟ طبعاً حیات طیبه.

واژه چهارم اسلام است. اسلام، پایه و مایه و همه محتوای انقلاب ما است؛ البته اسلام ما اسلام ناب است، اسلام وابسته به تفکرات انحرافی و غلط و عوامانه و ابلهانه افرادی مثل تکفیری‌ها نیست؛ اسلام مبتنی بر عقل و نقل - اسلام عاقلانه - اسلام متکی به قرآن، اسلام متکی به معارف نبوی و معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، با تفکرات روشن، با منطق قوی و روشن است. این اسلام، قابل دفاع در همه محافل کاملاً به‌روز عالم است. [و لذا] اسلام فقط عمل شخصی، اسلام سکولار، اسلام «یؤمن ببعض و یکفر ببعض» اسلامی که جهاد را از آن خط بزنند، نهی‌ازمنکر را از آن خط بزنند و بردارند، شهادت فی سبیل‌الله را از آن بردارند، اسلام انقلاب نیست. اسلام انقلاب، همانی است که در قرآن کریم و وصیت‌نامه امام مشاهده می‌شود.

برپایه این کلام رهبری محتوا، مأموریت و رسالت سپاه مشخص می‌شود. و همچنین تهدیداتی که منطقه و انقلاب را تهدید می‌کند که یکی از پیش‌بینی‌های ایشان در دشمن‌شناسی پدیده‌گروه‌های تکفیری بود که چهره صهیونیستی و شیطانی خود را در فاجعه خونین حجاج در منا اتفاق افتاد. که بیش از ۱۴ کشور اسلامی و ۲۰ استان ایران اسلامی را به عزا نشانند. فاجعه منا و کشته شدن صدها نفر از حجاج کشورمان و هزاران نفر از دنیای اسلام، ایام عید را تبدیل به عزا کرد. همچنین نپذیرفتن مسئولیت این فاجعه از سوی حکومت عربستان بر تلخی حادثه افزود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مقابل این حادثه موضع‌گیری‌های مهمی داشتند. ایشان ابتدا در پیامی، سه روز عزای عمومی در کشور اعلام کردند، سپس در شروع جلسه درس خارج فقه

دولت سعودی را به «مسئولیت‌پذیری» و «پرهیز از فرافکنی» توصیه کردند. همچنین در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر، به حکام عربستان هشدار دادند: «اگر بنا شد عکس‌العمل نشان بدهیم، عکس‌العمل‌های ما خشن هم خواهد بود، سخت هم خواهد بود.»

مقام معظم رهبری در ابتدای جلسه درس خارج فقه (۱۳۹۴ / ۷ / ۰۵) به تبیین وظایف جهان اسلام در قبال فاجعه پرداختند و اظهار داشتند: دنیای اسلام باید برای این فکر کند و اولین مطلب هم همین است که سعودی‌ها باید بپذیرند مسئولیت خودشان را، و به لوازم این پذیرش مسئولیت باید عمل بشود. اینکه به جای عذرخواهی از امت اسلامی و به جای عذرخواهی از خانواده‌ها، شروع کنند مدام همین‌طور حرف زدن به این و آن و متهم کردن و مانند اینها، راه به جایی نخواهد برد و ملت‌ها به‌طور جدی دنبال می‌کنند؛ این قضیه فراموش نخواهد شد. امیدواریم ان‌شاءالله خداوند خیر مقرر کند.

و در نهایت ایشان در جمع فرماندهان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی نوشهر (۱۳۹۴/۰۷/۰۸) به کوتاهی‌های سعودی‌ها در قبال کشته‌های حجاج ایرانی و بی‌احترامی که به حجاج و قربانیان این حادثه می‌کردند نهیب زدند و به اظهار مسئولین و مقایسه رفتارهای سعودی‌ها در قبل و بعد این پیام نشان از تأثیر این کلام و نهیب الهی بود.

ایشان فرمودند: [این حادثه] برای ما از دو جهت عزا بود، مصیبت بود: [یکی] از جهت چندصد نفر حاجیان عزیز خودمان که مظلومانه [و] ای بسا عده‌ای از آنها با زبان تشنه از دنیا رفتند؛ خانواده‌های آنها که خرسند بودند از اینکه عزیزانشان از حج برمی‌گردند و آغوش را برای اینها باز کرده بودند، حالا باید با جنازه‌های آنها روبه‌رو بشوند؛ این مصیبت بزرگی است. هنوز هم تعداد کشته‌شدگان ما معلوم نیست، ممکن است به چندصد نفر برسد. این علت اول که ملت به معنای حقیقی کلمه در این قضیه مصیبت‌زده است.

دوم برای دنیای اسلام؛ آن‌طور که به ما گزارش داده‌اند بیش از پنج هزار کشته از دنیای اسلام و از کشورهای مختلف وجود داشته است. حج، جایگاه امنیت است: وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنًا؛ (بقره: ۱۲۵) قرآن می‌گوید ما خانه کعبه را محل اجتماع و رجوع امت اسلامی و محل امنیت قرار دادیم؛ باید امن باشد؛ کو امنیت؟ این امنیت

است که در حین مناسک حج، بر جان انسان‌ها دست تظاول گشوده بشود؟ اگر کشور ما و ملت ما بخواهد در مقابل عناصر اذیت‌کننده و موذی عکس‌العمل نشان بدهد، اوضاع آنها خوب نخواهد بود؛ ما تا حالا خویشتن‌داری کردیم. در قضایای متعددی خویشتن‌داری کردیم؛ دست ایران اسلامی از خیلی‌ها بازتر است، توانایی‌های ما، امکانات ما از خیلی‌ها بیشتر است؛ می‌دانند که اگر بخواهند هم‌واردی کنند با نظام جمهوری اسلامی، در هیچ صحنه‌ای حریف نمی‌شوند. ما رعایت ادب اسلامی، رعایت حرمت برادری در امت اسلامی را نگه داشتیم؛ ما می‌توانیم عکس‌العمل نشان بدهیم. اگر بنا شد عکس‌العمل نشان بدهیم، عکس‌العمل‌های ما خشن هم خواهد بود، سخت هم خواهد بود.

امروز ده‌ها هزار نفر از عزیزان ما هنوز در مکه و مدینه، در مناسک حجند؛ اندک بی‌احترامی به اینها، عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد؛ عمل نکردن به وظایفشان نسبت به ابدان مطهر جانباختگان عزیز ما در حج، عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد؛ مراقب باشند به وظایفشان عمل کنند. البته کار به اینجاها تمام نمی‌شود، باید قضایا دنبال بشود. جمهوری اسلامی اهل ظلم نیست، اهل قبول ظلم هم نیست؛ ما به کسی ستم نمی‌کنیم، ستم هیچ‌کس را هم قبول نمی‌کنیم. ما انسانها را -اعم از مسلمان و غیرمسلمان- دارای حقوق می‌دانیم؛ دارای حق میدانیم و به آن حق دست‌درازی نمی‌کنیم. اما اگر کسی بخواهد به حق ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران دست‌درازی کند، می‌دانیم با او چه‌جوری رفتار کنیم؛ محکم برخورد می‌کنیم. بحمدالله توانایی‌اش هست؛ ملت ایران، ملت مقتدری است، جمهوری اسلامی قدرت پایدار و تثبیت‌شده‌ای است و می‌توانیم از خودمان دفاع کنیم.

برای این که چهره این جنایت در تاریخ بیش از پیش باقی بماند و مردم و مسئولین کشوری و لشکری آن را به فراموشی نسپارند و به کلام رهبری عمل کنند و علل و عواقب آن را پی‌گیری نمایند.

حادثه تلخ منا به‌معنای واقعی کلمه عید را عزا کرد. چندصد نفر حاجیان، مظلومانه [و] ای بسا عده‌ای با زبان تشنه از دنیا رفتند.

صدها خانواده مشتاقانه در انتظار عزیزان حج‌گزار خود بودند، اکنون به عزای آنان نشسته‌اند.

انسان نمی تواند لحظه‌ای خود را از این غم فارغ بداند و دائم در این چندروزه این غم در دل‌های ما و دیگران سنگینی می‌کند.

مصیبت عظیم برای دنیای اسلام جمع کثیری از ضیوف‌الرّحمان و مؤمنان مهاجر الی‌الله از کشورهای گوناگون جان باختند، اندوهی بزرگ در جهان اسلام پدید آورده و عید آنان را عزا کرده است.

آن‌طور که به ما گزارش داده‌اند، بیش از پنج هزار کشته از دنیای اسلام و از کشورهای مختلف وجود داشته است... چند صد کشته در یک حادثه - حادثه حج - چیز کوچکی است؟ شوخی است؟ دنیای اسلام باید برای این فکر کند.

اقدامات لازم پس از وقوع حادثه مسئولیت‌پذیری: اولین مطلب همین است که سعودی‌ها باید بپذیرند مسئولیت خودشان را و به لوازم این «پذیرشِ مسئولیت» باید عمل بشود.

پرهیز از فرافکنی و متهم کردن دیگران: اینکه فرافکنی کنند و دائم این [و آن] را متهم کنند و مدام خودشان از خودشان تعریف کنند کارهایی نیست که به جایی برسد؛ این فعالیت‌های عقیمی است.

پرهیز از مودیگری: در انتقال ابدان مطهرشان به کشور مشکلاتی وجود دارد؛ ولیکن به وظایفشان عمل نمی‌کنند، بلکه در مواردی نقطه‌ی مقابل وظایفشان عمل می‌کنند، مودی‌گری می‌کنند.

تشکیل کمیته حقیقت‌یاب: بایستی از دنیای اسلام - از جمله از کشور ما - کسانی باشند، بروند، از نزدیک تحقیق کنند، مشخص کنند که علت حادثه چه بوده.

واکنش احتمالی جمهوری اسلامی اگر کشور ما و ملت ما بخواهد در مقابل عناصر اذیت‌کننده و مودی عکس‌العمل نشان بدهد، اوضاع آنها خوب نخواهد بود.

ما تا حالا خویشتن‌داری کردیم. ما رعایت ادب اسلامی، رعایت حرمت برادری در امت اسلامی را نگه داشتیم.

اگر بنا شد عکس‌العمل نشان بدهیم، عکس‌العمل‌های ما خشن هم خواهد بود، سخت هم خواهد بود.

امروز ده‌ها هزار نفر از عزیزان ما هنوز در مکه و مدینه، در مناسک حجّند؛ اندک بی‌احترامی به اینها، عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد.

عمل نکردن به وظایفشان نسبت به ابدان مطهر جانباختگان عزیز ما در حج، عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد.

اگر کسی بخواهد به حق ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران دست‌درازی کند، می‌دانیم با او چه‌جوری رفتار کنیم؛ محکم برخورد می‌کنیم. شاعران خوش ذوقی نیز در این زمینه شعرهایی را سرودند که با استقبال کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد، پایان این سخن را به بیان چند قطعه از این ابیات اکتفا می‌کنم:

اگر آن شیخ وهابی به درد آرد دل رهبر	به قصد حنجرش بندیم همه سربندها بر سر
همان سرزند یا زهرا که گر بندیم به پیشانی	شویم آتش؛ شویم باروت؛ شویم قاسم سلیمانی
ما چشم به دست رهبر جانبازیم	بر غرش غیرت علی می‌نازیم
گر اشاره‌ای سمت سعودی بکند	بر کندن ریشه عدو می‌تازیم
مرگتان یک پیام قرآنی است	شاهددم سید خراسانی است
مورها! «ادخلوا مساکنکم»	ارتش ما پر از سلیمانی است
ایران، به کسی کجا امان خواهد داد؟	«عکس‌العملی سخت، نشان خواهد داد»
هشدار؛ اگر خامنه‌ای امر کند	معلوم شود چه کس زیان خواهد داد

دکتر محمدباقر بابائی (طلاتپه)

فهرست

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی، سال چهاردهم، شماره ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۹۴

- | | | |
|-----|---------------------------------------|--|
| ۱ | دکتر محمدجواد الوندی
حسن قاسمی | * تهدیدات نرم جمهوری اسلامی ایران در بعد هویتی |
| ۲۵ | دکتر محمد جواد سبحانی فر
علی پاسخی | * اندیشه دفاعی-نظامی از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه |
| ۴۹ | ابراهیم ضرغامی
محمد شیخ زاده | * تحلیل کارکردی مرز دریایی در امنیت خلیج فارس |
| ۶۵ | دکتر علی جمالی
ابوالفضل پاسبان | * شیوه‌های مدیریت و رهبری نظامی شهید صیاد شیرازی در جنگ و تطبیق آن با آموزه‌های اسلامی |
| ۹۵ | دکتر محمد بیگلری
محمد چراغی | * بررسی نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خود اتکاء در یگان‌های رزم نرزا در شرایط جنگ ناهمتراز |
| ۱۱۷ | دکتر مهدی نطاقپور
رضا نوروزی | * عوامل همگرایی بین ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران |
| ۱-۶ | سید سعادت حسینی | * ترجمه چکیده مقالات به انگلیسی |

تهدیدات نرم جمهوری اسلامی ایران در بُعد هویتی

دکتر محمدجواد الوندی^۱

حسن قاسمی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

اگر ایده تأسیس حکومت اسلامی را به عنوان یک نظریه بدانیم در آن صورت جمهوری اسلامی، تحقق اجرایی و حقوقی آن می‌باشد، که از زمان تأسیس همواره مورد تهدید بوده است. امروزه با توجه به شکست‌های معارضان در عرصه‌های اقتصادی و نظامی، بیشترین تهدیدات در بُعد هویتی این نظام مطرح است. بر این اساس لازم می‌آید تا این بعد از تهدیدات مورد بررسی ویژه قرار گیرد. در این ارتباط در این مقاله این سؤال مطرح می‌شود که: تهدیدات نرم جمهوری اسلامی در بُعد هویتی کدامند؟ فرضیه نویسندگان در پاسخ به این پرسش اساسی عبارت است از:

سه گونه اصلی تهدیدات نرم هویتی جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

اول: تهدیداتی که اسلامیت نظام با شاخص ولایت فقیه را هدف قرار داده‌اند.

دوم: تهدیداتی که مقبولیت نظام با شاخص حضور مردمی را هدف قرار داده‌اند.

سوم: تهدیداتی که کارآمدی نظام را هدف قرار داده‌اند.

اگرچه منابع تهدیدات نرم را می‌توان در خارج از مرزهای ملی جستجو کرد، اما آنچه حائز اهمیت است عواملان و زمینه‌های داخلی است که در بررسی تهدیدات نرم هویت بنیاد بسیار مؤثر هستند. عواملان داخلی اعم از کارگزاران، فرایندها و ساختارها نقش اولیه و بسترساز را برای عواملان خارجی ایفا می‌کنند که با عدم توجه کافی و ارائه مستندات عقلی و نقلی زمینه را برای تهدیدات نرم خارجی مهیا ساخته، دشمنان را به تغییرات هویتی در قالب تغییر دانه‌ها امیدوار می‌سازند. و بدین طریق نویسندگان در مقام تحلیل تهدیدات نرم جمهوری اسلامی هر دو بعد داخلی و خارجی را مد نظر قرار داده‌اند. که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی در قالب نظریه ساختار کارگزار تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها:

تهدید نرم، بعد هویت، جمهوری اسلامی، ولایت فقیه، کارآمدی، اسلامیت، مقبولیت.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲. کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی راهبردی.

مقدمه

بعد از شهادت حضرت علی(ع) که در عمر کوتاه زمامداری خود دچار مشکلات و جنگ‌های بزرگی شده بود، تشکیل حکومت اسلامی در دستور کار علمای تشیع بوده است که بتوانند نظام فکری ائمه(ع) را به صورت کامل اجرا کنند که این امر با توجه به دشمنی‌های فراوان با این مذهب توسط خلفای سنی مذهب و پادشاهان و همچنین استعمارگران غربی هیچ‌گاه به جز دوره‌های کوتاهی در طول تاریخ - محقق نشده است. با توجه به تلاش‌های صورت گرفته توسط ائمه(ع) و علمای مخلص این مکتب، سرانجام در دهه‌های پایانی قرن بیستم جمهوری اسلامی به زعامت امام خمینی(ره) در ایران اسلامی تشکیل شد که موضوع دشمنی جهان استکباری و منافقان قرار گرفت. بعد از تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و نقد مؤثر قواعد غیر عادلانه حاکم بر روابط بین‌الملل توسط انقلابیون و عدم تبعیت از دول شرق و غرب و سر دادن شعار جهان‌عاری از ابرقدرت‌ها و استعمارگران، دشمنی با این نظام نیز آغاز شد و به انواع ترفندها در تلاش شدند تا این رویکرد جدید را سرکوب نمایند؛ زمانی با نفوذ عناصر و نیروهای دست‌نشانده و آموزش‌دیده غربی در تلاش برای همراهی انقلاب با موازین غربی شدند و چون ناکارآمدی آن مشخص شد به قدرت سخت و تحمیل جنگ تحمیلی و مبارزه خیابانی متوسل شدند و حتی ترور کادر رهبری و عناصر ایدئولوژیک و تأثیرگذار را در پیش گرفتند و زمانی در سایه تحریم‌ها سعی کردند تا آرمان‌ها و مکاتب اقتصادی و سیاسی خود را از طریق مسئولان به متن انقلاب قالب کنند و یا از طریق کسانی که شناختی از جمهوری اسلامی و طرز فکر بنیانگذاران آن نداشتند به استحاله انقلاب و عقب‌نشینی جمهوری اسلامی از مواضع خود اقدام کنند؛ گاهی نیز با قدرت رسانه‌ای و هیبت تکنولوژیکی خود خواستند تا مردم را از مسئولان نظام جمهوری اسلامی و رهبری اجتماع دور ساخته و فکر و عقیده خود را به مردم تحمیل نمایند. اما در این میان آنچه مسلم است ناامیدی دشمن از اقدامات سخت نظامی و اقتصادی بود؛ دشمن امروزه تمام توان خود را برای مبارزه نرم به کار گرفته و در این مسیر نیز مشکلاتی را برای نظام حاکم ملی ما به وجود آورده است.

امروزه با کوچک‌تر و پیچیده‌تر شدن جهان به واسطه رشد روزافزون وسایل ارتباط جمعی از

قبیل اینترنت و ماهواره معادلات گذشته در تنظیم روابط بین کشورها تا حدود زیادی به هم خورده، جای خود را به معادلات جدیدی داده است؛ به گونه‌ای که به جای به کارگیری مستقیم زور، توجه قدرت‌ها به استفاده از قدرت نرم و ایجاد تغییرات از طریق مسالمت‌آمیز با به کارگیری شیوه‌های نوین مداخله در امور داخلی کشورها جلب شده است. علاوه بر این، در این دوران رسانه‌ها به مثابه ابزاری اساسی برای اعمال سیاست‌های قدرت‌های زورمدار به کار می‌روند و رقابتی جهانی در عرصه نبرد رسانه‌ای شکل گرفته است. در این میان جنگ نرم با هدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها نقش مهمی را در سست نمودن حلقه‌های فکری و فرهنگی جوامع ایفا می‌کند. این رویکرد جدید دشمن مبتنی بر تولید تهدیدات نرم -به ویژه در سطح هویتی- است که در نوشتار حاضر به آن پرداخته شده است.

اهمیت تحقیق

با توجه به اهمیت و ضرورت نظام‌سازی و ارائه یک نظام حکومتی تجربه‌شده به کشورهای مختلف جهان و به ویژه کشورهای اسلامی، شناخت و رفع تهدیدات هویتی در اولویت اساسی و اصلی حکومت و ایده‌پردازان و کادر اجرایی قرار می‌گیرد. ضرورت شناسایی تهدیدات یک نظام حکومتی در جهت معرفی و شناساندن این نظام فکری به دیگران بسیار مؤثر بوده، توانمندی حکومت اسلامی را در جلوگیری از انحرافات و تدوین سیستم کارآمد حکومتی نشان خواهد داد. رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا حضرت آیت الله خامنه‌ای در برهه‌های زمانی مختلف به شکل‌گیری تهدیدات مختلف در عرصه‌های گوناگون حکومتی اشاره کرده و مسئولان و دلسوزان نظام و اқشار مختلف مردم را به لزوم شناسایی این تهدیدات و تلاش در جهت مقابله و رفع آن فرا خوانده‌اند که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. حوزه‌های تهدید نرم مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری

از جمله ویژگی‌های بارز و منحصربه‌فرد تهدیدات نرم آن است که با توجه به نقطه قوت پدیده‌ها، تعریف و عملیاتی می‌شوند. به عبارت دیگر تهدیدات نرم روایت منفی نقاط قوت بازیگران هستند. برای مثال چون جمهوری اسلامی نظریه‌ای مبتنی بر سه رکن اسلامیت، جمهوریت و تأمین سعادت

شهروندان است، تهدیدات نرمی که از سوی دشمنان تولید و فعال شده متوجه همین سه رکن می‌باشند. برای درک هرچه بهتر این موضوع، بررسی بیانات مقام معظم رهبری راه گشاست. با تأمل در بیانات معظم‌له مشخص می‌شود که رهبر انقلاب اسلامی هفت موضوع اصلی را به عنوان تهدیدات نرم جمهوری اسلامی ایران برجسته ساخته‌اند:

اول) وحدت ملی

«مسأله دیگر، مسأله وحدت است. هیجان عظیم عمومی که این روزها جریان دارد، زمینه خوبی است تا بتوانیم به فضل پروردگار، بددلی‌ها و گله‌مندی‌ها و دودستگی‌هایی را که متأسفانه در غالب استان‌ها وجود دارد، از بین ببریم. شما اگر با ابتکار و عقل و حکمت و به انگیزه رفع مناقشات، در صحنه این حادثه بزرگ حرکت کنید، من خیلی امیدوار می‌شوم. البته بعضی جاها مشکل و مسأله چندانی ندارند، لیکن در بعضی از استان‌ها واقعا مسأله وجود دارد. در دورانی که ما وزنه عظیم حضرت امام (ره) را نداریم، حقیقتاً بیش از همه چیز بایستی به یکپارچگی و وحدت مردم بیندیشم؛ والا انقلاب تهدید خواهد شد» (بیانات در مراسم بیعت وزیر کشور به همراه معاونان، مشاوران و استانداران کشور ۱۳۶۸/۳/۱۹).

دوم) خداباوری

«انقلاب ما در چنین جوی یک فلسفه جدید را عرضه کرد و تا امروز به آن پایبند ماند. انقلاب ما ثابت کرد که می‌توان قدرت‌های سلطه‌گر را به خود راه نداد و ما دانسته‌ایم که برای این عقیده و این راه بهای سنگینی نیز باید پرداخت، و خود را آماده کرده‌ایم. بگذار این تجربه ملت‌ها را به استقلال واقعی و خدشه‌ناپذیر و در نهایت نفی کامل سلطه‌های بزرگ جهانی رهنمون شود. روند کنونی تقسیم قدرت بشریت را به آینده باز هم تلخ‌تری تهدید می‌کند» (سخنرانی در چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل، نیویورک ۱۳۶۶/۶/۳۱).

سوم) اقتدار ملی

«امروز استکبار جهانی و قلدرهای سیاسی عالم و امپراتوری‌های زر و زور در سرتاسر جهان که در فساد و انحطاط غرقند، با اسلام و نظام اسلامی دشمن هستند؛ زیرا افشاگر و تهدیدکننده آنها، اسلام و بیداری مسلمین است. طبیعی است هر کاری که علیه اسلام و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی از

عهده آنها برآید، می‌کنند. در یک صورت، نظام جمهوری اسلامی می‌تواند خود را به طور کامل از خطر و آسیب دشمن مصون نگهدارد و آن، وقتی است که با اقتدار خویش آنها را مأیوس کند» (بیانات در مراسم بیعت وزیر آموزش و پرورش، معلمان و جمعی از دانش‌آموزان استان تهران ۱۳۶۸/۳/۲۶).

چهارم) ارزش محوری و فداکاری

«در هر مجموعه‌ای که افراد آن عضو بسیج هستند، از جهت خدمت به انقلاب، نسبت به دیگران برتر و مقدم‌ترند؛ زیرا هرگاه خطری نظام را تهدید کند، سینه بسیجی سپر انقلاب خواهد شد. بنابراین، هر کس وارد این عرصه شد، با ارزش‌ترین افراد جامعه است و باید به این توفیق، افتخار کند. من هم افتخار می‌کنم که یک بسیجی باشم. به عنوان یک بسیجی، هر جا که انقلاب به وجود من نیاز داشته باشد، حاضرم خدمت کنم. همه باید به این عضویت افتخار کنیم؛ چون اساسی‌ترین کار انقلاب را بسیج انجام می‌دهد» (بیانات در مراسم بیعت جمع کثیری از بسیجیان نمونه ۱۳۶۸/۴/۶).

پنجم) مردمی بودن

- «... نکته دوم، با مردم بودن و ساده‌زیستی است. البته شما این چنین هستید و الحمدالله همه آقایان از لحاظ زندگی - با عرض نسبتاً عریضی در کیفیت‌ها - در سطح متوسط قرار دارند؛ منتها برخی از این حفاظت‌های زیادی که در بعضی از شهرستان‌ها مشاهده می‌شود، به اعتقاد ما غیر ضروری است و در جاهایی اصلاً حفاظت لازم نیست. این کار، امام جمعه را از مردم دور می‌کند» (بیانات در مراسم بیعت ائمه جمعه سراسر کشور و رئیس مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۴/۱۲).

ششم) ایمان

«همان طور که خدای متعال در قرآن وعده فرموده، تا وقتی ایمان عمیق اسلامی با مردم همراه است، هیچ قدرتی نمی‌تواند کمترین آسیبی به جمهوری اسلامی و انقلاب شکوهمند ایران وارد آورد» (بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم استان کرمانشاه و شهرهای رشت، اراک، سرپند، فردوس، طبس، خوانسار، بیدخت، گناباد و جویبار ۱۳۶۸/۳/۱۴).

هفتم) انقلابی بودن

«تا مادامی که نظام جمهوری اسلامی با انقلاب همراه است، نباید لحظه‌ای تصور شود که تهدیدی متوجه او نیست. خدا نکند آن روزی بیاید که جامعه و انقلاب ما، مثل بعضی از کشورهای به

اصطلاح انقلابی که صرفاً اسمشان انقلابی است، اما در میدان سیاست هیچ مسأله و مشکل انقلابی‌ای برایشان مطرح نیست و مثل کشورهای دیگر با همه رابطه و همخوانی دارند و چیزی به نام آرمان در نظر آنها مطرح نیست، باشد. خدا نکند که ما سرنوشتمان به آن جا برسد و جمهوری اسلامی از انقلاب جدا شود و با او نباشد» (بیانات در مراسم بیعت فرماندهان و مسوولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۶۸/۴/۱۹).

چنان که ملاحظه می‌شود مقام معظم رهبری طیف متنوعی از موضوعات را که متوجه ابعاد نرم‌افزارانه جمهوری اسلامی هستند مورد توجه قرار داده‌اند و از این طریق ضمن تبیین ضرورت تحقیق در زمینه تهدیدات نرم خطوط اصلی بحث را روشن نموده‌اند.

۲. چارچوب مفهومی

۲-۱. امنیت

در ارتباط با امنیت‌شناسی معمولاً دیدگاه‌های مختلفی عرضه می‌شود که در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان آنها را به دو رویکرد اصلی تقسیم نمود. اندیشه‌گران گفتمان سلبی امنیت را در نبود تهدید تعریف کرده‌اند. اما شناسایی مصادیق مختلف تهدید با نگاه به حوزه‌های نظامی، فرهنگی، اقتصادی، محیط زیست و... باعث ظهور گفتمان جدیدی در مطالعات امنیتی با نام گفتمان ایجابی امنیت شد که ابعاد نرم‌افزارانه تهدید بر ابعاد سخت‌افزارانه آن تفوق دارد. بر این اساس امنیت عبارت است از: وضعیتی که در آن نسبتی متعادل بین خواسته از یک طرف و داشته‌ها (کارآمدی) از طرف دیگر وجود دارد؛ به گونه‌ای که در آن واحد سیاسی تولید رضایت می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۰: ۹-۳۹). با توجه به موضوع مقاله حاضر تعریف مبنا از امنیت در این مقاله ترکیبی از امنیت سلبی - ایجابی است. دلیل این انتخاب آن است که سؤالات سه‌گانه مطالعات امنیتی (امنیت چه کسی یا چه چیزی؟، چگونه؟ و چرا؟) با توجه به تهدید نرم، شامل ابعاد سخت و نرم‌افزارانه می‌باشد (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۳۴). به عبارت دیگر: امنیت ملی به عنوان احساس اطمینان یک ملت از توان رفع نیازها و تحقق خواسته‌هایشان و امکان کنترل بحران‌ها و تهدیدهایی که در پیش هست و در درازمدت، می‌تواند یک جنبه سلبی داشته باشد - که آن امکان و توان دفع خطرات و تهدیدات است - و یک جنبه ایجابی دارد که همان تحقق خواسته‌هاست (حشمت‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۹).

امنیت در بعد عینی، فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌ها، منافع و اهداف در بعد ذهنی، فقدان ترس از این که بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع بشوند (نوروزی، ۱۳۷۸: ۱۵۰ به نقل از فرهنگ دفاعی-امنیتی).

هر چند در طول زمان‌ها تهدیدات نرم و سخت را به صورت جدا نمی‌توان بررسی کرد و همیشه این تهدیدات با هم صورت گرفته و انجام پذیرفته‌اند ولی جنبه‌های غالب تهدید در طول اعصار معمولاً در بعد سخت‌افزار گرایانه بوده، حکومت‌ها چالش‌های اساسی خود را در مقابله با تهدیدات سخت دیده‌اند، ولی با توجه به گذشت زمان‌ها و تغییر الگوهای قدرت در سطح جهانی نوع تهدیدات نیز از ابعاد سخت‌افزارگرایی خارج شده و به ابعاد نرم تغییر ماهیت داده‌اند، و امروزه تهدید نرم جای خود را در بین استراتژیست‌ها و سیاست‌مداران باز کرده است. بنابراین توجه به تعریف این کلمه مسأله‌ای بسیار اساسی است که ما در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۲-۲. تهدید نرم

تمامی اقداماتی را که موجب شود تا اهداف، ارزش‌های حیاتی و اصیل یک نظام سیاسی و امنیت ملی کشور از لحاظ فرهنگی به خطر افتد یا موجب ایجاد تغییر و تحول اساسی در باور و ارزش‌های اصلی نظام (استحاله فرهنگی) شود، تهدید نرم می‌گویند. تهدید نرم همان براندازی خزنده و خاموش است، تغییرات ناشی از تهدیدات نرم ماهوی، آرام و تدریجی است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش‌های فیزیکی و به شکل قانونی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل‌های صنفی و قشری اعمال می‌شود (نایینی، ۱۳۸۸: ۲۷۹). بر این اساس تهدید نرم موضوع جنگ نرم به شمار می‌آید که جان کالینز آن را چنین تعریف نموده است: «استفاده طراحی‌شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» (کالینز، ۱۳۷۳: ۴۸۷).

۳. چارچوب تحلیلی: تهدیدشناسی بر اساس کانون تولیدکننده تهدید

برای ارائه هرگونه تجویز و حتی توصیفی در موضوع تهدیدشناسی در عرصه هویتی، نیازمند یک دستگاه تحلیلی هستیم که بر اساس آن بتوان نسبت به شناسایی تهدیدات اقدام نمود. نگارندگان در مقاله حاضر تحلیل بر اساس کانون تهدیدگر را پیشنهاد می‌نمایند که از عینیت لازم برای شناخت

تهدید برخوردار است. این رویکرد تحلیلی بر چند رکن اصلی استوار است که عبارتند از:

۳-۱. کارگزار

منظور از کارگزار عامل سامان‌دهنده تهدید است که این اقدام را با توجه به انگیزه‌هایی خاص انجام می‌دهد. کارگزاران ممکن است دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای مردم‌نهاد (NGO) بنیادها، شرکت‌ها و کارتل‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، محفل‌ها و سندیکاها، گروه‌های نفوذ و فشار و یا افراد صاحب نفوذ و نخبگان باشند. نقش کارگزار به گونه‌ای است که نظریه‌پردازان مختلفی به آن توجه داشته و بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی و امنیتی را ناشی از الگوهای رفتاری آنها می‌دانند. در این راستا رهیافت‌های روان‌شناسانه و تصمیم‌گیری، مطالعات مفصلی پیرامون نقش کارگزار در تغییرات سیاسی امنیتی داشته‌اند. کالبدشکافی چهار انقلاب، نوشته کرین بریتون یکی از آثار برجسته در قالب رهیافت روان‌شناسانه است (بریتون، ۱۳۸۲).

۳-۲. ساختار

این دسته از تهدیدات بیش از آن که ناظر بر مقاصد و اغراض سایر بازیگران باشند، ریشه در سازماندهی ساختاری موقعیت‌ها و پدیده‌ها دارند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۳۴). در واقع وقتی بحث از ساختار می‌شود مراد مسائل غیر شخصی خارج اراده کارگزاران است. تهدیدات نرم ناشی از ساختاری دو دسته‌اند:

الف) ساختار داخلی

تهدیدات ناشی از ساختار داخلی، بسیار متنوع و مختلف است از جمله عبارتند از: تعارض‌های پدیدآمده درون سازمان دولت یا شکل‌گیری جوامع قوی که دارای دولت‌های ضعیف (در مقام تأمین منافع و خواسته‌های آنها) هستند. بحران‌های پنج‌گانه، ناکارآمدی سیستم، ناتوانی سیستم در پاسخگویی و توجیه فرمان، رشد نامتوازن توسعه، بوروکراسی ناکارآمد، وجود و رشد گسل‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و... اهمیت ساختارهای داخلی به نحوی است که برخی نظریه‌پردازان مانند «جوئل میگدال» معتقدند که مشکل امنیتی کشورهای جهان سوم پدیده ساختاری است (افتخاری، ۱۳۸۵).

ب) ساختار بین‌المللی

تهدیدات مبتنی بر ساختار منطقه‌ای و بین‌المللی نیز متعدد و متکثر است. آرایش و ساختار قدرت جهانی، ساختار اقتصاد بین‌الملل، قواعد بازی بین‌المللی، هنجارها و قوانین و مقررات بین‌المللی، جهانی‌سازی و... برخی از مظاهر تهدید ناشی از ساختار بین‌المللی است. به عنوان مثال ساختار تک‌قطبی نظام بین‌المللی، انباشت سرمایه نابرابر که بنیاد اقتصاد نوین را شکل می‌دهد و یکپارچه‌سازی فرهنگ‌ها که از سوی نظام‌های لیبرالیستی تعقیب می‌شود از جمله مصادیق عینی تولیدکننده تهدید نرم می‌توانند به شمار آیند.

۳-۳. فرآیندها

منظور از فرآیند تحولات سازمان‌یافته‌ای است که در تعامل محیط با بازیگران ساخته و پرداخته می‌شوند. این موارد اگرچه در ابتدا از ناحیه بازیگران به عنوان تهدید قابل درک نیست، اما به مرور زیرساخت‌ها را دچار تحول ساخته و در نتیجه امنیت ملی در معرض زوال قرار می‌دهد. به عنوان مثال تغییرات جمعیتی یا تغییرات نسلی، رشد تحصیل کرده‌ها بر اثر سیاست‌های توسعه دانشگاه‌ها، رشد طبقه متوسط، توسعه نامتوازن، تصمیمات مهم ولی بدون کارشناسی شده و... از جمله تهدیدات نرم ناشی از فرایندها است که در امتداد زمان بر اثر یک‌سری مولفه دیگر تبدیل به تهدید عینی و ملموس نظام سیاسی می‌شوند (باقری و یوسفی، چستی تهدید نرم: ۲۴-۲۶).

۴-۳. موضوع

تهدید در هر بعد و شکل، یک هدف اساسی را دنبال می‌کند؛ «تحمیل اراده بر حریف». خواسته بنیادی در تحمیل اراده بر حریف، انجام رفتار مطلوب و مورد نظر عامل تهدیدکننده است. اگر قرار است بر «رفتار» حریف تأثیرگذاری شود، بهترین راه، تأثیرگذاری بر «افکار» اوست. از این رو، تهدید نرم، دو «پیکارگاه» دارد: یکی قلب و دیگری مغز. تصرف «قلب‌ها و مغزها» و تصرف دل‌ها و ذهن‌ها هدف منازعات نرم Conflict Soft است. در تهدید نرم عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقناعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های امل تهدید فهم و درک نماید (مطالعات گروهی دانشکده امنیت ملی، ۱۳۸۸: ۸۰ به نقل از جوزف نای، ۱۳۸۳: ۱۴۹). از این موارد به موضوعات تهدید نرم تعبیر

می‌شود.

۴. تهدیدات نرم هویتی

با توجه به الگوی مفهومی و تحلیلی ارائه‌شده حال می‌توان به شناسایی تهدیدات نرم جمهوری اسلامی ایران در عرصه هویتی اشاره داشت.

۴-۱. ارکان هویتی جمهوری اسلامی ایران

برای درک بهتر تهدیدات نرم نظام جمهوری اسلامی باید نخست، ارکان هویتی این نوع حکومت را و سپس تهدیدات آن را برشماریم تا از طریق رفع این تهدیدات به امنیت پایدار که خواسته و آرمان هر کشور و حکومتی است، دست بیابیم.

بعد هویتی جمهوری اسلامی در سه سطح قابل بررسی است:

اول: فلسفه وجودی جمهوری اسلامی یا اسلامیت که در قالب نظریه ولایت فقیه مطرح شده است.

دوم: سازمان و ساختار حقوقی یا جمهوریت که در قالب جمهوری اسلامی و با شاخص مردم‌سالاری دینی تعریف شده است.

سوم: اهداف و پیامدها یا کارآمدی که در قالب نظریه سعادت تعریف شده است.

۴-۲. تهدیدات نرم در ساحت اسلامیت

وصف اسلامی در نام حکومت انتخابی برای کشور ایران، محتوای حکومت را بیان می‌کند و معنی آن، این است که حکومت جمهوری ایران با اصول و مقررات اسلامی اداره می‌شود و بر محور اسلام حرکت می‌کند و جهت می‌گیرد. «معنای اسلامی بودن جمهوری، استقرار حاکمیت الله و تحکیم "ما انزل الله" و اطاعت از خدا و رسول و اولوالامر از طریق خواست و اراده مردم است و انطباق اراده عمومی ملتی بر انقیاد و اطاعت از خدا و تحکیم شریعت الهی، امری امکان‌پذیر است، چنان که در زمان پیامبر اسلام (ص) و عصر علوی تحقق یافت و مردم با اراده جمعی، چنین حکومتی را پذیرا شدند و دعوت قرآن را که طی آیات متعددی در مضامین مختلف مردم را به حاکمیت الهی فرا خوانده، پذیرفتند و از آن حمایت کردند» (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۱۹۱-۱۹۲). ولی فقیه والی و نگهبان اسلامیت و جمهوریت نظام حکومتی است و همچنین اسلامیت نظام جز با وجود فقیه‌ی

جامع الشریط حفظ نمی‌شود، "بر این اساس، ولایت مطلقه فقیه، از آن رو مبنای جمهوری اسلامی است که منافع و مصالح عمومی را پی‌جویی می‌کند و اگر حکمی شرعی نافی آن بود، می‌تواند آن را لغو کند و این نافی اسلامی بودن حکومت نیست. بر این اساس، دولت اسلامی گرچه با محوریت فقیه شکل می‌گیرد، اما مشروط به فقه نیست و هویتی فراققهی دارد. بنابراین، فقیه می‌تواند ولی باشد که از منافع و مصالح جامعه آگاهی داشته باشد" (پورسعید، ۱۳۸۹: ۴۹). با این توضیح عمده‌ترین تهدیدات نرمی که دشمن در پی تولید آنهاست عبارتند از:

اول) ایجاد بحران در اعتبار نظام اسلامی

اعتبار به منزله پشتوانه حاکمیت، اجرای تصمیمات و وظایف نظام سیاسی را تسهیل می‌کند. اعتبار و پرستیژ همواره مد نظر قدرت‌ها بوده است که به گونه‌ای اندیشمندان روابط بین‌الملل آن را به عنوان یک منبع مستقل قدرت به شمار آوردند. البته اعتبار ناشی از عوامل مختلفی است. "نای" در این خصوص می‌گوید: «اعتبار یک منشأ تعیین‌کننده و یک رکن با اهمیت قدرت نرم محسوب می‌گردد. از نظر وی شهرت یا اعتبار اهمیت بیشتری حتی نسبت به گذشته پیدا کرده است. مبارزات سیاسی بر سر ایجاد و از بین بردن اعتبار رخ می‌دهد. دولت‌ها نه تنها با دیگر دولت‌ها بر سر اعتبار به رقابت می‌پردازند، بلکه این کار را با بهره‌گیری از گسترده وسیعی از بدیل‌های مختلف شامل رسانه‌های خبری، شرکت‌ها، سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و شبکه‌های مجامع علمی صورت می‌دهند». بنابراین با توجه به اهمیت یافتن عنصر اعتبار در نظام‌های سیاسی، هر نوع اختلال در آن دولت‌ها را با چالش‌های سنگینی روبه‌رو می‌سازد. یکی از کارکردهای اصلی عملیات روانی با رویکرد تهدید نرم نیز بی‌اعتبارسازی نظام‌های سیاسی با تکنیک‌های مختلف در نزد مردم و نخبگان آن کشور از یک سو و بی‌اعتبارسازی در نزد سایر دولت‌ها و سازمان‌ها از سوی دیگر است.

دوم) ایجاد بحران در مشروعیت

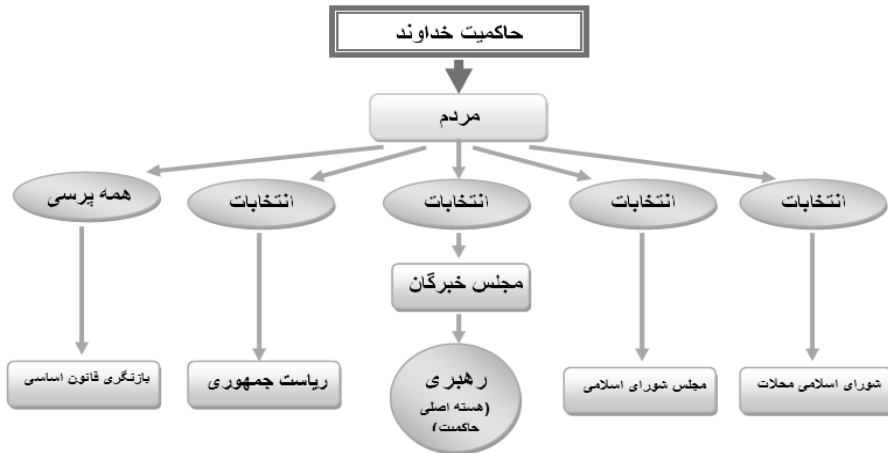
در حکومت دینی منشأ مشروعیت حکومت الهی است و حاکمیت نشأت گرفته از اراده ذات باری تعالی و پرتوی از ولایت الهی است، در برابر اندیشه سکولاریستی و یا نظام‌های لائیک که منشأ

مشروعیت را رأی اکثریت مردم می‌دانند. اینکه چرا در نگرش دینی منشأ مشروعیت الهی است علت آن را باید در جهان بینی توحیدی و الهی جستجو کرد. همانطور که علت نگرش لیبرالیسم را باید در جهان بینی مادی آن به دست آمد (سعیدی شاهرودی، ۱۳۸۸: ۲۴).

در این رابطه عملیات روانی با تکنیک‌های مختلف، مبنای شکل‌گیری نظام سیاسی را از طریق مدیریت ادراک و احساس به چالش می‌کشد. در این چارچوب عملیات روانی مبنای مشروعیت نظام با ایجاد تعارض، ابهام‌سازی، آلوده‌سازی، قبیح‌سازی و پیچیده‌سازی تضعیف و توان حاکمیت را برای توجیه‌پذیری آن به چالش می‌کشد. به این ترتیب عملیات روانی بین حاکمیت و مردم گسست ایجاد نموده و نظام سیاسی با بحران مشروعیت درگیر می‌نماید.

۳-۴. تهدیدات نرم در ساخت ساختار

جمهوری به معنای اداره امور جامعه بر اساس رأی و انتخاب عموم مردم و با مشارکت آنهاست که در جمهوری اسلامی ایران در قالب مردم‌سالاری دینی تجلی یافته است. مستند به آرا امام خمینی (ره) و قانون اساسی می‌توان ساختار مبنا برای نقش‌آفرینی مردم در ایران را چنین ترسیم نمود (نک. به نمودار شماره ۲).



نمودار شماره ۲: نمودار مشارکت مردم در نظام سیاسی جمهوری اسلامی

جمهوری در روایت امام خمینی (ره) بیشتر ناظر به وضعیتی است که خصلت دوگانه سلبی دارد:

نخست آنکه ساختاری را معرفی می‌نماید که قدرت در آن ارثی نیست؛ ثانیاً ساختاری است که برای مردم همزمان با تکالیف قایل به حقوق سیاسی و اجتماعی نیز می‌باشد (فراتی، ۱۳۸۵: ۴۳). همانگونه که اشاره شد، جمهوری از دیدگاه حضرت امام (ره) مربوط به فرم و شکل حکومت است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «جمهوری اسلامی به این معنی است که قانون کشور را قوانین اسلامی تشکیل می‌دهد، ولی فرم حکومت اسلامی، جمهوری است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۲۴۰). در جایی دیگر نیز فرموده است: «ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۴۴۴).

با این توضیح مهم‌ترین تهدیدات نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح ساختار و سازمان جمهوریت عبارتند از:

اول) سلطه تفکر لیبرالی

یکی از تهدیدات نرم جمهوریت تفکر لیبرالی و لیبرال دموکراسی منتج از آن است که به دلیل داشتن فلسفه‌ای معارض با اسلامیت، می‌تواند مبانی نظام را متزلزل کند. از این منظر رخدادهایی چون کارشکنی نهضت آزادی در اوایل انقلاب و ادعاهای مجریان فتنه در سال ۸۸ ریشه در این کانون تهدید نرم دارد. از روش‌های چندین ساله اخیر دشمن نیز برای فروپاشی از درون در نظام ج.ا.ایران، ترویج تفکر لیبرالی بوده است. تقویت ایده جنبش دموکراسی به سبک آمریکایی و مستمسک قرار دادن مقوله حقوق بشر، حقوق زنان و... از مواردی است که بستر ایجاد تحقق جنگ نرم در عرصه‌های علمی و نظری می‌باشد.

دوم) انحراف‌های داخلی

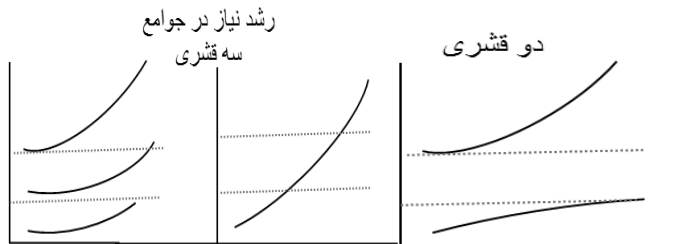
افراد و گروه‌هایی که اگرچه در جریان انقلاب بوده‌اند اما توان کنترل خویش را نداشته و دچار انحراف‌هایی شده‌اند، موضوع با ارزشی برای دشمنان انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند تا از طریق بزرگنمایی و توسعه اندیشه‌های دنیاطلبانه آنها زمینه تضعیف نظام اسلامی را از درون فراهم سازند. این اشخاص که خود را نیز از مردم عادی بالاتر می‌دانند، از اصول اسلامی فاصله گرفته و تقاضای

بهره‌مندی از رانت‌هایی را دارند که با مبنای اولیه انقلاب اسلامی همخوانی ندارد. جلوگیری از ظهور و یا گسترش این افراد یک ضرورت اساسی برای مقابله با تهدیدات نرم نظام اسلامی به شمار می‌آید.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «ابتدا سابقه‌داران اسلام از امتیازات برخوردار شدند، که بهره‌مندی مالی بیشتر از بیت‌المال، یکی از آن امتیازات بود. چنین عنوان شده بود که تساوی آنها با سایرین درست نیست و نمی‌توان آنها را با دیگران یکسان دانست! این، خشت اول بود. حرکت‌های منجر به انحراف، این گونه از نقطه کمی آغاز می‌شود و سپس هر قدمی، قدم بعدی را سرعت می‌بخشد. انحرافات، از همین نقطه شروع شد، تا به اواسط دوران عثمان رسید» (بیانات در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) ۱۳۷۵/۳/۲۰).

سوم) حاکمیت بینش رفاه‌طلبی و زیاده‌خواهی

در یک نظام اجتماعی فئودالی که غالباً فقط از دو قشر "بالا" و "پایین" تشکیل شده است، قشر پایین (مردم فقیر و رعایا) خود را با اربابان خود مقایسه نمی‌کنند، اما وقتی قشر متوسط مانند یک حلقه اتصال بین دو قشر پایین و بالا به وجود آید، این مقایسه امکان‌پذیر می‌شود (نک. به نمودار شماره ۳). قشر متوسط به ویژه وقتی به وجود می‌آید که سطح سواد و آموزش بالا رود و وضعیت درآمد بهبود یابد (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۷۶).

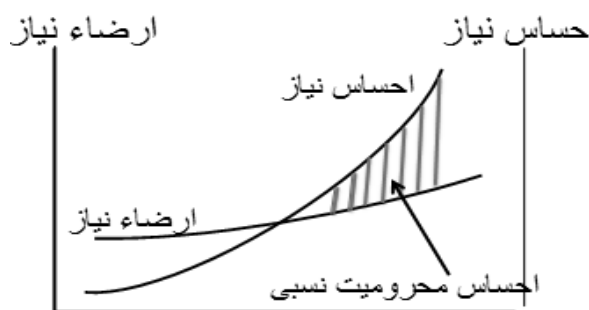


نمودار شماره ۳: ایجاد نارضایتی در صورت رشد طبقه متوسط زیاده‌خواه (رفیع‌پور، ۱۳۷۷، ۸۰)

با مقایسه قشر فقیر با قشر متوسط و قشر متوسط با قشر بالا احساس نیازهای بسیار شدیدی در جامعه پدیدار می‌شود که جامعه را در درون خود دچار تضاد می‌نماید. وقتی نسلی با روحیه

مصرف گرا و مادی گرا رشد کند و لذت خواهی در اوج قرار می گیرد، در چنین زمانی فقط سطح زندگی مسئولان جامعه است که مردم را به کنترل نفسانیات مادی متوجه ساخته و از رقابت های مادی صرف دور می سازد. بنابراین در صورت عدم رعایت این مورد توسط مدیران و مسئولان و عدم توجه به ساده زیستی، مردم دچار احساس محرومیت نسبی شده و این زمینه بروز تهدیدات داخلی و خارجی را افزایش می دهد (نمودار شماره ۴).

«احساس محرومیت نسبی»



نمودار شماره ۴: پیدایش محرومیت نسبی (رفعی پور، ۱۳۷۷، ۸۵)

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «فرض بفرمایید اگر به وسیله یک نفر در سطح عالی و در میان صاحبان مناصب حکومت اسلامی، کیفیت آرایش محل زندگی و محل کار، کیفیت زندگی خانوادگی، چگونگی ازدواج فرزندان، مهریه ها و جهیزیه ها و از این قبیل، به شکل غیر اسلامی آن - به معنای مسرفانه - انجام گیرد. این به فرهنگ تبدیل می شود؛ به این معنا که بقیه نگاه می کنند و یاد می گیرند؛ مهریه ها بالا می رود، ازدواج ها مشکل می شود، زندگی سخت می شود و همین به تدریج آثارش را در طول مدتی کوتاه یا بلند، در متن جامعه منعکس می گردد. بنابراین مهم ترین مطلب اصلی در باب حکومت این است: حاکم نباید حکومت را برای خود وسیله اعاشه و زندگی و کسب درآمد و اندوختن ثروت قرار دهد، بلکه باید آن را یک مسوولیت بدانند» (بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵).

روسو معتقد است، با گرایش به تجمل نباید مدارا کرد؛ زیرا توانگران را به دلیل داشتن آن و تهدیدستان را به دلیل حسرت آن فاسد می کند. ثروت جامعه را به نادر و دارا تقسیم و طبقه ای را برده

طبقه دیگر می‌کند (عالم، ۱۳۷۹: ۳۶۱).

روسو فکر می‌کرد نابرابری در ثروت زیانبار است. او گفت در جمهوری ثروت دارندگانش را از قانون برتر می‌کند و از این راه دولت را از بین می‌برد. مونتسکیو هم، با وجود آنکه ثروتمند بود، به همان نتیجه روسو رسید، دیگرانی هم همین نظر را بیان کردند. همه آنها به جمهوری برابری خواه عقیده داشتند که در آن دولت ثروت را تنظیم می‌کند، اراضی کشاورزی را تقسیم و خدماتی را که باید ارائه شوند تعیین می‌کند و بر مبادلات نظارت می‌نماید (عالم، ۱۳۷۹: ۳۷۰).

چهارم) عدم بازتولید ایدئولوژیک نظام

بعد از وقوع انقلاب اسلامی و اعلان شعار «نه شرقی و نه غربی» استکبار جهانی به سردمداری ابرقدرت شرق و غرب به دشمنی با این حکومت پرداخته و انواع مشکلات و برخوردها را برای این نظام نوپا رقم زدند. کودتا، ترور، جنگ، تحریم و... در زمانی برای کشور و انقلاب رخ داد که هنوز مردان انقلاب به ساختار و سازمان کشور کاملاً مسلط نشده و هنوز با ایادی رژیم سابق و مخالفان داخلی درگیر بوده و تقریباً سابقه مدیریت کلان در سطح کشوری قابل مشاهده و بهره‌برداری نبود. در چنین شرایطی تعهد و خلوص و ایمان به اصول، توانست آینده انقلاب اسلامی را تضمین نماید. این خصلت‌ها هنوز مورد نیاز است و چنین به نظر می‌رسد که در کنار و همزمان با رشد توانمندی‌های مادی و ساختاری، جمهوری اسلامی ایران برای نیل به اهداف بلندش نیاز مبرم به نسلی معتقد، آگاه و فعال دارد. این ویژگی‌ها از ناحیه چند تهدید نرم در حال به چالش کشیدن است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف. جهانی‌سازی

جهانی‌سازی از جمله مقولاتی است که برای هر فرهنگ اصیلی می‌تواند تهدید باشد، و این برای فرهنگ اسلامی ما خطری جدی است. «از نظر علمای جامعه‌شناسی، این مطلب ثابت شده که همانطور که فرد دارای روح است، جامعه هم روح دارد. هر جامعه‌ای دارای فرهنگی است که آن فرهنگ روح جامعه را تشکیل می‌دهد. اگر کسی در نهضتی بتواند بر روی آن روح انگشت بگذارد، آن را زنده کند، خواهد توانست تمام اندام جامعه را یک جا به حرکت درآورد» (مطهری،

۱۳۸۴: ۴۵). از این منظر جهانی سازی از چند بعد می تواند باعث تهدید نرم برای جمهوری اسلامی شود:

- ۱- ورود فناوری های جدید که همراه با خود فرهنگ خاص و مخالف را به ارمغان می آورد.
 - ۲- سلطه هیمنه غرب که جلوی رشد فرهنگ اسلامی را می گیرد.
 - ۳- باعث تحمیل اراده قدرت های برتر در ذیل عنوان اراده جهانی بر کشورهای مستقل می گردد.
 - ۴- باعث تضعیف و یا نابودی قدرت های مؤثر ملی می شود.
- در نتیجه می توان چنین اظهار داشت که جهانی سازی، ساخت اسلامی و جمهوری نظام را هدف قرار می دهد و از این طریق به بروز تهدیدات نرم افزاری برای نظام اسلامی کمک می کند.

ب) توسعه گسست های قومی و مذهبی

کشوری که دارای اقوام و مذاهب مختلف است، همواره با پاره ای تهدیدات احتمالی روبه رو است. در این بین شاخص های مختلفی وجود دارد که می تواند امنیت یک کشور را از طرف اقوام موجود در آن تهدید کند. از جمله این شاخص ها می توان به «میزان مشروعیت نظام در نزد اقوام گوناگون، میزان پیوند تاریخی مشترک اقوام با همسایگان یا قدرت های خارجی دیگر، میزان انسجام درونی یک قوم، چگونگی توزیع و ترکیب جمعیتی اقوام و سرانجام موقعیت جغرافیایی و پراکنندگی یک قوم اشاره کرد. احساس گریز از مرکز که در قومیت ها دیده می شود، به طور معمول آن ها را به سوی جدایی طلبی یا خودمختاری سوق می دهد» (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۶).

اقلیت های دینی کم و بیش، وضعیتی شبیه اقلیت های قومی دارند، با این تفاوت که آن ها بیشتر ایدئولوژی رژیم حاکم و نه تمامیت ارضی آن را در معرض خطر قرار می دهند. گاهی به خاطر حاکمیت مذهب بر یک قوم، یا وضعیت ویژه جغرافیایی، یک اقلیت دینی علاوه بر ایدئولوژی، ارزش ها و اهداف دیگری مانند تمامیت ارضی یا حاکمیت را نیز به مخاطره می اندازد (مرادیان، ۱۳۸۵: ۸۷). اختلافات قومی و مذهبی ای که تهدیدکننده تمامیت ارضی است، مربوط به حوزه سخت افزارانه امنیت است، اما در اکثر اوقات این اختلافات باعث ایجاد یک ذهنیت در بین مردم منطقه شده و نبود عدالت و مساوات در بین گروه های قومی و مذهبی را تداعی می کند که موجبات

نوعی حس انتقام‌جویانه و نژادپرستانه در افراد می‌شود، که ادامه روند باعث سلب مشروعیت از نظام و عدم مشارکت عمومی مردم در حکومت‌داری می‌شود و در مواقع بحران و ضعف حکومت مرکزی می‌تواند نظم عمومی و امنیتی منطقه را برهم بزند.

ج) تولید ناامنی اقتصادی

نقش اقتصاد در امنیت ملی، حیاتی است و دلیل آن تأثیرات گسترده آن بر سایر ارزش‌های ملی است. توسعه نیافتگی پایدار و محرومیت از رفاه اقتصادی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند و ناآرامی‌های اجتماعی را برمی‌انگیزد و در نتیجه چنددستگی داخلی را شدت می‌بخشد. چنین ضعف داخلی می‌تواند باعث اقدامات خصمانه از جانب دشمنان بالقوه یا بالفعل شود (آزر-مون، ۱۳۷۹: ۳۶۸). امنیت اقتصادی یکی از نگرانی‌های مهم دولت است. امنیت اقتصادی به طور کلی دو سو یا دو وجه دارد. وجه نخست به تحکیم بنیان‌های اقتصاد ملی و رهانیدن آن از آسیب وابستگی به کشورهای دیگر مربوط می‌شود. اقتصاد کشورهای توسعه نیافته و با نسبت کمتری کشورهای در حال توسعه از دیرباز به دلیل عملکرد عوامل گوناگون در مناسبات بین‌المللی به صورت وابسته کشورهای صنعتی درآمده است. از وجوه مهم این واقعیت، تک محصولی بودن و وابستگی شدید به سرمایه و کالا و فناوری کشورهای پیشرفته است. وجه دیگر امنیت اقتصادی، متوجه کشورهای صنعتی است. امنیت اقتصادی این کشورها نیز با مواد خام وارداتی از کشورهای توسعه نیافته پیوند خورده است (روشندل، ۱۳۸۷: ۲۲). آمریکا طرحی را که به وسیله کمیته‌ای موسوم به کمیته صلح جاری طرح‌ریزی و به مرحله اجرا گذاشت که در ذیل سه راهبرد اصلی آن «تأکید بر سیاست مهار دوگانه، نبرد رسانه‌ای و ساماندهی نافرمانی مدنی» پانزده محور فعالیتی را تصویب و اجرایی نمودند. در اجرای بندهای این طرح، تلاش فراوانی را معطوف تحریم اقتصادی، فشار اقتصادی و اخلال اقتصادی در سطوح مختلف از فعالیت‌های اقتصادی نظام کردند و هدف از این فعالیت‌ها، وارد کردن فشار مضاعف به ملت انقلابی ایران اسلامی بود.

۴-۴. تهدیدات نرم در ساحت کارایی

کارآمدی و کارآمد در لغت معانی مشابهی دارد: کارآمد یعنی آنکه کارها را به نیکویی انجام دهد، آنکه کار داند، کارآمدی در خور بودن، به کار آمدن، مفید بودن، خدمت کردن (دهخدا،

مدخل کارآمد). در فرهنگ عمید کلمه کارآمد به معنای کارآموده، شایسته، کامل و سودمند آمده است (عمید، ۱۳۷۱: ج ۵: ۸۰۷). و در علم سیاست به معنای کارایی یا قاطعیت نظام سیاسی تفسیر شده است و به "چگونگی اقدامی گفته می‌شود که از آن راه بیش‌ترین بازده و بهره را با کمترین کوشش و رنج و خشونت بتوان به دست آورد" (ابوالحمد، ۱۳۶۵: ج ۱: ۲۴۷). درباره تعریف اصطلاحی کارآمدی نظریه‌های متعددی بیان شده است؛ این اصطلاح بیشتر در سه قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد. در فرهنگ علوم سیاسی این اصطلاح به اثربخشی، تاثیر، توانایی، نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است. در تعریفی دیگر، کارآمدی با کارایی مترادف گرفته شده و به «قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص» معنا شده است (جعفرپور کلوری، ۱۳۸۹: ۱۹۹ به نقل از آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶). از لحاظ امنیتی کارآمدی به معنی توان پاسخ به خواسته‌ها است (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱).

با توجه به اهمیت کارآمدی است که مشاهده می‌شود دشمنان با عملیات روانی به ایجاد گسست میان وضع موجود و وضع مطلوب اقدام نموده و در کنار افزایش توقعات مردمی، نظام سیاسی را در برآورده نمودن نیازمندی‌های مردم ناکارآمد معرفی می‌نمایند. در واقع از طریق مدیریت احساس نوعی محرومیت نسبی را در جامعه دامن زده و توسط مدیریت ادراک ناتوانی دولت در تأمین خواسته‌های مردم را برجسته می‌کند. کارآمدی دولت از مباحث بسیار مهم در اندیشه سیاسی است و دولت‌ها با وجود داشتن مشروعیت چنانچه کارآمد نباشند، این امر موجب بحران کارآمدی و در نهایت بحران مشروعیت می‌شود (رضوانی، ۱۳۸۱: ۱۵۱). نظام سیاسی پویا و کارآمد که بتواند کارویژه‌های خود را به خوبی انجام دهد و در مقابل چالش‌های فزاینده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی واکنش مناسب نشان دهد و به سطحی مطلوب از امنیت عمومی دست یابد، نظامی است که فرایند پاسخگویی مناسبی طراحی و اجرا نماید. اهمیت پاسخگویی در نظام سیاسی به اندازه‌ای مهم است که موجودیت نظام به آن بستگی دارد؛ زیرا مانع فساد درونی و پوسیدگی و ناکارآمدی حکومت می‌شود و زمینه‌ساز سعادت‌یابی در عرصه جهانی برای بشریت است. از این منظر مهم‌ترین تهدیدات نرم نظام اسلامی در ساحت کارایی عبارتند از:

اول) اجرا نشدن عادلانه و مساوی قانون

«اگر جهت‌گیری عدالت اجتماعی در کشور ضعیف شود، هرکاری در کشور انجام گیرد، به زیان طبقات ضعیف و عامه مردم و به سود یک عده معدود زرنک‌ها و گردن‌کلفت‌ها و دست و پادارها و قانوندان‌های قانون‌شکن که راه‌های قانون را بلندند و قانون‌شکنی را هم می‌دانند، تمام خواهد شد» (بیانات در دیدار با جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۴/۲۵).

دوم) تصدی مناصب توسط ناهلان

ناهلان در حکومت اسلامی می‌توانند دارای مشخصات و خصوصیات عدیده‌ای از جمله بی‌تقوایی و... باشند، منتهی به دلیل مبتلا به بودن به دو خصوصیت خاص اشاره کرده و همچنین هدف از تصدی مناصب در حکومت اسلامی را بیان می‌کنیم تا هر آن کس را که در این مصداق ننگنجید به عنوان ناهل معرفی نماییم:

«پنج هزار سال پیش، دنیا از چه می‌نالید؟ آیا از نداشتن هواپیما می‌نالید؟ از نداشتن کامپیوتر می‌نالید؟ مگر کامپیوتر، کسی را سعادتمند می‌کند؟ پنج هزار سال پیش هم دنیا از همین تبعیض‌ها و ظلم‌ها و از همین تحقیر جوهر انسانیت و سلطه نامردمان بر زندگی و سرنوشت انسان‌ها می‌نالید» (بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

«یعنی صاحبان مناصب در نظام حق، حق ندارند خودشان را با اعیان و اشراف مقایسه کنند و بگویند چون اشراف و اعیان این گونه خانه و زندگی دارند و این طور گذران می‌کنند، پس ما هم که صاحب این منصب و این مسئولیت در جمهوری اسلامی یا در نظام اسلامی و حاکمیت اسلامی هستیم، سعی کنیم مثل آنها زندگی کنیم؛ نه... حق ندارند زندگیشان را با اعیان و اشراف و متمکنان و یا منحرفان اندازه‌گیری کنند. پس با چه کسانی باید زندگی خودشان را اندازه بگیرند؟ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ عَلَىٰ أَيْمَةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ»؛ با مردم معمولی، آن هم ضعیف‌ها و پایین‌تره‌هایشان» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵).

«پس هدف از قبول مناصب دولتی در نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی چه باید باشد؟ هدف باید اجرای عدالت، تأمین آسایش مردم، فراهم کردن زمینه جامعه انسانی برای شکفتن استعدادها، برای تعالی انسان‌ها و برای هدایت و صلاح بنی آدم باشد» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

تهران ۱۳۷۹/۹/۲۵).

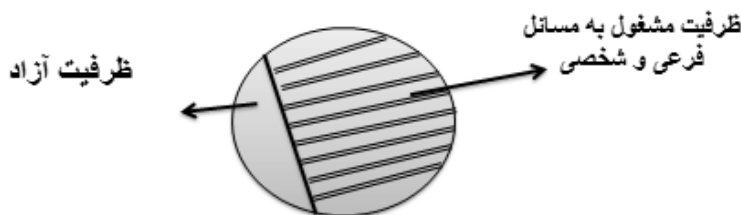
سوم) رواج فساد و بی‌بندوباری اخلاقی و رفتاری

«... ما مسئولیم. ما با آدم‌های معمولی کوچه و بازار فرق داریم. ما چه نماینده مجلس باشیم، چه عضو دولت باشیم، چه مدیر فلان بخش نظامی باشیم، چه بخش قضایی باشیم، همین که شما آقایان و خانم‌ها مسئولان بخش‌های مختلف هستید، کار من و شما سخت است. ما اگر تخطی و لغزش پیدا کنیم و اشکالی در کارمان پیدا شود، ضررش فقط به خود ما نمی‌رسد؛ ضررش به جمع وسیعی می‌رسد. ما اگر کم کاری و کوتاهی کنیم، کشور ضرر می‌کند. ما اگر خدای نکرده از هوای نفس خود در تصمیم‌گیری‌ها پیروی کنیم، از رفیق بازی و خط بازی و عدم ملاحظه ارزش‌ها حقیقی پیروی کنیم، کشور صدمه می‌بیند. کار ما سخت است. ما بیشتر از دیگران باید به فکر جهنم و عبور از این صراط دشوار باشیم. این چند سال مسئولیت، ابدی نیست... اگر این چند سال را دندان روی جگر بگذارید و دنبال کسب پول، دنبال درآمدهای نامشروع، دنبال رانت‌خواری، دنبال استفاده از امکانات دولتی و دنبال تعرض به بیت‌المال نباشید- این که دشوار نیست- آن وقت "ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون"» (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۸۳/۸/۶).

چهارم) عدم برنامه‌ریزی مناسب کلان ملی و اهتمام به اجرای دقیق آن

نظام پیچیده اجتماعی و آشفته‌گی آن، مسئولان امور را آنقدر درگیر مسائل جزئی، فرعی و همچنین حل مسائل شخصی می‌نماید که در نتیجه نتوانند از ظرفیت فکری خود برای حل مسائل اصلی استفاده نمایند.

ظرفیت آزاد تفکر برای حل مسائل



(رفیع پور، ۱۳۷۷: ۴۶۸)

«مدتی ما را به مسائل سیاسی و جناحی و خطی و حرف‌های پوچ و بی‌محتوا - که در زندگی

واقعی مردم هیچ نقشی ندارد- سرگرم کردند. آنچه کشور ما احتیاج دارد، کار و تولید و توسعه مادی و معنوی، همراه با عدالت و بدون تبعیض و فساد و افزون‌خواهی غیر قانونی - و به قول آقایان رانت‌خواری- است. مهم‌ترین همت قوه مجریه و قوه مقننه و قوه قضاییه باید این باشد که بتوانند در مقابل این بیماری‌های صعب‌العلاج بایستند. این بیماری‌ها از بلای زلزله هم برای کشور خطرناک‌تر است؛ چون همه‌گیر است» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان بم ۱۳/۲/۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

امنیت و آرامش در زندگی افراد جامعه حقی طبیعی و اولیه محسوب می‌شود که هر حکومت باید آن را در هر شرایطی برای مردم تأمین کند. در این بین، رواج ناامنی و برهم زدن نظم عمومی، ضمن خارج کردن مردم از ریل عادی زندگی، می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را به عنوان عصاره دستاورد انقلاب خونین ملت ایران به چالش بکشد.

زمینه‌ها و تهدیدات حکومت اسلامی از زمان پیامبر(ص) و حکومت امام علی(ع) وجود داشته و حکومت اسلامی آنان را نیز تحت تأثیر قرار داده است. ضرورت شناسایی تهدیدات یک نظام حکومتی در جهت معرفی و شناساندن این نظام فکری و حکومتی به دیگران بسیار مؤثر بوده و توانمندی حکومت اسلامی را در جلوگیری از انحرافات و تدوین سیستم کارآمد حکومتی نشان خواهد داد. همچنین چارچوب مدونی را برای فعالیت مردم و کارگزاران و شناخت دوست و دشمن ارائه خواهد کرد و امنیت پایدار را به ارمغان خواهد آورد.

برای ارائه الگویی منسجم و کارآمد به کشورهای منطقه و جهان اسلام، جمهوری اسلامی نیازمند عبور از بحران‌ها و تهدیداتی است که هویت آن را هدف گرفته است؛ تهدیداتی که در صورت بروز و آسیب‌رسانی به هر کدام از ابعاد و عناصر هویتی حکومت اسلامی شاخصه الگو بودن را از جمهوری اسلامی خواهد گرفت و تداعی شکست این حکومت را برای سایرین رقم خواهد زد.

کتابنامه

۱. آزر، ادوارد؛ مون، چونگ این (۱۳۷۹)؛ امنیت ملی در جهان سوم؛ ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی چاپ اول.
۲. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۶۵)؛ مبانی علم سیاست؛ انتشارات توس، چاپ سوم.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)؛ فرهنگ امنیت جهانی؛ پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۵)؛ کالبد شکافی تهدید؛ تهران، دانشکده و پژوهشکده فرماندهی و ستاد و علوم دفاعی، چاپ اول.
۵. افتخاری، اصغر؛ نصری، قدیر (۱۳۸۳)؛ روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۶. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)؛ اصول و مبانی تهدید شناسی در حوزه داخلی، دانشکده و پژوهشکده اطلاعات و امنیت، چاپ هدایت، چاپ اول.
۷. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)؛ صحیفه امام؛ جلد ۴-۵؛ تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. باقری، یوسفی؛ چیستی تهدید نرم؛ فصلنامه‌های، انتشارات دانشکده امام‌هادی.
۹. بریتون، کرین (۱۳۸۲)؛ کالبد شکافی چهار انقلاب؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران، زریاب.
۱۰. پور سعید، فرزاد (۱۳۸۹)؛ مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی (ره)؛ فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
۱۱. حشمت زاده، سلامی، هاشمی، حافظ‌نیا (۱۳۸۰)؛ جمع‌بندی میزگرد فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی؛ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، شماره ۲۶.
۱۲. جان. ام. کالینز (۱۳۷۳)؛ استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)؛ ترجمه کوروش بایندر؛ تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ دوم.
۱۳. جعفر پور کلوری، رشید (۱۳۸۹)؛ فرهنگ سیاسی در ایران؛ تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۲۵۸-۱۳۳۴)؛ لغت نامه دهخدا؛ چاپ سیروس.
۱۵. رضوانی، محسن (۱۳۸۱)؛ اصول و شاخصه‌های کارآمدی دولت در اندیشه سیاسی امام

۱۶. رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)؛ توسعه و تضاد، کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران؛ ناشر شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
۱۷. روشندل، جلیل (۱۳۸۷)؛ امنیت ملی و نظام بین‌المللی؛ تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
۱۸. سعیدی شاهرودی، علی (۱۳۸۸)؛ حاکمیت دینی اصول و مبانی، جریان‌شناسی اصولگرایی؛ چاپخانه مرکز چاپ، چاپ اول.
۱۹. عمید (۱۳۷۱)؛ فرهنگ عمید.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵)؛ حقوق اساسی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. عالم، عبدالرحمن؛ تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)؛ انتشارات وزارت خارجه؛ تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۲۲. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۵)؛ نشانه‌شناسی جمهوری و دموکراسی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)؛ مردم سالاری دینی، به کوشش: کاظم قاضی‌زاده، تهران، چاپ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد اول.
۲۳. مرادیان، محسن (۱۳۸۵)؛ درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات؛ تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.
۲۴. مطالعات گروهی دانشکده امنیت ملی؛ تهدید نرم در نظریه امنیت؛ چاپ اول، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۸.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)؛ پیرامون انقلاب اسلامی؛ قم، انتشارات صدرا؛ چاپ بیست و سوم.
۲۶. نایینی، علی محمد (۱۳۸۸)؛ قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل؛ نشر ساقی؛ با مشارکت معاونت فرهنگی - اجتماعی سازمان بسیج مستضعفین.
۲۷. نرم‌افزار حدیث ولایت ۲. (مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۶-۱۳۸۸)
۲۸. نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۸)؛ فصلنامه مدیریت دفاعی؛ سال ششم، شماره ۱۳.

اندیشه دفاعی - نظامی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه

دکتر محمدجواد سبحانی فر^۱

علی پاسخی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

دین مقدس اسلام اساساً دین رحمت و رأفت و حامی حقوق انسان‌ها بوده است و به هیچ وجه طرفدار خشونت، جنگ، و سلب آرامش از جامعه بشری نبوده، و منطق جهاد و دفاع در اسلام مبتنی بر دفاع و تهاجم به صورت توأمان است. با توجه به اینکه حضرت علی (ع) به عنوان الگویی کامل و جامع از رهبری جامعه اسلامی شناخته شده است می‌توان با شناخت مبانی و عناصر راهبردی امیرالمؤمنین (ع) در برخورد با مسائل، ضمن الگوبرداری از رفتارهای آن حضرت (ع) در حوزه‌های مختلف خصوصاً دفاع پرداخته و مشکلات فراروی جامعه و چالش‌های فکری و معنوی و مادی انسان‌ها را در بستر زمان مرتفع کرد. در این راستا سؤال این تحقیق عبارت است از: «اندیشه دفاعی - نظامی امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه چگونه است؟ که ضمن بررسی این موضوع بتوان در راستای ایجاد یک الگوی دفاعی - نظامی اسلامی الگوبرداری کرد که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حضرت (ع) در عرصه نظامی ضرورت آن را عامل بقا تداوم ارزش‌های اخلاقی و معنوی جامعه توحیدی و برای دفاع از جسم و جان و فکر و عقیده انسان الهی می‌داند. بنابراین اقتدار و استحکام و ایجاد روحیه قوی ایثار و جهاد، شجاعت و نظم و اطاعت از فرماندهی و رعایت سلسله‌مراتب و احقاق حق را با تمسک به قدرت الهی مورد توجه قرار داده و آموزش‌های نظامی را به همراه تاکتیک‌ها و آمادگی‌های لازم با رشد قابلیت‌ها و تجهیزات ضروری می‌دانستند.

کلیدواژه‌ها: حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، دفاع، اندیشه دفاعی - نظامی.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

۲. کارشناس ارشد مطالعات دفاعی راهبردی.

۱- مقدمه

از آنجا که دفاع به عنوان یک سنت جاری در نظام خلقت بنا نهاده شده است و هر موجود زنده‌ای به حکم طبیعت دارای قوه و نیروی دفاعی بوده و درصدد دفاع از خود بر می‌آید تا در برابر تهدیدها و خطرهای هویت و موجودیت خود را حفظ نماید، انسان نیز در این نظام هستی به حکم و نیروی عقل و منطق همواره برای حفظ موجودیت و هویت خود در کنار سایر فعالیت‌های زندگی فردی و اجتماعی به تدبیر و چاره‌اندیشی در تدارک و تمهیدات دفاعی پرداخته و در سایه فکر و اندیشه به تناسب شرایط و نوع تهدیدها و خطرهای، امکانات دفاعی را برای خود تأمین می‌نماید. دین اسلام فراتر از قالب‌های محدود مکتب‌ها و مذاهب‌های دیگر برای انسان‌ها، پیام و برنامه‌ای کامل ارائه نموده است. منطق جهاد و دفاع در اسلام مبتنی بر دفاع و تهاجم به صورت توأمان می‌باشد، چنانکه اسلام و مملکت اسلامی مورد تعرض واقع شود با تمام قدرت رفع تجاوز و دفاع در برابر تهاجم دشمن خواهد کرد. با توجه به این موضوع، این تحقیق بر آن است تا با توجه به این اصول کلی دفاعی اسلام الگوی دفاعی - نظامی حضرت علی(ع) را به عنوان الگویی کامل و جامع از رهبری جامعه اسلامی، بررسی کند تا بتواند از رفتارهای آن حضرت(ع) در حوزه دفاعی - نظامی الگو برداری کند و در صورت امکان از دستاوردهای دفاعی - نظامی در راستای یک الگوی کامل دفاعی - نظامی با شاکله‌های محکم اسلامی بهره‌گیری نماید.

۲- بیان مسأله

با توجه به اینکه مکاتب مختلف دنیا اصول مختلف نظامی یا دفاعی را برای خود برگزیده‌اند که همواره باعث ناامنی‌های جهانی برای خود و سایر ساکنان این کره خاکی شده‌اند همواره برای بشر این سؤال مطرح می‌شود که بهترین الگو و نمونه نظامی چه می‌تواند باشد که بتواند بیش از پیش، علاوه بر حفظ منافع ملت‌ها امن‌ترین محیط را در محیط بین‌المللی ایجاد نماید؟ در این راستا با توجه به اینکه دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین و مکتب از مکتب‌های بشری با بهره‌گیری از وحی الهی مطرح است و حضرت علی نیز به عنوان بهترین الگوی شخصیت اسلامی در عرصه‌های مختلف خصوصاً در عرصه نظامی و دفاعی دستورها و بیاناتی داشته‌اند، یکی از مهم‌ترین الگوهای

جهاد و دفاع، جنگ‌های امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بوده که از موازین شرعی اسلام و اندیشه دفاعی و اصول پیامبر اکرم (ص) نشأت گرفته‌اند؛ بنابراین نهج البلاغه یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین منابعی است که اندیشه دفاعی امام علی (ع) را در خود جا داده است و جا دارد که در این موضوع کارهای بیشتری انجام پذیرد.

از آنجا که مسلمانان و به ویژه شیعیان برای حفظ دین اسلام و صیانت از آن وظیفه مهم و خطیری برعهده دارند و ناگزیرند در برابر دشمنان دین اسلام قرارگیرند و به جهاد و دفاع بپردازند، بنابراین نیاز به یک الگوی عملی (بهترین الگو) در این جهت لازم و ضروری به نظر می‌رسد، که یکی از آن الگوها، جنگ‌های سه‌گانه امام علی (ع) در طول پنج سال حکومت ایشان است. بدون شک عیان است که اگر مسلمانان امروز در مبارزات خود اندیشه دفاعی پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) را مورد توجه قرار ندهند، قطعاً به انحراف کشیده شده و موجب صدمه‌زدن به مسلمانان می‌شوند که گاهی غیر قابل جبران است. علاوه بر این عوامل، رفتار بر مبنای الگوی دفاعی - نظامی علاوه بر مسلمانان، می‌تواند الگویی برای امنیت هرچه بیشتر در صحنه بین‌المللی و حقوق بشر شناخته شود. با توجه به خلأهایی که حس می‌شود، بررسی هرچه عمیق‌تر الگوی دفاعی - نظامی آن حضرت برای تمام ملت‌های دنیا خصوصاً ملت‌های مظلوم و مسلمانان از ضروریات است و در راستای این مهم، برای تحلیل عمیق‌تر، سؤال تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شود.

۳- سؤال تحقیق

«اندیشه دفاعی - نظامی امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه چگونه است؟»

۴- نوع و روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد «تحلیل محتوایی» است و در مراحل نگارش از ابزار متعددی از جمله منابع کتابخانه‌ای (مقالات، کتاب‌های تاریخی و شرح‌های معتبر و موثق نهج البلاغه) استفاده شده است. همچنین می‌توان گفت که این تحقیق از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و توسعه‌ای است؛ زیرا نتایج می‌تواند به عنوان اصولی برای اندیشه دفاعی - نظامی

کشورهای مسلمان و ملت‌های مظلوم جهان به ویژه جمهوری اسلامی ایران باشد و الگوی‌های اسلامی این کشورها را با توجه الگوبرداری از دستوره‌های آن حضرت در نهج البلاغه که مهم‌ترین سند از این حضرت است، توسعه داد و کامل‌تر کرد.

۵- ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مفاهیم و اصطلاحات:

- **تعاریف اندیشه:** «اندیشه» در لغت اندیشیدن، تأمل کردن، تفکر کردن و به طور کلی اعمال خاص ذهن انسان است. به لحاظ وجودشناسی و منطقی نیز «اندیشه» و «فکر» بیانگر هر نوع کنش ذهنی فعال انسان صاحب عقل است. به لحاظ معرفت‌شناسی «اندیشه» نوعی معرفت یا دانش تلقی می‌گردد و آن عبارت است از: مجموعه تلاش ذهنی دارای انسجام منطقی، چارچوب مشخص مبنا مستدل و بااهمیت، درباره موضوعاتی خاص چون سیاست، اقتصاد، جامعه، فرهنگ، دفاع، نظام و... از این رو اندیشه دارای انواع شعب گوناگونی مانند: اندیشه سیاسی، اندیشه اقتصادی، اندیشه اجتماعی، اندیشه فرهنگی، اندیشه دفاعی، اندیشه نظامی و... است (لواشتر اوس، ۱۳۷۳: ۵).

- **تعاریف دفاع:** «از ماده دفع (به فتح دال) به معنی راندن، دور کردن، بازداشتن، بازگشت، چیزی را به طرفی فشار دادن و پس دادن می‌باشد. دفاع اسم مصدر عربی از کسی حمایت کردن، بدی را از خود یا دیگری دور کردن، وطن و ناموس و حقوق خود را از دستبرد دشمن حفظ کردن» (عمید، ۱۳۸۹: ۵۴۳).

و در اصطلاح فقه: حمایت کردن مسلمانان از کیان اسلام و سرزمین و قلمرو کشور اسلامی و حفظ امنیت و حراست از جان و مال و ناموس در برابر تهاجم دشمنان داخلی و خارجی است (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۴۸۵-۴۸۷).

به عبارتی دفاع تدابیری است که برای مقاومت در مقابل حملات سیاسی نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و فناوری که توسط یک یا چند کشور مؤتلفه اتخاذ می‌شود (نوروزی، ۱۳۷۸: ۱۴۱). و در تعریفی دیگر، دفاع اقداماتی است که طی آن استفاده از کلیه وسایل و امکانات موجود از پیش‌روی و هجوم دشمن جلوگیری به عمل می‌آورد (رستمی، ۱۳۸۶: ۲۰).

و یا دفاع به معنی حفظ و حراست از ارزش‌هایی نظیر زندگی آزاد، مالکیت، هویت ملی، تمامیت ارضی در برابر تهدیدات گوناگون داخلی و خارجی و یا ساختاری می‌باشد (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۵: ۴۲).

دفاع در حقوق اسلامی عبارت است از قدرتی بازدارنده که به موجب آن حق عملی که شرعاً ضروری است، برای شخص علیه دیگری وجود دارد تا خطر حقیقی حال و غیرمشروع را دفع کند که حق محترم مسلمان یا کافر ذمی است؛ اعم از نفس یا عرض ناموس را مورد تهدید قرار داده است (عطار، ۱۳۵۷: ۹۷).

تعریف اندیشه دفاعی: اندیشه دفاعی، تفکری است که بر سه پارامتر، ارزش‌ها و مبانی اعتقادی، تهدیدات و تجارب و ساختار استوار می‌باشد. به عبارتی مجموعه تفکرات منسجم و منطقی دارای مبانی مستدل و مهم و دارای سه عنصر مبانی نظری، عقیدتی و تجارب نظامی و دفاعی و تحولات سیاسی و نظامی است (عسگری، ۱۳۹۱: ۵).

دفاع و قدرت نظامی

قدرت در واضح‌ترین شکل خود استفاده از خشونت و ثروت و دانایی برای واداشتن مردم به انجام کاری خاص و به عبارتی اعمال نفوذ در دیگران به وسیله ابزارها و عوامل مختلف است. مثلاً اگر در اعمال نفوذ در دیگران از ابزار و تجهیزات نظامی استفاده شود در این حالت قدرت از نوع قدرت نظامی خواهد بود (بابایی، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

الف - انواع قدرت:

۱- **قدرت سیاسی:** کیفیتی است که تحت تأثیر آن یک اکثریت بزرگی از یک اقلیت خیلی کوچک اطاعت می‌کنند. به عبارتی «سرچشمه آن مشیت الهی است که بر اساس این دکتترین، هر قدرتی ناشی از خداوند است، ولی تعیین صاحبان قدرت به طور عملی انسانی است» (عاملی، ۱۳۵۱: ۱۱۱).

۲- **قدرت نظامی:** به مجموعه نیروهای مسلح، تجهیزات، فنون و آمادگی‌های نظامی یک دولت دلالت می‌کند. قدرت نظامی در دنیای معاصر عنصر بازدارندگی تلقی می‌شود. بدین معنی که با داشتن قدرت نظامی دشمنان تصور و اندیشه تجاوز را در سر نیروورانده و از تهاجم بازداشته می‌-

شوند، و قدرت نظامی از عوامل مهم قدرت ملی یک کشور است (جمالی، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۲).

ب- عناصر قدرت نظامی:

عناصر تشکیل‌دهنده قدرت نظامی اعم از سلاح‌ها و تجهیزات نظامی، کمیت و کیفیت افراد نظامی، رهبری، بودجه نظامی، پایگاه‌ها، فنون نظامی، تحرک نیروها و امکانات تدارکاتی و لجستیکی، نقش مؤثر در میزان اثرگذاری این قدرت در اعمال نفوذ دارند. مسلماً در این اثرگذاری نباید عوامل اثرگذار خارجی مثل عوامل ایدئولوژیک، اقتصادی، روانی و ژئوپلیتیک را نادیده گرفت (قوام، ۱۳۷۲: ۹۲).

مایکل روارو می‌نویسد: ظرفیت کشورها برای دفاع از خود و تمایل برای این کار چارچوبی اساسی برای مذاکرات بین‌المللی فراهم می‌آورد. قدرت نظامی جزء جدانشدنی نظم بین‌المللی نسبتاً شکننده‌ای است که وابسته به نظام بین‌المللی است و تصور این نکته مشکل است که در صورت فقدان چنین قدرتی چگونه می‌توان روابط بین‌المللی را راهبری و نظم بین‌المللی را حفظ کرد (سنجایی، ۱۳۷۵: ۱۲۹).

ج- مبانی اندیشه دفاعی:

مبانی، جمع مبنا به معنای اصل و بنیان هر چیز است و منظور از مبانی اندیشه، بنیان‌ها و اصول فکری و نظری یا فرهنگی و یا سیاسی و اجتماعی اندیشه می‌باشد که اندیشه از آنها نشأت می‌گیرد. اصول و مبانی یک اندیشه زیربنا و شالوده آن را تشکیل می‌دهند (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۵۰).

مبانی اندیشه دفاعی عبارتند از: ۱- اندیشه دفاعی ۲- فلسفه دفاعی ۳- انسان و اندیشه دفاعی.

۱- **اندیشه دفاعی:** تفکری است که به گونه‌ای قاعده‌مند و توأم با انسجام درون‌گفتمانی به بررسی مسأله بقای مادی و معنوی یک جامعه به کاررفته تا آن را در برابر خطرهای و تهدیدهای نظامی خارجی ایمن نماید و در جهت حصول به امنیت و تأمین منافع آن به چاره‌جویی پردازد (عسگری، ۱۳۹۱: ۵).

۲- **فلسفه دفاعی:** فلسفه‌ای است که به ترسیم قانون ملی، آرمانی تنازع بقای مادی و معنوی یک ملت، کشور، باتوسل به قوه قهریه برای دفع تجاوز و نیل به امنیت در شرایط تجاوز می‌پردازد. بنابراین در زمان جنگ و صلح مورد توجه است (نوروزی، ۱۳۷۸: ۲۱۳).

از این رو با توجه به آیات (۳۹ و ۴۰ سوره مبارک حج) قرآن کریم، مهم‌ترین فلسفه و علت دفاع به ویژه در جامعه انسانی را می‌توان امور زیر دانست:

دفع فساد از زمین ۲- دفع ظلم ۳- دفع استکبار ۴- دفاع از ارزش‌ها و حفظ اماکن مقدس و نمادهای دینی ۵- مبارزه با مخالفان حق ۶- احیای نشانه‌های دین خدا

۳- انسان و اندیشه دفاعی: اندیشه نظامی و امنیتی و تفکر در باب مسائلی چون دفاع، امنیت جامعه و فرد، برخورد با دشمن و نظیر این‌هاست. یعنی تفکر و اندیشه در باب برخی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل زندگانی نوع انسان که با بقا و استمرار حیات و زندگانی او بستگی دارد (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

اندیشه دفاعی در مکتب اسلام

برابر آیات قرآن و روایات و سیره ائمه معصومین، دفاع در برابر تجاوز نظامی بیگانه به حدود قلمرو جامعه اسلامی، در زمره نخستین اولویت دفاعی اسلام به شمار می‌رود. پس اهمیت و توجه موجب می‌گردد تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی در مرکز ثقل اندیشه دفاعی و نظامی در اسلام و قرآن قرار بگیرد. از جمله نخستین اموری که در حکومت اسلامی توجه به آن ضروری است، اولویت بخشیدن به پیش‌بینی ساختار، ابزار و نیروی انسانی مورد نیاز برای تأمین امنیت نظامی در هر مقطع از زمان و با توجه به ماهیت تهدید خارجی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۵۵).

بنابراین از مشخصات جنگ در دیدگاه قرآن موارد زیر را می‌توان برشمرد:

- ۱- جنگ در اسلام برای تحکیم طغیان و خودکامگی نیست.
- ۲- جنگ در اسلام برای تظاهر و مستی و غرور و سد راه حق نیست.
- ۳- جهاد صرفاً برای نزدیکی به خداست و عبادت است و در غیر این صورت شرک و گناه است.
- ۴- جنگ برای غارت و طمع و جمع مال نیست.
- ۵- اذیت و آزار به دیگران و کشتن و غارت اموال دیگران به بهانه جهاد ممنوع است.
- ۶- تجاوز و تعدی از حدود اعتقادی و ایدئولوژی جایز نیست.
- ۷- انجام جهاد در چارچوب مقررات خاصی است که خداوند اعلام نموده است.

۸- در بحبوحه جنگ به تقوا و عدالت و فضیلت سفارش شده است.

۹- هر نوع انتقام‌جویی و شکنجه دادن و اسراف و ایزای کودکان و زنان و از بسین بردن درختان و کشتار احشام منع شده است (اشراق، ۱۳۶۰: ۱۵۹-۱۶۰).

اصول اندیشه دفاعی در اسلام

مهم‌ترین مسائل و موضوعات مرتبط با امور نظامی و تأمین امنیت جامعه در قالب اصول اندیشه دفاعی عبارتند از:

۱- اصل دفاع ۲- اصل عبادت و قداست جهاد و جنگ ۳- اصل عمل به تکلیف ۴- اصل کمال رزم ۵- اصل فضیلت جهاد در راه خدا ۶- اصل بسیج رزمی و تدارک تسلیحات و مهمات ۷- اصل مقابله با دشمن ۸- اصل صلح و همزیستی (حاجی صادقی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

از این رو اندیشه دفاعی پیامبر اکرم (ص) را می‌توان در فرماندهی هوشمندانه، شجاعت فردی، اراده نیرومند و ثابت و تحمل بدون تزلزل، آگاهی کامل نسبت به اصول جنگ، داشتن قدرت تصمیم‌گیری سریع و روشن، عدم داشتن غرور در پیروزی‌ها و عدم خرد شدن اراده در شکست‌ها، حفظ روحیه نیروها با داشتن میزان بالای اعتماد به نفس و خویشتن‌داری و دوراندیشی دانست. اسلام صرفاً مجموعه‌ای از اصول اخلاقی فردی را شامل نمی‌شود، بلکه در عین ترسیم دقیق همه رفتارهای فردی بشر، الزامات زندگی سیاسی و اجتماعی مطلوب انسان‌ها را نیز به طور کامل پیش روی پیروان خود قرار داده و سعادت دنیوی و اخروی آنها را در پیروی و عمل بر قوانین فردی و اجتماعی آن می‌داند. در فقه جعفری مسأله به شکل پررنگ‌تر دیده شده است، چنانچه حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: «اگر دشمن به سرزمین مسلمین و مرزهای آن هجوم برد، بر تمام مسلمانان دفاع با هر وسیله ممکن واجب است و این اقدام نیاز به اجازه حاکم شرع ندارد. همچنین این تهاجم منحصر به مرزهای جغرافیایی نیست، بلکه اگر موجب سلطه بر مسائل اقتصادی و سیاسی شود ضرورت دفاع به قوت خود باقی است» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۱۷-۴۱۸).

در مذهب شافعی، مالکی و حنفی، چنین آمده است: وقتی انسانی مورد هجوم قرار گرفت خواه این تهاجم از سوی انسان یا حیوانی باشد، به شخص مورد تجاوز واجب است که از خود دفاع کند ... و حنابله می‌گویند: «دفاع در برابر متجاوز به جان انسان امری است پسندیده نه واجب» (تاج‌آبادی،

۱۳۹۲: ۶۱).

بنابراین مهم‌ترین اولویت اسلام دفاع است و همین اهمیت و توجه موجب می‌شود تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی در اسلام و قرآن حائز اهمیت قرار گیرد. آنچه که از آیات، روایات و سیره ائمه معصومین (ع) برمی‌آید، دفاع برابر و متوازن در مقابل تجاوز خارجی از جمله اصول مطرح در اندیشه نظامی اسلام است که توجه و عمل به آن ضمن بازداشتن دشمن از تجاوز به حریم جامعه اسلامی، دشمن را از تجاوز و تعدی بیشتر نیز باز می‌دارد (جمشیدی، ۱۳۸۹: ۲۷۷-۲۷۶). چنانچه در آیه ۳۹ سوره انفال آمده است: «جنگ و جهاد در راه اسلام برای کشورگشایی نیست، بلکه با هدف گسترش مکتب اسلام و مقابله با فتنه، یعنی دفاعی می‌باشد».

تحلیلی بر بحران‌های عصر امام علی (ع)

دوران کوتاه مدت حاکمیت امام علی (ع) آبستن بحران‌های فراوانی بود که بخش‌هایی از آن را می‌توان در تعاریف امروزی «بحران» نامید. بنابراین پس از رحلت رسول اکرم (ص) نخستین بحران فراگیری که در جامعه اسلامی پدید آمد بحران رده یا ارتداد مردم عرب در مناطق مختلف، ظهور مدعیان نبوت و نیز بحران عدم مشروعیت بود که در میان برخی از قبایل نسبت به خلیفه انتخابی در قالب نپرداختن زکات به دستگاه خلافت رخ داد. خلیفه وقت با یازده لشکر به فرماندهی خالد بن ولید به سرعت برای مدیریت بحران وارد عمل شد و موفق گردید آن را با قاطعیت کنترل کند. دومین بحران در جامعه اسلامی ظهور نارضایتی و اعتراضات مردمی علیه خلیفه سوم بود که به سبب سوء رفتارها و عملکرد او جامعه دچار بحران شد و در نهایت ناراضیان از سه منطقه مصر، عراق و حجاز خلیفه را محاصره کردند. دستگاه خلافت بدون هیچ تدبیری برای مدیریت بحران در موضع انفعالی قرار گرفت و با کشته شدن خلیفه، بحران پایان یافت. نتیجه این بحران پیدایش سومین بحران بود که در عصر امام علی (ع) رخ داد و دامنه آن بسیار فراگیر بود. این بحران‌ها به جنگ‌های خونین و ویرانگری تبدیل و خود موجب و مولد بحران‌های غیر فراگیر شد (زنگنه و علیپور، ۱۳۸۵: ۴۰-۳۹).

۱- بحران‌های فراگیر داخلی

۱-۱- بحران پیمان‌شکنان (ناکثین)

با به قدرت رسیدن امام علی(ع) پس از یک اجماع عمومی مردمی، برخی از کسانی که در طول دوران‌های گذشته به سبب سیاست‌های تبعیض‌آمیز و ناروا و دوری از ارزش‌های الهی و عدالت، به‌ویژه در عصر عثمان و نیز از برکت فتوحات ثروت‌های بی‌شماری برای خود فراهم ساخته، و به قطب‌های اقتصادی تبدیل گردیده بودند، به ناچار با امام(ع) که مشروعیتی دینی و مردمی یافته بود به ظاهر بیعت کردند. اما چون آنان حضور امام(ع) در حاکمیت را تهدیدی برای منافع خود می‌دانستند از پیمان خود بازگشته و به بهانه خونخواهی خلیفه‌ای که خود در کشتن او نقش داشتند بیعت شکستند. براساس این گفته خداوند «و إن نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم...» (سوره توبه، آیه ۱۲) به آنان ناکثین می‌گوییم (زنگنه و علیپور، ۱۳۸۵: ۶۳).

۱-۲- بحران مارقین (تفکر خارجی‌گری)

دومین بحران که در دوره حاکمیت امام علی(ع) به عنوان یک بحران فراگیر به وقوع پیوست بحران برخاسته از تفکر مارقین بود. این بحران مولود جریان‌ی به نام خارجی‌گری در جامعه اسلامی گردید. این بحران زائیده جنگ صفین بود و به سبب آن پدید آمد. چنانچه می‌دانیم امام علی(ع) پس از سرکوبی بحران جمل به جنگ علیه قاسطین (معاویه و بنی‌امیه) پرداخت. در این جنگ ریشه‌های بحران دیگری برای حاکمیت امام(ع) جوانه زد. پدیدآوردگان این بحران، ساده‌لوحان متعصب و متحجری بودند که در جنگ صفین علیه شامیان با دیدن قرآن‌های برنیزه رفته، نسبت به ادامه جنگ دچار تردید شدند. آنان امام علی(ع) را وادار به پذیرش حکمیت کردند، اما پس از آنکه رأی داوران و نتیجه حکمیت را به نفع خویش ندیدند و باید پذیرای سلطه شام بر عراق می‌شدند، همگی با ذکر شعاری چون لا حکم الا لله نسبت به حکمیت اعتراض کردند (یعقوبی، ۱۳۶۲: ۲).

آنان براساس گفته‌های امام علی(ع) به خاطر ۱- شبهه در دین ۲- بدگمانی ۳- تأویل و تفسیر ظاهری قرآن ۴- کج‌فکری ۵- تعصب کورکورانه، به انحراف کشیده شدند (فانددان، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۰).

۱-۳- خوارج

در لغت عرب به معنای متمرّد، طغیانگر بوده و در اصطلاح به گروهی گفته می‌شود که از اطاعت

امام (ع) زمان خود یعنی حضرت علی (ع) خارج شدند. پس از کشته شدن عثمان به بهانه خونخواهی عثمان از بیعت با حضرت علی (ع) سرباز زدند. معاویه که داعیه خلافت را در سر می‌پروراند مردم را علیه امام علی (ع) تحریک می‌کرد و با زور و زر آنان را فریب می‌داد (علی بابایی و آقای، ۱۳۶۵، ج: ۱، ۲۸۵).

۲- بحران‌های غیرفراگیر داخلی

۱-۲- بحران‌ها و شورش‌های برخاسته از تفکر خارجی‌گری

تعدادی از خوارج از نهروان به کوفه برگشتند و چند تن نیز زنده ماندند. کینه‌هایی که آنان از کشته شدن یاران خود از حاکمیت به دل گرفتند روزه‌روز عمیق‌تر شد و دنبال فرصتی برای انتقام می‌گشتند. براین اساس برخی از خوارج شورش‌هایی را در داخل جامعه اسلامی در زمان امام علی (ع) به پا کردند از جمله:

- شورش ابوریم سعدی تمیمی؛

- شورش بنی ناجیه و حزیت بن راشد؛

- شورش اشرس بن عوف شیبانی (نویری، ۱۳۶۴، ج: ۵، ۲۲۴).

۱-۳- اصول اندیشه نظامی امیرالمؤمنین (ع)

۱- تقویت عوامل وحدت‌بخش و عدم تمایل به اختلاف بین نیروهای مبارز: امام علی (ع) خطاب به خوارج در خطبه ۱۲۲ نهج البلاغه می‌فرمایند: «امروز با پیدایش زنگارها در دین، کژی‌ها و نفوذ شبهه‌ها در افکار، تفسیر و تأویل دروغین در دین، با برادران مسلمان خود به جنگ خونین کشانده شدیم. پس هرگاه احساس کنیم چیزی باعث وحدت ماست و به وسیله آن به یکدیگر نزدیک می‌شویم و شکاف‌ها را پر، و باقیمانده پیوندها را محکم می‌کنیم، به آن تمایل نشان می‌دهیم، آن را گرفته، و دیگر راه‌ها را ترک می‌گوییم (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

۲- بیداری و هوشیاری در جنگ: همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است، هر آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید.

۳- صلح و سازش مسلمین: در آستانه جنگ صفین، برخی مدارا کردن امام علی (ع) را دیده و علت را از وی پرسیدند. حضرت (ع) در خطبه ۵۵ عنوان داشتند: «به خدا سوگند! هر روزی که

جنگ را به تأخیر می‌اندازم برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند» (دشتی، ۱۳۹۳: ۸۳-۷۵).

۴- خودداری از آغاز جنگ: حضرت(ع) پیش از رفتن به میدان جنگ جمل فرمودند: «با آنان مدارا خواهیم کرد و فاصله خواهیم گرفت تا آنکه ستم و تجاوز به ما را آغاز کنند. و به سپاه خود دستور داد که در برابر خصم، صفوفشان را بیاریند اما دست به جنگ نزنند، بلکه بگذارند دشمن دست به جنگ تجاوزکارانه بزند و از او دلیلی رسا و زنده علیه خویش به دست آید (فارسی، ۱۳۴۶: ۷۱۷).

بنابراین می‌بینیم حضرت(ع) هرگز به دفاع مسلحانه مبادرت نمی‌جست و شاهد مثال آن ایراد خطبه ۱۳۷ حضرت(ع) است که می‌فرمایند: «من پیش از جنگ از آنها خواستم تا بازگردند و تا آغاز نبرد انتظارشان را می‌کشیدم، اما آنها به نعمت پشت پا زدند و بر سینه عاقبت دست رد گذارند (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۸۱).

۵- اتمام حجت قبل از شروع جنگ: امام علی(ع) برای سرکوبی تجاوز مسلحانه «نهروان» مانند سرکوبی سایر تجاوزات، نخست به جهاد مسلحانه نپرداخت، بلکه به جهاد اعتقادی سیاسی مبادرت جست تا حجت را بر متجاوزان تمام گرداند. به این منظور پیغام داد نماینده اعزام دارند تا در چگونگی علت قیامشان مناقشه و مذاکره نماید و دلایلشان را در این خصوص ارائه دهد. و در جنگ جمل پس از صدور دستور حمله یادآور شدند که زخمی‌ها را نکشید و به دنبال فراریان نروید و خون اسیران را نریزید (فارسی، ۱۳۴۶: ۷۱۲-۷۱۰).

۶- آموزش نظامی: حضرت(ع) نسبت به این امر آنقدر حساب‌شده عمل می‌کرد که وقتی مواجه با روحیه‌بخشی و آموزش نظامی قرار می‌گرفت، اظهار می‌نمودند اگر کوه‌ها از جا کنده شوند، تو ثابت و استوار باش و بر زمین می‌خکوب و از فراوانی دشمن چشم‌پوش.

در خطبه ۶۶ عنوان می‌نمایند: «دندان‌ها را بر هم بفشارید، تا مقاومت شما برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر گردد، زره نبرد را کامل کنید... پی‌درپی حمله کنید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۷).

۷- اصل عبادت و قداست جهاد: حضرت(ع) جهاد را قله بلند اسلام و یکتا دانستن خدا براساس فطرت انسان می‌داند و اظهار می‌دارند: «سوگند به جان خودم در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در

گمراهی و فساد غوطه‌ورند، لحظه‌ای مدارا و سستی نمی‌کنم» (دستی، ۱۳۷۹: ۷۱).

۸- تربیت و تدارک نیروی مبارز: حضرت(ع) در این خصوص عنوان می‌نمایند: «من برای واداشتن شما به راه‌های حق به پاخاستم» (دستی، ۱۳۷۹: ۴۹).

از این رو به خوبی نمایان است که بعد تربیت و تدارک نیروهای مبارز حائز اهمیت بوده و در ادامه حضرت(ع) می‌فرمایند: «نیروهای مبارز در جامعه امری ضروری بوده و موجب آرامش و آسایش مردم است» (دستی، ۱۳۷۹: ۵۳۷).

۹- اصل شایسته‌سالاری: حضرت(ع) برای فرماندهی سپاه اظهار می‌دارند: «کسی را برگزین که خیرخواهی او برای خدا و پیامبر(ص) و امام تو بیشتر و دامن او پاک‌تر، و شکیبایی او برتر باشد» (دستی، ۱۳۷۹: ۵۷۵).

۱۰- تبعیت از مقررات دینی: امیرالمؤمنین(ع) در تمام حرکات نظامی از مقررات و اصول و مرامی تبعیت می‌کرد. مثلاً به هنگام نزدیک شدن به سپاه معاویه، ملاحظه کرد که آب را بر او بسته است به معاویه پیام داد: «آنچه به منظورش اینجا آمده‌ایم آب نیست و اگر پیش از تو به آب دست یافته بودیم به رویت نمی‌بستیم و سپس که بر آب مسلط شد آن را به روی سپاه معاویه باز گذاشت» (فارسی، ۱۳۴۶: ۷۰۷).

حضرت(ع) پیش از آغاز جنگ صفین به سپاهیان در باره طرز رفتار با دشمن پس از هزیمت و تبدیلیش به غیرنظامی چنین دستور داد: «هرگاه به اذن خدا هزیمت گرفتند، رو بر تافته را نکشید و امان خواه را به تیغ زنید و نه زخمی را بکشید. زنان را به آزار مرنجانید و خشم میارید گرچه مقدساتان را بد گویند و رهبران و فرماندهانتان را دشنام دهند؛ زیرا آنان کم‌بنیه و کم‌روحیه و کم‌خردند. خاصه آن که دستور داریم دست از آزار زنان مشرک برداریم،... و اسیر کردن زن مسلمان گرچه به تجاوز مسلحانه دست زده روا نیست... چنانکه حضرت(ع) در جهاد جمل اسیر کردن تجاوزکاران را روا نشمرد و وقتی دلیل خواستند حضرت(ع) استدلال فرمودند که در صورت تقسیم اسیران، عایشه ام‌المؤمنین سهم چه کسی باشد؟ همه سر شرم فرو افکندند» (فارسی، ۱۳۴۶: ۸۲۷-۸۲۱).

از این رو در خطبه ۲۰۶ خطاب به یاران می‌فرمایند: «من خوش ندارم که شما دشنام‌دهنده به

شامیان باشید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۰۵).

بنابراین درمی‌یابیم که این اعمال جوانمردانه امام(ع) تبعیت از مبانی و اندیشه ناب اسلام محمدی(ص) است که توانست راه گشای حق و عدالت در جهان شود.

۱۱- اصل ارتباط امور نظامی با سایر امور: حضرت(ع) در نامه ۵۳ فراز ۴۳ این مسأله را به خوبی پاسخ می‌دهند نوع نوان می‌نمایند: «امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد، پایداری سپاهیان جز به مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آنان برای جهاد با دشمن تقویت گردند، و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را بر طرف سازد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۴۰۹).

۲-۳- مبانی اندیشه نظامی امیرالمؤمنین(ع)

۱- مناجات و دعا در جنگ‌ها: حضرت(ع) در شروع جنگ‌ها از مناجات و دعا استفاده می‌نمودند تا روحیه رزمندگان را الهی کنند. بنابراین در آستانه جنگ صفین عنوان می‌نمایند: «پروردگارا اگر بر دشمن پیروزمان ساختی، ما را از تجاوز برکنار دار، و بر راه حق استوار فرما، و چنانچه آن‌ها را بر ما پیروز گرداندی شهادت نصیب ما فرما و از شرک و فساد و فتنه‌ها، مارا نگهدار» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۳۱).

۲- حفاظت از رهبری نظامی: حضرت(ع) با توجه به روحیه شهادت‌طلبی و اقتدار راسخ در مبارزه علیه کفر و شرک و نفاق اعتقاد داشتند که: «رهبری نظامی می‌بایست همچون محور سنگ آسیاب بر جای خود استوار بماند تا همه امور کشور پیرامون او به گردش درآید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

۳- صبر و استقامت: حضرت(ع) در خطبه ۱۶۸ فراز پنجم در این خصوص با صداقت عنوان می‌نمایند: «جریان سیاسی را تا می‌توانم مهار می‌کنم، اما اگر راه چاره‌ایی نیافتم، با آنان می‌جنگم» و یا در خطبه ۱۶۹ ادامه می‌دهند: «...من تا آنجا که برای وحدت اجتماعی شما احساس خطر نکنم، صبر خواهم کرد» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۲۹).

۴- دقت در متن معاهدات صلح: حضرت(ع) در نامه ۵۳ فراز ۱۳۴ عنوان می‌نمایند: «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش، و بر آنچه بر عهده گرفتی امانتدار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان» (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۱۹).

۵- تبلیغات و عملیات روانی: حضرت در خطبه ۲۴ می‌فرماید: «سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم» (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۹).

و یا در خطبه ۱۴۶ عنوان می‌نماید: «ما در جنگ‌های گذشته با فراوانی سرباز نمی‌جنگیدیم، بلکه با یاری و کمک خدا مبارزه می‌کردیم» (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

۶- مبانی صلح و سازش مسلمین: حضرت (ع) در خطبه ۳۹ می‌فرماید: «مردم شما را به یاری برادرانتان می‌خوانم». در خطبه ۴۱ ادامه می‌دهند: «ای مردم، وفا همراه راستی است که سپری محکم‌تر از آن را سراغ ندارم...» (دشتی، ۱۳۹۳: ۶۵).

۷- نیاز جامعه به ارتش: امام علی (ع) اخلاق نظامی و ره‌آورد ارتش توحیدی را با توجه به تعریف صحیح انسان و جامعه چنین تفسیر می‌فرماید: «ارتش را با مردم و در کنار امت اسلامی و برای دفاع از جسم و جان و فکر و عقیده انسان الهی مطرح می‌کند که چون امت اسلامی باید باشد، ارتش اسلامی هم ضروری است. چون دین خدا باید تداوم یابد ارتش اسلام هم ضرورت دارد». حضرت در بخش دیگر نامه ۵۳ به مالک اشتر به هدفداری ارتش اسلامی اشاره می‌فرماید: «الْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ...»، «اما سپاهیان با اذن پروردگار حافظان و پناهگاه رعیت، زینت زمامداران، عزت و شوکت دین و راه‌های امنیت می‌باشند. قوام رعیت جز به وسیله ایشان ممکن نیست» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۴).

بنابراین در خطبه ۱۴۶ امیرمؤمنان (ع) نظام و حکومت را برای جامعه همانند رشته تسیح برای دانه‌های آن می‌داند که بهره‌گیری از دانه‌ها بدون آن ممکن نیست (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۶۹).

«مَكَانُ الْقَيْمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخِرْزِ يَجْمَعُهُ وَيَضُمُّهُ، فَإِنَّ انْقِطَاعَ النَّظَامِ تَفَرَّقَ الْخِرْزُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّافِيرِهِ أَبَدًا»

۳-۳- انواع دفاع نظامی در کلام امیرمؤمنان (ع)

با توجه به توضیح ارائه‌شده در بخش انواع دفاع در اسلام، دفاع نظامی در کلام امیرمؤمنان (ع) شامل موارد زیر است:

الف- دفاع نظامی پاسخ‌دهنده: پس از حمله ضحاک بن قیس (دوست معاویه) حضرت

علی(ع) به حجاج خانه خدا فرمودند: «ای مردم که بدن‌های شما کنار هم و افکارتان پراکنده است، سخنان پر حرارت شما سنگ‌های سخت را درهم می‌شکند، اما اعمال سست شما دشمنان را به طمع می‌اندازد. در محافل خود می‌گویید... اما هنگام جنگ فریاد می‌زنید، ای جنگ از ما دور شو! و کسی که شما را بخواند فریادش به جایی نمی‌رسد... حق جز با تلاش و کوشش به دست نمی‌آید. شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید، چگونه می‌توانید از خانه دیگران دفاع کنید؟ با کدام پیشوا پس از من به مبارزه خواهید رفت؟» (صبحی صالح، ۱۴۰۷: ۷۳).

حضرت(ع) در خطبه‌ای چنین فرمود: «ای مردم سزاوارترین فرد برای خلافت نیرومندترین مردم نسبت به آن است و داناترین آنها به فرمان‌های خدا، پس اگر امتناع ورزید باید با او به نبرد پرداخت...». توجه به این کلام حضرت(ع) روشن می‌سازد که دعوت امیرمؤمنان(ع) برای جهاد به منظور دفاع بوده است. همان گونه که فرمودند: «من با دو نفر می‌جنگم، چیزی که حق او نیست بخواهد و دیگری آن کسی که از پرداخت حقی که بر گردن اوست امتناع ورزد» (صبحی صالح، ۱۴۰۷: ۲۴۸).

ب-دفاع نظامی پیشگیرانه: همانگونه که منطقی حکم می‌کند در برابر مهاجم باید برخاست. در جایی که دشمن نیرو و امکانات خود را برای حمله جمع‌آوری می‌کند، خرد حکم می‌کند پیش از آنکه دشمن شیخون و غارت خود را آغاز نماید و خسارت جبران‌ناپذیری را وارد سازد باید او را سرکوب کرد و این نیز چهره دیگری از دفاع است.

امیرمؤمنان(ع) در این باره نیز فرموده است: «آگاه باشید من شب و روز، آشکار و پنهان شما را به مبارزه این گروه (معاویه و نیروهایش) دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه با شما وارد جنگ شوند با آنان نبرد کنید. به خدا سوگند هر ملتی که در درون خانه‌اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد، حتماً ذلیل خواهد شد، ولی شما سستی کردید و دست از حمایت برداشتید تا جایی که دشمن پی‌درپی به شما حمله کرد و سرزمین را مالک شد» (صبحی صالح، ۱۴۰۷: ۶۹).

حضرت(ع) در پرتو همین دفاع، آداب و سنن جاهلی را که بر مردم حاکم شده بود و موجب شده بود که از اسلام جز شکلی باقی نماند از بین برد و توانست اسلام را زنده کند و به رغم اینکه ۲۵ سال از قدرت و سیاست کنار گذاشته شده و در دوره حکومت پنج ساله‌اش سه جنگ را به

ایشان تحمیل کردند، به دفاع از اسلام برخاست و با تقسیم عادلانه ثروت و دفاع اقتصادی و نظامی و سیاسی و فرهنگی رفاه نسبی را برقرار ساخت و با پیش گرفتن دفاع نظامی و فرهنگی عوارض نبرد و پیکار را به حداقل رساند، و با دفاع سیاسی حق و حقیقت را برای همیشه پاس داشت. اگرچه حسب ظاهر موجب شکست او شد، اما آنچه نصیبش گشت دولت پاینده و عدالت و جاودانگی اسلام بوده است.

امام علی(ع) در تبیین طبقات اجتماعی جامعه و شرح آن ابتدا امور نظامی و نظامیان و یارانش را مطرح می کند؛ زیرا با توجه به اصل ضرورت دفاع آن را عامل بقا و تداوم ارزش های اخلاقی و معنوی جامعه توحیدی می داند که شکل گیری اخلاق نظامی بر همین اساس ممکن می گردد و معنا پیدا می کند و ارتش را با مردم و در کنار امت اسلامی و برای دفاع از جسم و جان و فکر و عقیده انسان الهی مطرح می نمایند. از طرفی وقتی تمام موجودات حیاتی از انواع ابزار دفاعی برخوردارند، آیا جامعه انسانی بدون ابزار دفاعی دوام می آورد؟ بنابراین در نامه ۵۳ در فراز ۲۴ به مالک اشتر می فرماید: «فالجند باذن الله حصون الرعيه و زين الولاة و عز الدين و سبل الامن و ليس تقوم الرعيه الا بها»؛ «پس سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه های تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان استوار نگردد» (دستی، ۱۳۷۹: ۵۷۳).

و در حفظ توان رزمی و آمادگی و تداوم آموزش نظامی در خطبه ۱۰ می فرماید: «آگاه باشید که شیطان (سران شورشی جمل) حزب خود را جمع کرده و سواره و پیاده های لشکر خود را فراخوانده است. اما من آگاهی لازم به امور دارم... به خدا سوگند گردابی برای آنها به وجود آورم که جز من کسی نتواند آن را چاره سازد» (دستی، ۱۳۷۹: ۵۵).

از طرفی حضرت(ع) توجه خاصی به آموزش نظامی داشت و در خطبه ۱۲۴ می فرماید: «زره پوشیده ها را در پیشاپیش لشکر قرار دهید و آنها که کلاه خود ندارند در پشت سر قرار گیرند. دندان ها را در نبرد روی هم بفشارید که تأثیر ضربت شمشیر را بر سر کمتر می کند. در برابر نیزه های دشمن پیچ و خم به خود دهید که نیزه ها را می لغزاند و کمتر به هدف اصابت می کند. چشم ها را فرو خوابانید که بر دلیری شما می افزاید... پرچم لشکر را بالا دارید... هر کس باید برابر

حریف خود بایستد و کار او را بسازد». و در نکوهش کسانی که از جنگ فرار می‌کنند، می‌فرمایند: «در فرار از جنگ، خشم و غضب الهی و ذلت همیشگی و ننگ جاویدان قرار دارد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۳۷).

و در جایی دیگر خطبه ۱۹۰ حضرت (ع) می‌فرمایند: «سربازان، بر جای خود محکم بایستید و در برابر بلاها و مشکلات استقامت کنید» (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۷۵).

و از طرفی می‌بینیم امام علی (ع) در تمام سخنرانی‌ها و سفارش‌های مکرر، امت اسلامی را به آمادگی همه‌جانبه برای پاسخ دادن به انواع تهاجمات دشمن دعوت کرده و می‌فرمودند: (خطبه ۲۶، فراز آخر) «فخذوا الحرب أهبتها و أعدو لها عدتها فقد ... لظاها و علا سفاها»؛ «شما آماده پیکار شوید و ساز و برگ جنگ فراهم آورید؛ زیرا که آتش جنگ زبانه کشیده و شعله‌های آن بالا گرفته است». و در خطبه ۲۷ حضرت (ع) متذکر می‌شوند: «پیش از آن که آنها (شامیان) با شما بجنگند با آنان نبرد کنید، به خدا سوگند هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گیرد ذلیل خواهد شد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۷۵).

بنابراین در تحکم کلامشان و سفارش به آمادگی برای جهاد و شهادت و تحمل مشکلات جنگ به سراغ الگوی کامل مبارزه و جهاد مبارزات دوران پیامبر (ص) می‌رود و در خطبه ۵۶ می‌فرمایند: «در رکاب پیامبر خدا (ص) بودیم و با پدران و فرزندان و برادران و عموهای خود جنگ می‌کردیم، که این مبارزه بر ایمان و تسلیم ما می‌افزود، و ما را در جاده وسیع حق و صبر و بردباری برابر ناگواری‌ها، و جهاد برابر دشمن ثابت قدم می‌ساخت» (دشتی، ۱۳۷۹: ۱۰۷).

امام علی (ع) ضمن رعایت همه فنون نظامی برای فرماندهان لشکر، فرماندهی کل انتخاب می‌نمود تا در تمام نیروهای مسلح هماهنگی کل و سلسله مراتب فرماندهی استقرار یابد. چنانچه در نامه ۱۳ می‌فرمایند: «مالک اشتر پسر حارث را بر شما و سپاهینی که تحت امر شما هستند فرماندهی دادم گفته او را بشنوید و از فرمان او اطاعت کنید» (دشتی، ۱۳۷۹: ۴۹۳).

در راهبرد دفاعی نظامی، لشکریان را توجه به حفظ امنیت نموده و در نامه ۱۱ می‌فرمایند: «هرگاه به دشمن رسیدید یا او به شما رسید، لشکرگاه خویش را بر فراز بلندی‌ها یا دامنه کوه‌ها یا بین رودخانه‌ها قرار دهید تا پناهگاه شما و مانع هجوم دشمن باشد. جنگ را از یک سو یا دو سو آغاز

کنید، و در بالای قله‌ها و فراز تپه‌ها دیده‌بان‌هایی بگمارید. آنها طلایه‌داران سپاهند. از پراکندگی پرهیزید، با هم فرود بیایید... با هم کوچ کنید... چون تاریکی شب شما را پوشاند... نخواهید مگر اندک چو نان آب در دهان چرخاندن و بیرون ریختن».

از طرفی رعایت اصول اخلاقی در جنگ را حضرت (ع) در نامه ۱۴ خود می‌فرماید: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید، تا آنها شروع کنند؛ زیرا بحمدالله حجت با شماست... اگر گریختند، آن کسی که پشت کرده نکشید، و آن که قدرت دفاع ندارد، آسیب نرسانید، و مجروحان را به قتل نرسانید... زنان را با آزار دادن تحریک نکنید...» و در تاکتیک‌های نظامی در نامه ۱۶ می‌خوانیم: «عقب‌نشینی‌هایی که مقدمه هجوم دیگری است و ایستادنی که حمله در پی دارد نگران‌تان نسازد. حق شمشیرها را آدا کنید، و پشت دشمن را به خاک بمالید» (دستی، ۱۳۷۹: ۴۹۷-۴۹۳).

امام (ع) در جنگ جمل وقتی پرچم به دست فرزندش محمد حنفیه داد، در خطبه ۱۱ نهج البلاغه فرمودند: «اگر کوه‌ها از جای کنده شوند، تو ثابت و استوار باش. دندان‌ها را بر هم بفشار، کاسه سرت را به خدا عاریت ده، پای بر زمین میخکوب کن، به صفوف پایانی لشکر دشمن بنگر، از فراوانی دشمن چشم‌پوش و بدان که پیروزی از سوی خدای سبحان است» (دستی، ۱۳۷۹: ۵۵).

همچنین از ویژگی‌های نظامی و اخلاقی امام علی (ع) در خطبه ۳۳ که می‌فرماید: «به خدا سوگند من از پیشتازان لشکر اسلام بودم. تا آنجا که صفوف کفر و شرک تارومار شد. هرگز ناتوان نشدم و نترسیدم. هم اکنون نیز همان راه را می‌روم، پرده باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلوی آن بیرون آورم».

امام (ع) در نکوهش و علل عقب‌ماندگی مردم کوفه در سستی و نافرمانی از فرامین‌شان در خطبه ۳۴ می‌فرماید: «...اما من به خدا سوگند از پای‌نشینم و قبل از آنکه دشمن فرصت یابد با شمشیر آب‌دیده، چنان ضربه‌ای بر پیکر او وارد سازم که ریزه‌های استخوان سرش را بپراکند، و بازوها و قدم‌هایش جدا گردد و از آن پس خدا هرچه خواهد انجام دهد» (دستی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۵).

با این وصف امام (ع) در تاکتیک‌های نظامی خود در خطبه ۶۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «دندان‌ها را بر هم بفشارید تا مقاومت شما برابر ضربات شمشیر دشمن بیشتر گردد. زره نبرد را کامل کنید،

پیش از آنکه شمشیر را از غلاف بیرون کشید، چند بار تکان دهید. با گوشه چشم به دشمن بنگرید و ضربت را از چپ و راست فرود آورید و با تیزی شمشیر بزنید. پی‌درپی حمله کنید و از فرار شرم دارید؛ زیرا فرار در جنگ لکه ننگی برای نسل‌های آینده و مایه آتش روز قیامت است» (دستی، ۱۳۹۳: ۸۱-۸۳).

در خطبه ۲۴ «سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق، و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم» (دستی، ۱۳۹۳: ۴۹).

در خطبه ۱۹۲ «خداوند مرا به جنگ با سرکشان، پیمان‌شکنان و فسادکنندگان در زمین فرمان داد» (دستی، ۱۳۹۳: ۲۳۸).

در خطبه ۱۹۸ «مردم با دل بینا حرکت کنید و نیت خویش را در جهاد با دشمن راست بدارید» (دستی، ۱۳۷۹: ۲۹۵).

در خطبه ۲۳۸ «از فرصت مناسب استفاده کنید و مرزهای دوردست کشور اسلامی را در دست خود نگه دارید» (دستی، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

در نامه ۱۲ «جز با کسی که با تو پیکار کند، پیکار نکن، در خنکی صبح و عصر، سپاه را حرکت ده» (دستی، ۱۳۷۹: ۳۵۱).

در حکمت ۲۳۳ «کسی را به پیکار دعوت نکن، اما اگر تو را به نبرد خواندند، بپذیر؛ زیرا آغازگر پیکار، تجاوزکار است» (دستی، ۱۳۷۹: ۴۸۵).

در حکمت ۳۱۴ «سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده بازگردان، که شر را جز شر پاسخی نیست» (دستی، ۱۳۹۳: ۵۰۳).

در حکمت ۳۷۵ «اولین مرحله از جهاد که در آن بازمایند، جهاد بادستان، سپس جهاد با زبان، و آنگاه جهاد با قلب‌هایتان است» (دستی، ۱۳۹۳: ۵۱۵).

نتیجه‌گیری

با توجه به تاکتیک‌هایی که حضرت (ع) در جنگ‌های فراوان خود به کار می‌برد سراسر نهج‌البلاغه پر است از اندیشه دفاعی آن حضرت (ع) که شامل اصول، مبانی، انواع دفاع و نکات مهم و اساسی

است. از این موارد به این نکات می‌توان اشاره کرد:

- ۱- از اصول اندیشه نظامی - دفاعی می‌توان این موارد را نام برد: تقویت عوامل وحدت بخش و عدم تمایل به اختلاف بین نیروهای مبارز - بیداری و هوشیاری در جنگ - صلح و سازش مسلمین - خودداری از آغاز جنگ - اتمام حجت قبل از شروع جنگ - آموزش نظامی - اصل عبادت و قداست جهاد - تربیت و تدارک نیروی مبارز - اصل شایسته سالاری - اصل انتظار و امید به آینده - تبعیت از مقررات دینی - اصل ارتباط امور نظامی با سایر امور.
- ۲- از مبانی اندیشه نظامی - دفاعی در جامعه اسلامی می‌توان این موارد را برشمرد: مناجات و دعا در جنگ - حفاظت از رهبری نظامی - صبر و استقامت - دقت در متن معاهدات صلح - تبلیغات و عملیات روانی - مبانی صلح و سازش مسلمین - نیاز جامعه به ارتش.
- ۳- انواع دفاع نظامی برگرفته از حضرت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: «دفاع نظامی پاسخ‌دهنده» که در آن برای احقاق حق خود و دیگران مبارزه انجام می‌شود. «دفاع نظامی پیشگیرانه» که قبل از شیخون و غارت دشمن باید آن را سرکوب کرد.
- ۴- نظامیان پناهگاه استوار مردم هستند و باید به نظامیان اهمیت داد و به امور آن‌ها رسیدگی کرد.
- ۵- باید در حفظ توان رزمی و تداوم آموزش نظامی حتی در زمان صلح کوشید.
- ۶- آشنایی با فنون نظامی و تاکتیک‌های جنگی برای همه نظامیان و فرماندهان ضروری است.
- ۷- رعایت اصول اخلاقی در جنگ ضروری است.
- ۸- در جنگ باید استقامت کرد و از مواضع اصولی خود عقب‌نشینی نکرد.
- ۹- هدف اصلی جنگ باید برپایی دین حق و اصلاح سرزمین‌های اسلامی باشد.
- ۱۰- توکل به خدا از دیگر مبانی نظامی جنگ است.
- ۱۱- جهاد با دست و زبان و قلب ممکن است.
- ۱۲- از ویژگی‌های فرماندهان جنگی می‌توان این موارد را برشمرد: آمادگی نظامی - خیرخواهی - پاکدامنی - شکیبایی - دیرخشمی - عذر پذیری - رحمت با ناتوانان - برخورد با

قدرتمندان - عدم فساد به خاطر قدرت - با شخصیت - دارای سوابق خوب - شجاع - ایثارگر.
۱۳- باید برای دفع حملات دشمن باهم متحد بود و اختلافات را کنار گذاشت.
۱۴- فرمانده لشکر باید تاکتیک‌های جنگی را به زیردستان خود آموزش دهد.
۱۵- در صورتی که ارزش‌های ذاتی و الهی و اعتقادی لکه‌دار نشود در هنگام نزاع دشمن می‌توان تقیه کرد.

۱۶- در فنون نظامی باید به اصل انسان‌مداری و هدایت انسان‌ها توجه کرد.
بنابراین می‌بینیم که حضرت(ع) در عرصه نظامی ضرورت آن را عامل بقا و تداوم ارزش‌های اخلاقی و معنوی جامعه توحیدی، و دفاع از جسم و جان و فکر و عقیده انسان الهی می‌داند، و در پاسخ به سؤال باید عنوان کرد یکی از الگوهای مناسب در زندگی امیرالمؤمنین(ع) دفاع در عرصه نظامی است. به عبارتی شجاعت و ایثار و هوشیاری و نظم و اقتدار و استمداد از خداوند تبارک و تعالی در راستای امنیت و آسایش جامعه می‌تواند الگویی واقعی برای تمامی رهپویان حق و حقیقت و آزادمردان تاریخ بشریت گردد و دفاع از ضروریات بشر در طول تاریخ در تمامی ابعاد وجودی انسان بوده و در اسلام مقوله‌ای است به صورت تدافعی و به منظور تأمین امنیت و مصونیت جامعه اسلامی در مقابل متجاوزان. بنابراین دفاع دور کردن خطرات و مقابله با آنچه مغایر حیات انسان است می‌باشد و ریشه در فطرت انسان‌ها دارد. با توجه به این که حضرت علی(ع) نمونه یک رهبر شجاع، عادل، فرزانه و آگاه به امور مملکت‌داری است، سعی شده تا الگوی دفاعی ایشان از کتاب ارزشمند نهج‌البلاغه، استخراج و تحلیل گردد تا با این تحقیق بتوانیم به الگوی عملی آن حضرت در این باره دست یابیم. در نوع نگاه حضرت در باب دفاع در نهج‌البلاغه می‌توان سه محور اصلی را شناسایی کرد که آنها عبارتند از: ۱- قانونگذاری برای مسائل دفاعی ۲- اجرای مسائل دفاعی ۳- بازرسی و نظارت در مسائل دفاعی.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲. اشراق، محمد کریم، (۱۳۶۰)، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۳. بابایی، محمدباقر، (۱۳۸۴)، مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع) تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ) دانشگاه امام حسین (ع).
۴. تاج آبادی، حسین، (۱۳۹۲)، فصلنامه قرآن و عترت، سال چهارم، شماره ۱۲، تهران: معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۵. جمالی، حسین، (۱۳۸۱) چاپ دوم، مبانی علم سیاست، تهران: نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج.
۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، مبانی اندیشه نظامی در ایران، تهران: نشر دانشگاه امام حسین (ع).
۷. جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۹)، مبانی اندیشه نظامی در اسلام، تهران: نشر دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۸. حاجی صادقی، عبدالله (۱۳۸۵)، فلسفه و نظام سیاسی اسلام، قم: مرکز هدایت.
۹. (امام) خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۷۹)، ج ۲ و ۱۴ و ۲۱، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار، وزارت ارشاد.
۱۰. (امام) خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۶۲)، ج ۱، تحریر الوسیله، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۱. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم: نشر مشرقین، دفتر انتشارات اسلامی، و ترجمه روان، انتشارات آثار فرهنگ برتر.
۱۲. دشتی، محمد (۱۳۹۳)، ترجمه نهج البلاغه، قم: نشر مشرقین، دفتر انتشارات اسلامی، و ترجمه روان، انتشارات آثار فرهنگ برتر.
۱۳. رستمی، حیدر (۱۳۸۶)، دفاع راهبردی، تهران: نشر عترت.
۱۴. روشن، حسین و فرهادیان، جواد (۱۳۸۵)، دفاع مشروع، تهران: دانشگاه حقوق.
۱۵. زنگنه اینانلو، محمدجواد و علیپور، قاسم محمد (۱۳۸۵)، ترجمه: مدیریت بحران‌ها، تهدیدها و تنگناها، فرصت‌ها، جمعی از نویسندگان، تهران: مرکز برنامه‌ریزی و تالیف کتب درسی ستاد مشترک سپاه.

۱۶. سنجابی، علی رضا (۱۳۷۵)، استراتژی و قدرت نظامی، تهران: نشر پیام.
۱۷. صبحی، صالح (۱۴۰۷ ق)، چاپ اول، ترجمه نهج البلاغه سید رضی، قم: دارالهجره.
۱۸. عاملی، حشمت‌الله (۱۳۵۱)، ج ۱، مبانی علم سیاست، تهران: چاپ عترت.
۱۹. عسگری، محمود (۱۳۹۱)، گزیده مقالات اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای، تهران: نشر وزارت دفاع.
۲۰. عطار، داود (۱۳۵۷)، دفاع مشروع در حقوق جزایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری، مشهد: آستان قدس.
۲۱. علی بابایی، غلام رضا و آقایی، بهمن (۱۳۶۵)، ج ۱ و ۳ فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر ویس.
۲۲. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ لغت، تهران: انتشارات اشجع، چاپ عترت.
۲۳. فارسی، جلال‌الدین (۱۳۴۶)، انقلاب تکاملی اسلام، تهران: موسسه انتشارات آسیا.
۲۴. قائدان اصغر (۱۳۸۶)، فصلنامه امنیت پایدار، سال اول، شماره یک، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع) مرکز مطالعات و تحقیقات توسعه امنیت پایدار.
۲۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر سمت.
۲۶. لئواشتراس (۱۳۷۳)، فلسفه سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳)، ج ۲، چاپ دوم، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، ج ۱۰، چاپ چهارم، پیام قرآن، (تفسیر موضوعی) تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. نوروزی، محمدتقی (۱۳۷۸)، فرهنگ استراتژی، تهران: سنا.
۳۰. نویری، احمدبن الوهاب (۱۳۶۴)، ج ۵، نهایت‌الاب فی فنون الادب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۱. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب بن جعفر (۱۳۶۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه آیتی، تهران: نشر علمی فرهنگی.

تحلیل کارکردی مرز دریایی در امنیت خلیج فارس

ابراهیم ضرغامی^۱

محمد شیخ‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

امروزه با توجه به منافع، فرصت‌ها و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس و تنگه هرمز، ضرورت توجه به مرزها و قلمروهای دریایی کشور بیش از پیش احساس می‌شود. هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل کارکردهای مرز دریایی در حفظ و تثبیت امنیت خلیج فارس است تا از این طریق به کارکردها، فرصت‌ها و چالش‌های مرز دریایی در این منطقه دست یافت. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که عمده روش گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است. فرضیه پژوهش بر این مبنا است که کارکردهای سیاسی، اقتصادی و دفاعی مرزهای دریایی در تثبیت امنیت خلیج فارس، نقشی تعیین‌کننده دارند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، تعامل و همکاری، کشمکش، حاکمیت بر قلمروهای دریایی، حاکمیت بر منابع بستر و زیر بستر دریا، افزایش وسعت سرزمینی و عمق راهبردی کشور از جمله کارکردهای مرزهای دریایی در تثبیت امنیت خلیج فارس محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مرز دریایی، حقوق دریاها، امنیت، خلیج فارس.

۱. دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی؛

۲. کارشناس ارشد مطالعات استراتژیک.

مقدمه

مرز مفهومی است که به صورت تعیین خطوط جداکننده قلمرو دو کشور است و خطوط مرزی، خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید یک واحد سیاسی، بر روی زمین مشخص می‌شوند. این خطوط، ضمن تعیین حدود قلمرو حکومت، تعیین‌کننده اختیارات دولت آن حکومت نیز هستند. بنابراین مرزها از مباحث اصلی و مهم جغرافیای سیاسی به شمار می‌روند (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۶۱). هرچند که مرز به تنهایی دارای یک نقش و کارکرد است و آن تحدید حدود منطقه‌ای است که در داخل آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود؛ ولی به محض آن که یک منطقه مرزی و یا خط مرزی به وجود آمد، می‌تواند نه تنها منظره طبیعی را که جزئی از آن به شمار می‌رود، بلکه عمران و سیاست‌های کشورهای مجاور را نیز تحت تأثیر قرار دهد (پرسکات، ۱۳۸۹: ۶۱). امروزه مسائل امنیتی اساس توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر کشوری را رقم می‌زند. در این بین مرزهای سیاسی هر کشور در راستای حفظ تمامیت ارضی آن نقش کلیدی را بازی می‌کند. امنیت داخلی هر کشور و استقرار بنیادهای سازندگی در داخل، به میزان زیادی به امنیت از جانب مرزها بستگی دارد.

مطالعه درباره نقش مرزها به عنوان یک پدیده جغرافیای سیاسی و تأثیر آن بر فضای جغرافیایی پس کرانه آن با توجه به مفهوم جدید جغرافیای سیاسی کار تازه‌ای است که می‌تواند به تقویت ادبیات این موضوع در جغرافیای سیاسی کمک کند، وانگهی مطالعه نقش و کارکرد مرز دریایی می‌تواند علاوه بر تقویت ادبیات مرز دریایی در جغرافیای سیاسی، به بازنگری سیاست‌ها در مناطق دریایی کمک شایانی نماید. قلمروهای دریایی هر کشور ادامه قلمروهای آن در خشکی است، اما حاکمیت بر آن‌ها با اصول و مبانی متفاوتی اعمال می‌شود. اعمال حاکمیت کشورها را در قلمروهای دریایی، عمدتاً، کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها، مصوبه ۱۹۸۲، سازماندهی می‌نماید که بیشتر کشورهای ساحلی دنیا با امضای آن به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. تعیین حدود قلمروهای دریایی با امنیت و اقتدار ملی کشورهای ساحلی مرتبط است و حضور هر کشور ساحلی در قلمروهای دریایی‌اش با منافع ملی آن ارتباط مستقیم دارد. بنابراین تلاش کشورها برای تعیین

مرز و قلمروهای دریائی از دیدگاه جغرافیای سیاسی و حقوق بین‌الملل امری مشروع است (میرحیدر و عسگری، ۱۳۸۳: ۲۵).

در این مقاله ضمن بررسی مرز دریایی ایران در خلیج فارس به کارکردها و نقش‌های این خطوط مرزی در تثبیت امنیت این منطقه پرداخته می‌شود. بنابراین ضمن بررسی نقش آفرینی مرزهای دریایی در تثبیت امنیت خلیج فارس به اهمیت راهبردی خلیج فارس و کارکردها، فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، حقوقی و زیست محیطی مناطق دریایی در خلیج فارس اشاره خواهد شد.

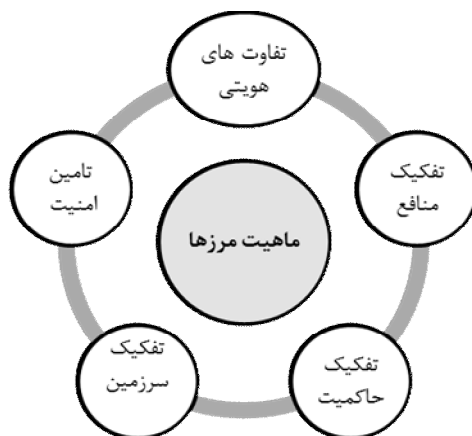
چارچوب مفهومی

- مفهوم مرز دریایی و امنیت مرزی

مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک دولت ملی را مشخص می‌کنند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور است (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۶۹). در واقع مرز یک خط نیست، بلکه یک سطح عمودی است که از طریق فضا، خاک و زیرزمین، دولت‌های همسایه را برش می‌دهد. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد (Glassner, 2004:75). مرزهای آبی دو گونه‌اند: یا رودخانه‌ای و یا دریایی. مرز در دریا نیز دو گونه است: مرزهای سطح آب که بر اساس معیارهای بین‌المللی از ۳ تا ۱۲ مایل و یا بیشتر از خط ساحلی تعیین می‌شود و به آب‌های ساحلی موسوم است، گونه دوم مرزهای دریایی، مرزهای کف دریا هستند که با گستره فلات قاره هر کشور تعیین می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۰: ۶۹-۷۰).

مفهوم ایجاد امنیت در مرز، جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قائنده در طول مرزهای یک کشور و کانالیزه نمودن تردد اشخاص و حمل‌ونقل با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۵۲). دیدگاه سنتی امنیت مرزی را در صیانت از مرز در مقابل تجاوز بیگانه تعریف می‌نمایند در حالی که فراستنی‌ها معتقدند تهدیدات مرزی صرفاً جنبه نظامی ندارد و می‌توان برای آن طیف متنوعی از تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی،

فناوری و غیره قائل شد (Fisher, 1993: 5). بنابراین مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش مرز، ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و افکار است که تحت عنوان، امنیت مرز هم خوانده می‌شود. امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل کالا با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (زرقتانی، ۱۳۸۶: ۱۸). وقتی از امنیت مرزها صحبت می‌شود، به معنای وجود ثبات در مرزها و نفوذناپذیری مرزها از حیث ورود کالای قاچاق، آسایش و ایمنی مرزنشینان، فقدان تهدید در مرزها و .. است.



شکل شماره یک: ماهیت کارکردی مرزها

- کارکرد مرزها

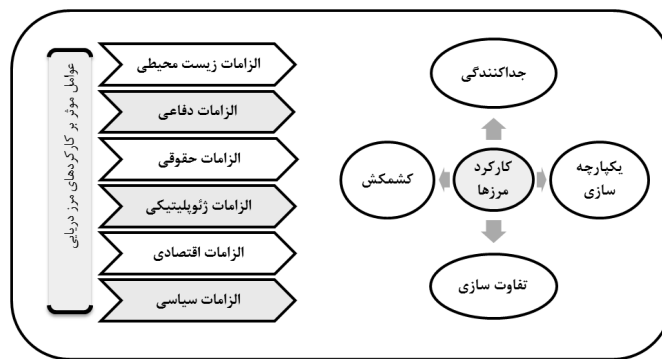
همیشه مرزها از جمله عوامل اصلی در جغرافیای سیاسی بوده‌اند. کارکرد مرزها به گونه‌ای سنتی ایجاد مانع در مقابل حرکت بوده تا ایجاد پلی برای تماس. مرزها به طور کلی و بنا به رویه، به مثابه سازوکاری نهادینه شده‌اند تا در مقابل آنچه در داخل است، حمایت کنند و هر آنچه از خارج آید، مانع شوند (Newman, 2005: 143). اما مرز پدیده‌ای دائمی است که در مقابل جابجایی انسان، اندیشه و کالا می‌تواند هم نقش بازدارندگی و هم نقش همکاری را بین دو دولت داشته باشد (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۸۰).

صاحب‌نظران و کارشناسان، نقش‌ها و کارکردهای متفاوتی را برای مرزها بر شمرده‌اند که از

تحلیل کارکردی مرز دریایی در امنیت خلیج فارس

جمله می‌توان به مواردی مانند جداکنندگی، یکپارچه‌سازی، کشمکش و ارتباط، تحدید حدود منطقه اعمال حاکمیت و قدرت حکومت، شکل‌دهی به مناسبات اقتصادی و سیاسی بین حکومت‌ها، مانع دفاعی و اقتصادی و... اشاره کرد. به نظر می‌رسد بر اساس یک رویکرد نوین و یک نگرش کلی می‌توان مهم‌ترین کارکردهای مرز را به دو دسته کارکردهای دفاعی-امنیتی و کارکرد ارتباطی-تجاری تقسیم کرد. از سوی دیگر، عوامل ژئوپولیتیکی مختلفی بر نقش و کارکرد مرزها مؤثر است، که از جمله می‌توان به مواردی چون: نظام‌های سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مرزنشینان، موقعیت نسبی کشور و نوع فضای راهبردی مسلط بر منطقه، نوع نگرش و رفتار حکومت‌ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع طبیعی موجود در منطقه مرزی، پیمان‌های سیاسی-نظامی کشورهای هم‌مرز با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و... اشاره کرد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

به طور کلی عوامل مؤثر بر کارکردهای مرز دریایی در تنگه‌ها با توجه به قوانین بین‌المللی مرتبط با آن، متفاوت‌تر و متنوع‌تر از مرزهای خشکی و طبیعتاً، کارکردها، فرصت‌ها و چالش‌های آن هم گسترده می‌باشد که در ادامه بیان می‌گردد. (شکل شماره ۲)



شکل شماره ۲: کارکردهای مرز و عوامل مؤثر بر کارکردهای مرز دریایی

- مرز دریایی ج.ا.ایران در خلیج فارس

قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳م) در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. در این قانون مصوبه سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳م) هیأت وزیران در خصوص خط

مبدأ آب‌های سرزمینی بدون هیچ‌گونه تغییری مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است (افشردی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

در منطقه خلیج فارس، مناطق آب‌های داخلی، خط مبدأ، دریای سرزمینی یا ساحلی، منطقه انحصاری-اقتصادی، بر مبنای قانون کشور به شرح ذیل وجود دارد:

- خط مبدأ: محاسبه خط مبدأ دریای سرزمینی در خلیج فارس و دریای عمان همان است که در تصویب نامه هیأت وزیران به شماره ۶۷-۲ / ۲۵۰ مورخ ۱۳۵۲/۴/۳۱ تعیین شده است. در سایر مناطق جزایر، ملاک حد پست‌ترین جزر آب در امتداد ساحل خواهد بود.

- دریای سرزمینی: عرض دریای سرزمینی کشور ایران از هنگام تصویب قانون ۸ ماده‌ای سال ۱۳۳۸ در مجلس شورای ملی سابق، عرض ۱۲ مایل را برای دریای سرزمینی انتخاب و آن را به همگان اعلام کرده است (کاظمی، ۱۳۶۸: ۶۲). در متن ماده ۳ کنوانسیون نیز عرض ۱۲ مایل برای دریای سرزمینی تمام کشورهای ساحلی پذیرفته شده است. تحدید حدود در مواردی که دریای سرزمینی ایران با دریای سرزمینی دول مجاور یا مقابل تداخل پیدا کند، مادامی که ترتیب دیگری بین طرفین توافق نشده باشد، حد فاصل بین دریای سرزمینی ایران و آن کشور خط منصفی است که کلیه نقاط آن از نزدیک‌ترین نقاط خطوط مبدأ طرفین به یک فاصله باشد.

- منطقه نظارت: منطقه نظارت منطقه‌ای است در مجاورت دریای سرزمینی که حد خارجی آن از خط مبدأ ۲۴ مایل دریایی است.

- منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره: حقوق حاکمه و صلاحیت در فلات قاره و حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به فلات قاره که دنباله طبیعی قلمرو خشکی و شامل بستر و زیر بستر مناطق دریای مجاور و ماورای دریای سرزمینی ایران است. تحدید حدود، حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره جمهوری اسلامی ایران مادامی که به موجب موافقتنامه‌های دوجانبه تعیین نشده باشد، منطبق بر خطی خواهد بود که همه نقاط آن از نزدیک‌ترین نقاط خطوط مبدأ طرفین به یک فاصله باشد.

- وضعیت مرزهای تعیین‌نشده ایران در خلیج فارس

مرز دریایی ایران با کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی افزاز نشده است. طی دهه‌های

گذشته مذاکراتی جهت افراز مرز فلات قاره ای ایران و این کشورها به ویژه عراق و کویت صورت گرفت، ولی به نتیجه رضایت بخشی منجر نشد. مهم ترین الزاماتی که در خصوص افراز فلات قاره و تعیین قلمروهای دریایی میان کشور ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی وجود دارد، به قرار زیر است:

الف- ضرورت‌های اقتصادی:

مهم ترین ضرورت اقتصادی در الزام به تحدید حدود قلمروهای دریایی و افراز فلات قاره در خلیج فارس، وجود حامل‌های انرژی (نفت و گاز) است. بستر خلیج فارس دارای بزرگ‌ترین میادین نفت و گاز است. از جمله آنها می‌توان به میدان گاز پارس جنوبی به مساحت ۹۷۰۰ کیلومتر مربع اشاره کرد.

ب- ضرورت‌های سیاسی، امنیتی و بین‌المللی:

به عنوان مهم ترین الزام سیاسی - امنیتی، حل کشمکش‌های سرزمینی و جغرافیایی در منطقه خلیج فارس عامل بسیار مهم در مناسبات منطقه ای است. معمولاً از منازعات جغرافیایی - ژئوپولیتیکی منطقه به دو گونه منازعات ایرانی - عربی و کشمکش‌های درون عربی یاد می‌شود که بستر مساعد جهت گرفتار شدن کشورهای منطقه در دام اختلافات ارضی و مرزی است. از طرفی وجود این اختلافات زمینه مداخلات دیگران را فراهم می‌آورد. امنیت محیط زیست را نیز باید به مقوله پیشین افزود که یک الزام امنیتی - بین‌المللی پراهمیت می‌باشد. تعیین قلمروهای ملی در دریا و پذیرش مسئولیت براساس معاهدات جهانی و کنوانسیون ۱۹۸۲ جهت حفظ محیط زیست دریا، عامل مهم در سلامت زندگی طبیعت بی جان و جاندار خلیج فارس است (میرحیدر و عسگری، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

یافته‌های تحقیق

-نقش آفرینی خلیج فارس در روند تهدیدات متصور

به طور کلی تهدیدهای مرزی با توجه به موقعیت کشورها و شرایط پیرامونی و داخلی متفاوت است و می‌توان شامل موارد زیر باشد: ۱- تهدیدهای امنیتی ۲- تهدیدهای سیاسی ۳- تهدیدهای اقتصادی ۴- تهدیدهای فرهنگی ۵- تهدیدهای قاچاق (اخباری، ۱۳۸۸: ۴۲).

خلیج فارس به لحاظ موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر خطوط دریایی اقیانوس هند، دریای عمان، دریای سرخ و دریای مدیترانه و اتصال آب‌های آن به سواحل ایران، عراق و شبه جزیره عربستان، از قدیم الایام نقش به‌سزایی در همکاری، رقابت و کشمکش اقتصادی میان شرق و غرب سهم داشته است. امروزه بخش بزرگی از تولیدات قابل صدور ذخایر انرژی در منطق هلال راهبردی خلیج فارس - دریای خزر قرار دارد و اهمیت این مناطق ژئواکونومیک به دلیل سیر نزولی ذخایر نفت و گاز سایر مناطق جهان رو به افزایش است. این منطقه از نظر ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی، بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست که به خاطر منابع انرژی، فضای ژئوپولیتیکی جایگاه مهمی را برای ایفای نقش بازیگران در قالب همکاری، رقابت، کشمکش و منازعه فراهم می‌سازد. بدین سان، حضور مداوم قدرت‌ها و بازیگران جهانی موجب گردیده تا خلیج فارس در کانون اهمیت جهانی قرار بگیرد.

در عین حال تنگه راهبردی هرمز به عنوان آبراه ورودی و خروجی به خلیج فارس، همواره ارزش جهانی داشته و مورد نظر قدرت‌های برتر جهان بوده است. مجموعه نقش‌های ژئواستراتژیک تنگه هرمز باعث افزایش ارزش و اهمیت ژئوپولیتیکی آن شده و آن را کانون رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای قرار داده است، به نحوی که هر قدرتی که کنترل تنگه، جزایر پیرامونی‌اش و حاکمیت بر آنها را در اختیار داشته باشد، قادر است موازنه قدرت جهانی و منطقه‌ای را به نفع خود تغییر دهد و می‌تواند اراده سیاسی خود را در صحنه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اعمال نماید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۴۶۸). امنیت تنگه هرمز به واسطه نقش‌های مهم و ارزشمندی که در جهان ایفا می‌کند، یعنی صادرات و واردات ایمن و مطمئن نفت و کالا برای کشورهای منطقه به معنی تأمین اقتصادی و رفع نیاز ملت‌های منطقه می‌باشد که خود این امر به امنیت این کشورها منجر می‌شود؛ زیرا مشکلات اقتصادی خواه ناخواه ابعادی از نارضایتی و در پی آن ناآرامی در کشورها و سپس دخالت بیگانگان و سوءاستفاده آنان از این وضعیت را در پی خواهد داشت. بنابراین امنیت جهانی به امنیت تنگه هرمز گره خورده است. در واقع رویدادهای مربوط به تنگه و مسائل و مشکلات آن بازتاب جهانی دارد و این نقش از گذشته‌های تاریخی همچنان به چشم می‌خورد و در آینده نیز

تداوم خواهد داشت. این امر به ویژه وقتی که امنیت تنگه به خطر می‌افتد، بیشتر مشهود بوده و تأثیرات شدیدش در اقتصاد جهانی از عکس‌العمل جامعه جهانی در قبال آن مسأله یا مشکل کاملاً قابل مشاهده است (حاجی سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۵).

تداوم این نقش کلیدی خلیج فارس و تنگه هرمز، باعث تداوم رقابت قدرت‌های جهانی برای کنترل و تسلط بر آن خواهد شد و این امر در سرنوشت سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای ساحلی خلیج فارس و تنگه هرمز به خصوص ایران اثر خواهد داشت. در نتیجه ایران باید نسبت به رقابت ابرقدرت‌ها حساس باشد؛ زیرا این رقابت باعث به خطر افتادن امنیت جمهوری اسلامی ایران و تهدید علیه تمامیت ارضی کشور به علت در اختیار داشتن تنگه هرمز و مرز طولانی با خلیج فارس می‌شود. پس ایران برای تأمین و حفظ امنیت خود باید ضمن حفظ و توسعه توان نظامی و دفاعی و تسلط خود بر تنگه هرمز و خلیج فارس، در اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت برخورد با این مسائل و مشکلات کوشا باشد (حاجی سلطانی، ۱۳۹۰: ۱۵).

سواحل و مناطق دریایی مشرف بر تنگه هرمز و خلیج فارس این امکان ژئوپولیتیکی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد تا ضمن بهره‌گیری مناسب از این ظرفیت سرزمینی و جغرافیایی در پیشبرد اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی خود از آسیب‌پذیری‌هایی که ممکن است در صورت بروز تنش و بحران در این منطقه حساس رخ دهد، جلوگیری کند و یا حداقل بکاهد.

- کارکردهای مرز دریایی در امنیت خلیج فارس

شواهد زیادی وجود دارد که با گذشت زمان، مرزهای سیاسی خشکی پایه، بخش عظیمی از کارکردشان را دست داده و تعاملات و همکاری‌های میان مرزی به طور روزافزون از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند. در این میان مرز دریایی دارای شرایط خاصی و متفاوت از مرزهای خشکی بوده است. این مرزها، به عنوان منطقه تماس، به فضایی کارکردی برای تبادلات و تعاملات اقتصادی، سیاسی و دفاعی تبدیل شده و آثار مثبت و منفی خود را خود را در مناطق و مجاور بر جای می‌گذارد. از جمله مناطقی که در وضعیت فعلی به نقطه تمرکز انواع چالش‌های منطقه‌ای و جهانی، تبدیل شده، خلیج فارس و محیط پیرامونی آن است. از این رو کارکردهای متنوع و

متفاوت مرز دریایی در خلیج فارس می‌تواند زمینه‌ساز، هرگونه همگرایی و یا برعکس جداسازی و بروز انواع تنش‌ها گردد. بر این اساس، کارکردهای مرز دریایی را بر اساس شاخص‌های اقتصادی، سیاسی و دفاعی امنیتی موجود مرزهای مشخص شده برای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس بیان می‌شود:

الف: کارکرد اقتصادی: پیوند سرنوشت اقتصادی کشورهای حاشیه خلیج فارس و جهان با انرژی خلیج فارس؛ استفاده از منابع واقع در بستر خلیج فارس و نفت و گاز مناطق فلات قاره؛ کمک به توسعه اقتصاد کشور و منطقه؛ حرکت به سمت ایجاد قطب‌های اقتصادی و افزایش روندهای همکاری‌های اقتصادی؛ افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی با کشورهای منطقه به ویژه کشورهای همسایه؛ تعیین حدود منابع مشترک نفتی در خلیج فارس، اکتشاف، تولید و استخراج، صادرات و قیمت‌گذاری (نفت و گاز)؛ حمل‌ونقل و ترانزیت؛ ایجاد مناطق آزاد و سرمایه‌گذاری مشترک؛ توسعه تبادلات گردشگری و اجرای تورهای تلفیقی و مشترک؛ احداث تأسیسات گردشگری با سرمایه‌گذاری مشترک (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶).

ب: کارکرد سیاسی: بهره‌گیری از نیاز مشترک امنیتی برای شکل‌گیری همگرایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی؛ تعامل و همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی؛ اعتمادسازی مستحکم بین بازیگران منطقه‌ای و خارجی مرتبط با خلیج فارس؛ تلاش برای غیر امنیتی کردن مسائل مختلف در خلیج فارس؛ پرهیز از افراط‌گرایی و حفظ جهت‌گیری معتدل در محیط بین‌الملل.

ج: کارکرد دفاعی - امنیتی: افزایش وسعت سرزمینی و عمق راهبردی؛ ایجاد پایگاه‌های مشترک دفاعی؛ تشکیل نیروهای دفاعی و امنیتی مشترک؛ انعقاد پیمان‌های نظامی و امنیتی دو یا چندجانبه؛ انجام مانورهای مشترک نظامی؛ تشکیل نیروهای پایدار صلح منطقه‌ای؛ تجلی اقتدار نظامی ایران در تأمین امنیت خلیج فارس؛ حل تنش‌ها و اختلافات ارضی و مرزی ایران و سایر کشورهای منطقه؛ افزایش سطح امنیتی دریا در مناطق مرزی و ساحلی؛ جلوگیری از پدیده‌های قاچاق کالا و انسان در دریا؛ پایان دادن به مداخله و حضور نظامی بیگانگان در منطقه.

د: کارکرد زیست محیطی: بهره‌برداری مناسب از منابع موجود در خلیج فارس؛ حفاظت از

آزبان و شیلات؛ کاهش آلاینده‌ها زیست محیطی؛ کنترل و نظارت بر فعالیت شرکت‌های مختلف داخلی و خارجی؛ جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز.

- مرزهای دریایی خلیج فارس و فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران

موقعیت حساس و راهبردی ایران در منطقه خلیج فارس و وجود بحران‌ها و عدم ثبات سیاسی در کشورهای مجاور و وجود چالش‌های سیاسی با همسایگان راهبردی باعث به وجود آمدن تهدیدهایی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌شود. راهبرد نیروهای فرماندهی و تاحدودی برخی کشورهای منطقه، در منطقه خلیج فارس در قبال ایران مبتنی بر محدود ساختن و منزوی کردن و به طور کلی حذف ایران از معادلات منطقه است و برای رسیدن به این مهم و نیز تسلط بر منابع اقتصادی و موقعیت راهبردی منطقه از تمامی ابزار دیپلماسی و حتی نظامی در مقیاس گسترده استفاده می‌کند. بر این اساس ایران با داشتن مرزهای طولانی دریایی در خلیج فارس می‌تواند از این قابلیت حقوقی و جغرافیایی خود در جهت پیشبرد منافع ملی، گام‌های مفید و سازنده‌ای بردارد. با این نگاه، به بیان فرصت‌ها و قابلیت‌های که مرزهای دریایی می‌تواند در زمینه‌های مختلف ایفا نماید، پرداخته شده است.

الف: فرصت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی: موقعیت خاص جغرافیایی ایران در خلیج فارس؛ تسلط ایران بر مناطق دریایی در خلیج فارس؛ قرار گرفتن بخش اعظمی از تنگه هرمز و خلیج فارس در محدوده مناطق دریای ایران؛ فاصله کم تنگه هرمز (۳۸ کیلومتر بین جزیرلارک و جزیره سلامه عمان)؛ جزایر ایرانی واقع در خلیج فارس و تنگه هرمز (جزایر مبنای مرزهای دریایی ایران است)؛ استفاده از گذرگاه تنگه هرمز در پیشبرد اهداف راهبردی و چانه‌زنی‌های دیپلماتیک.

ب: فرصت‌های حقوقی و قانونی: قرارگیری مبنای خط مبدأ مرز دریایی در خلیج فارس و تنگه هرمز از پایین‌ترین حد جزر جزایر؛ حاکمیت ایران در قلمرو آب‌های سرزمینی و آب‌های انحصاری اقتصادی (محدوده ایران)؛ حاکمیت مطلق و انحصاری ایران بر فضای هوایی بالای آب‌های داخلی و دریای سرزمینی (محدوده ایران).

ج: فرصت‌های اقتصادی: حفاظت از منابع طبیعی خلیج فارس و جلوگیری از بروز حوادث زیست محیطی؛ مناسب‌ترین مسیر انتقال انرژی خلیج فارس؛ پیوند سرنوشت اقتصادی کشورهای

حاشیه خلیج فارس و جهان با انرژی خلیج فارس؛ وابستگی چرخ صنعت غرب به امنیت ترانزیت نفتی در این منطقه؛ عبور حدود یک‌پنجم نفت مصرفی جهان از تنگه هرمز (۱۷ میلیون بشکه نفت روزانه)؛ تردد روزانه بیش از ۵۵ فروند نفت کش از تنگه هرمز؛ ایجاد تسهیلات ترددی، حمل‌ونقل و دسترسی آسان به یکدیگر؛ تضمین نفت و گاز مورد نیاز دنیای غرب و ایالات متحده.

د: فرصت‌های نظامی و دفاعی: برتری نظامی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز؛ وجود انبوه جزایر راهبردی ایرانی (همواره به عنوان پایگاه‌هایی جهت کنترل ایران بر این آبراه دارای ارزش فوق العاده هستند)؛ پذیرفتن مأموریت حفاظت از منافع مشترک کشورها در خلیج فارس و تنگه هرمز؛ عمق راهبردی کشور در خلیج فارس؛ نزدیکی به ساحل کرانه‌های دریایی کشورهای منطقه؛ وجود گذرگاه‌های اصلی دریایی در دریای سرزمینی کشور (افشردی، ۱۳۸۶: ۴۵).

- مرزهای دریایی و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران در تثبیت امنیت خلیج فارس
خلیج فارس از رنسانس به این سو، از آبراهی با موقعیت ارتباطی و جایگاهی منطقه‌ای به موقعیتی راهبردی، اقتصادی، سیاسی، ژئوپلیتیک و ژئوانرژی در مناسبات و تعامل‌های بین‌المللی بدل شد. به نظر می‌رسد منطقه خلیج فارس، این نقش منحصر به فرد و بی‌بدیل را تا نیمه نخست قرن بیست و یکم دارد. از ابتدای قرن بیستم تا پایان دهه هفتاد که مصادف با تولد کشورهای کوچک حوزه جنوبی خلیج فارس است، به کمک انگلیس، تلاش‌هایی برای همگرایی میان این کشورها صورت گرفت، اما هیچ‌یک از این همکاری‌ها به همگرایی کاملی منجر نشد و اختلاف‌ها و چالش‌های بعدی را نیز به وجود آورد. حضور آمریکا و بازگشت انگلیس و فرانسه به منطقه، رقابت تسلیحاتی، دیدگاه‌های امنیتی متفاوت و بعضاً متضاد، نبود اعتماد جمعی، وجود اختلاف‌های ارضی و مرزی، نبود دیدگاه‌ها و هنجارهای مشترک و وجود اختلاف‌های قومی و فرهنگی در منطقه، زمینه‌ساز واگرایی و از سازه‌های مهم ناهمانندی و ناهمگرایی منطقه خلیج فارس است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۵۵). بر این اساس همواره تثبیت امنیت خلیج فارس متأثر از عوامل گوناگون و متنوع بوده است که برقرار صلح و آرامش در این منطقه کلیدی جهان را ناممکن کرده است. در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های خلیج فارس از منظر مرزهای دریایی، اشاره می‌شود:

الف: چالش‌های جغرافیایی: نبود مرز دریایی دقیق بین ایران و امارات متحده عربی (شیخ نشین

دبی)؛ اختلافات ارضی و مرزی میان ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه؛ تردد اکثر شناورها در داخل طرح تفکیک که در حال حاضر در قلمرو سرزمینی کشور عمان قرار دارد (به دلیل عمق مناسب)؛ جایگزینی مسیر فعلی انرژی در تنگه هرمز.

ب: چالش‌های حقوقی: متهم کردن ایران به نقض قوانین دریاها (کنوانسیون ۱۹۸۲)؛ ترانزیتی بودن عبور از تنگه هرمز (عبور پیوسته و مداوم)؛ اختلافات سیاسی بر سر منافع و دیدگاه‌ها در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس؛ نگرانی و ترس اعضا از اقدامات سایر اعضا؛ مخالفت آمریکا با گسترش فعالیت ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز؛ رقابت‌های مذهبی و ایدئولوژیکی بین ایران و کشورهای منطقه.

ج: چالش‌های نظامی: مسابقه تسلیحاتی و حضور نیروهای بیگانه برای ایجاد امنیت خلیج فارس؛ بالارفتن توان نظامی و تجهیزات لجستیکی و بهبود نیروی نظامی؛ رقابت‌های نظامی و امنیتی در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس؛ حضور بازیگران خارجی برای تأمین امنیت تنگه هرمز و خلیج فارس؛ حضور و آرایش نیروهای نظامی در خلیج فارس (اخباری، ۱۳۸۸: ۹۲).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن بیش از نیمی از مناطق دریایی خلیج فارس بیش از هر کشور در این منطقه به دنبال برقراری ثبات و امنیت این آبراه بین‌المللی است و به طور طبیعی زمانی بیشترین اثرگذاری را خواهد داشت که بدون هرگونه تنش، مبادرت به توسعه امنیت پایدار این منطقه نماید. در این راستا بهره‌گیری از خصیصه‌های مرزهای دریایی می‌تواند بسیار کارآمد و تأثیرگذار باشد. نقش آفرینی خلیج فارس و تنگه هرمز در معادلات جهانی به ویژه انرژی، باعث شده مرز دریایی در خلیج فارس و تنگه هرمز، دارای کارکردهای متنوع سیاسی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی و حقوقی باشد و بهره‌گیری از آنها زمینه‌ساز اقتدار ملی، منطقه‌ای و جهانی کشور خواهد شد.

بهره‌گیری از نیاز مشترک امنیتی برای شکل‌گیری همگرایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بهره‌برداری از منابع موجود در بستر و زیر بستر خلیج فارس، تجلی اقتدار نظامی ایران در تأمین

امنیت این منطقه و کاهش آلاینده‌ها زیست محیطی از جمله کارکردهای مهم مرزهای دریایی است که متأثر از عوامل سیاسی، اقتصادی، نظامی، حقوقی و زیست محیطی مناطق دریایی ایران است. در عین حال ج.ا.ایران دارای فرصت‌های متعدد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی از قبیل حاکمیت بر قلمرو آب‌های سرزمینی و آب‌های انحصاری اقتصادی (محدوده ایران)، مسیر اصل انتقال انرژی در جهان و جزایر راهبردی در این منطقه است. عدم تعیین دقیق مرز دریایی ایران با امارات متحده عربی (شیخ‌نشین دبی)، کویت و عراق، ترانزیتی بودن عبور از تنگه هرمز (عبور پیوسته و مداوم)، اختلافات بر سر منافع و دیدگاه‌ها در بین اعضای شورای همکاری خلیج فارس، حضور بازیگران خارجی برای تأمین امنیت در خلیج فارس و تنگه هرمز از جمله موانع و چالش‌های موجود بر سر به نتیجه رسیدن کارکردهای مرزهای دریایی واقع در این منطقه است که می‌توان از طریق تعاملات سیاسی و اقتصادی بر پایه وابستگی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به خلیج فارس، تا حدود زیادی بر این چالش‌ها غالب شد.

کتابنامه

۱. اخباری، محمد و حسن نامی، محمد (۱۳۸۸)، جغرافیای مرز با تاکید بر مرزهای ایران، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲. افشردی، محمدحسین (۱۳۸۶)، بررسی میزان مطابقت و تفاوت‌های قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، تهران، پژوهش‌های جغرافیایی - شماره ۵۹.
۳. پرسکات، جی . آر. وی (۱۳۵۸)، گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. زرقانی، هادی (۱۳۸۶)، عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر نقش و کارکرد مرزها با تاکید بر مرزهای ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره سوم، شماره دوم.
۵. زارعی، بهادر و دیگران (۱۳۹۳)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۶، شماره ۴.
۶. حاجی سلطانی، وحید (۱۳۹۰)، مقاله نقش تنگه هرمز در تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران، سایت www.sid.ir.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، انتشارات پاپلی.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت.
۹. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰)، امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس، ترجمه امیر مسعود اجتهادی، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. میرحیدر، دره (۱۳۸۰)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم.
۱۱. میرحیدر، دره، عسگری سهراب (۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تاکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی، پژوهش‌های جغرافیایی.
۱۲. Braden, Kathleen & Shelly, Fred. M (2000) Engaging Geopolitical. England: Pearson Education Limited.
۱۳. Fisher, Dietrich (1993), nonmilitary aspects of security: a system approach

.UK.C.U.P

- Walt, Stephen M (1994) “ Alliance Formation and The Balance of World Power ,Michael .Brown, eds. In The Perils of Anarchy: Contemporary Realism and International Security, London, MIT Press. ۱۴
- Glassner, Martin(2004) political geography, Pub:Johen Wiley. ۱۵
- Newman David and Passi Anssi (1998) fences & neighbors in the post midran world, Human geography. ۱۶
- Newman David(2005) The lines that continue to separate us, progress in human geographic. ۱۷

شیوه‌های مدیریت و رهبری نظامی شهید صیاد شیرازی در جنگ و تطبیق آن با آموزه‌های اسلامی

دکتر علی جمالی^۱

ابوالفضل پاسبان^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

اهمیت رهبری و مدیریت و تأثیر بسیار آن در سازندگی جوامع انسانی و پیشرفت کشورهای جهان، امروزه بیش از هر زمان دیگری به اثبات رسیده است و این حقیقت به تجربه نیز در آمده است که در میان جوامع انسانی امروز آن جامعه‌ای توانسته است به رشد، توسعه و پیشرفت بیشتر و بهتری دست یابد که از نعمت وجود رهبری لایق تر و مدیرانی داناتر برخوردار باشد. با توجه به اهمیت این موضوع و اهمیت بیشتر آن در شرایط جنگ و نبرد بررسی شیوه‌های مدیریت و فرماندهی از ضروریات است. ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی شهید صیاد شیرازی که به عنوان یکی از بهترین مدیران و فرماندهان دفاع مقدس و وظیفه خطیری را بر عهده داشت و موفقیت‌های فراوانی در این دوران را برای ایران اسلامی کسب نمود، باعث شد این مقاله مدیریت ایشان را در شرایط جنگ و بحران با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار اسنادی و کتابخانه‌ای تحلیل کند. بنابراین این تحقیق پس از انجام مطالعات نظری، نسبت به احصای مسئولیت‌ها و وظایف مدیر و فرمانده، مدیریت و رهبری نظامی در اسلام، ویژگی‌های مدیر و فرمانده در اسلام را بررسی و با شیوه‌های مدیریت و رهبری نظامی شهید صیاد شیرازی مقایسه می‌کند که نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شیوه مدیریت و فرماندهی شهید صیاد شیرازی به عنوان نمونه‌ای از یک فرمانده موفق، مکتبی و ولایت‌مدار تطابق حداکثری با آموزه‌های اسلامی در این راستا دارد. تزریق معنویت با استفاده از نفس روح‌بخش عالمان اسلام و آراسته نمودن اخلاق و رفتار زبردستان به اخلاق و رفتار اسلامی و

۱ عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲ کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی.

استفاده از منبع عظیم و تمام‌نشدنی بسیج و نیروهای جان بر کف سپاه، در کنار ارتش و جدا نداشتن این‌ها از همدیگر و اعتقاد به مردمی بودن جنگ، از این شیوه‌ها بود، که باعث تحرک و پویایی صحنه نبرد شده بود. ایشان در مسئولیت‌هایش مفاهیم خوشخویی، مهربانی، گذشت، مشاوره در تصمیم‌گیری و تلاش در جهت خشنودی، اعتماد و توکل به خدا عمل و تربیت قرآنی را پیشه خود ساخته بود. بنابراین سبک فرماندهی و مدیریت شهید صیاد شیرازی می‌تواند نمونه یک الگوی موفق برای فرماندهی و مدیریت در عرصه نظامی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت و رهبری نظامی، صیاد شیرازی، دفاع مقدس، آموزه‌های اسلامی.

مقدمه

شاید بتوان گفت که هیچ امری در زندگی و پیشبرد اهداف انسان نمی‌تواند نقش رهبری و مدیریت را داشته باشد. اهمیت رهبری و مدیریت و تأثیر بسیار آن در سازندگی جوامع انسانی و پیشرفت کشورهای جهان، امروزه بیش از هر زمان دیگری به اثبات رسیده است و این حقیقت به تجربه نیز در آمده است که در میان جوامع انسانی امروز آن جامعه‌ای توانسته است به رشد، توسعه و پیشرفت بیشتر و بهتری دست یابد که از نعمت وجود رهبری لایق‌تر و مدیرانی داناتر برخوردار باشد.

در این تحقیق ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی شهید صیاد شیرازی که باعث شکوفایی استعداد مدیریت و فرماندهی و توفیقات او در عملیات‌ها گردید، بررسی می‌شود. لازم به ذکر است که فرماندهی ایشان در شرایط خاص و بحرانی جنگ تحمیلی بر صحنه دفاع مقدس صورت گرفته و باعث پیروزی‌های قابل توجهی برای امت اسلام شد. پس به همین دلیل در این مقاله مدیریت ایشان در شرایط جنگ و بحران تحلیل و بررسی می‌شود. در این مقاله خصوصیات یک مدیر موفق و منش فرماندهی او در شرایط بحرانی مورد بررسی قرار گرفته و برخی مصادیق آن در مدیریت و فرماندهی شهید صیاد شیرازی طی جنگ تحمیلی ذکر می‌شود.

این مقاله در چهار بخش: اول) مسئولیت‌ها و وظایف یک مدیر و فرمانده شامل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل، انگیزه؛ دوم) مدیریت و رهبری نظامی در اسلام شامل تحلیل رهبری و مدیریت، نقش‌های فرمانده و مدیر در اسلام، ویژگی‌های مدیر و فرمانده در اسلام؛

سوم) شیوه‌های مدیریت و رهبری نظامی شهید صیاد شیرازی شامل منش فرماندهی، تصمیم‌گیری، طراحی و برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و کنترل، ایجاد انگیزه و ابتکار، مسئولیت‌های شهید صیاد شیرازی در جنگ و چهارم) تجزیه و تحلیل وظایف مدیر و فرمانده از نگاه اسلامی با شهید صیاد شیرازی تطبیق داده و سپس نتیجه‌گیری می‌کند. در ابتدا به شرح وظایف یک مدیر و فرمانده پرداخته و سپس تحلیلی از رهبری و مدیریت و نقش‌های فرمانده و مدیر در اسلام و ویژگی‌های مدیر و فرمانده در اسلام و در بخش سوم ابتدا به تعریف علمی و مکتبی منش فرماندهی پرداخته می‌شود. در قسمت دوم از این بخش ضمن توضیح ضمنی تصمیم‌گیری، ویژگی‌های شهید صیاد شیرازی که به تصمیمات موفق ایشان در شرایط جنگ منجر شد، می‌پردازد. در قسمت سوم به مفهوم برنامه‌ریزی و نحوه طراحی و برنامه‌ریزی شهید صیاد پرداخته می‌شود. در قسمت چهارم مفهوم سازماندهی و نحوه عملکرد این شهید بزرگوار تشریح می‌گردد. در قسمت پنجم این مقاله هماهنگی و کنترل در شرایط جنگی بررسی شده و در قسمت ششم نیز به یکی از خصوصیات مهم شهید صیاد شیرازی یعنی انگیزه و ابتکار وی، اشاره می‌شود و ابتکارهای مهم ایشان در شرایط جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در قسمت هفتم نیز مسئولیت‌های شهید صیاد در دوران عمر خدمتی وی ذکر شده است. در بخش چهارم تجزیه و تحلیل و تطبیق آن با شهید انجام شده و در نهایت مقاله به نتیجه‌گیری منتهی می‌شود.

بیان مسأله

امروزه نقش مدیریت و رهبری در پیشبرد اهداف و کسب موفقیت‌ها در انجام هر کاری به اثبات رسیده و همگان به این مهم پی برده‌اند که مدیریت صحیح و خلاق ضامن کسب پیروزی و موفقیت در امور و پیشرفت در کارها است. زمینه پیروزی در رقابت‌های بزرگ جهان امروز، پیروی از شیوه‌های موفق مدیریت و رهبری است. دین مبین اسلام خود مبین بهترین شیوه‌های مدیریت و رهبری است. انقلاب اسلامی ایران با مدیریت و رهبری رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) در جهان شکل گرفت و همگان نقش بی‌بدیل مدیریت اسلامی را مشاهده نمودند. امروز هم کشور اسلامی ما که مزین به دین اسلام است، با مدیریت و رهبری درایت‌مندانه اسلامی مقام معظم

رهبری اداره و مدیریت می‌گردد. دوران سخت دفاع مقدس در این کشور توسط فرزندان و شاگردان حضرت امام و مقام معظم رهبری و با اتکا به همین شیوه‌های مدیریت اسلامی با پیروزی به پایان رسید و نقش ارزنده مدیریت و رهبری اسلامی بر همگان روشن و مبین شد.

امروزه با توجه به تبلیغات زیاد علیه دین مبین اسلام و همچنین ایجاد شبهه در مدیریت و رهبری جامعه اسلامی توسط دشمنان قسم‌خورده اسلام، به نظر می‌رسد که بایستی در زمینه تبیین کاربردی شیوه‌های مدیریت اسلامی و همچنین با الگوگیری از مدیران و فرماندهان موفق جامعه اسلامی به این مهم پرداخته تا ضمن بیان اهمیت شیوه‌های موفق مدیریت و رهبری در اسلام، الگوپذیری جوانان عزیز کشورمان از این مدیران و فرماندهان لایق بیش از پیش شکل گیرد.

اگرچه تا کنون در این خصوص فعالیت‌های زیادی صورت پذیرفته است، اما با پیشرفت‌های امروز در دنیا تبلیغات و شبهات منفی هم علیه اسلام و شیوه‌های اداره جامعه در اسلام بیشتر شده است. دشمنان با ایجاد شبهات پراکنده در پی هدف قرار دادن قشر جوان و پرتحرک جامعه بوده و قصد دارند این قشر را نسبت به اعتقادات اسلامی بدبین نمایند.

هم اکنون مهم‌ترین دغدغه در این خصوص روشن نمودن اهمیت مدیریت و رهبری اسلامی و زوایای مدیریت و فرماندهی فرماندهان دوران دفاع مقدس که نشأت گرفته از بیانات رهبر بزرگشان و همچنین در دوران بعد از دفاع مقدس رهرو مقام معظم رهبری، و آموزه‌های اسلامی است، برای جوانان و مدیران و فرماندهان جوان است.

بنابراین در تحقیق حاضر نگارنده در راستای پاسخ به مسأله اصلی پژوهش تلاش می‌نماید، شیوه‌های مدیریت و رهبری نظامی شهید صیاد شیرازی در جنگ و تطبیق آن با آموزه‌های اسلامی، را ارائه کند.

سؤال تحقیق

شیوه‌های مدیریت و رهبری نظامی شهید صیاد شیرازی در جنگ کدام است و چگونه می‌توان آن را با آموزه‌های اسلامی تطبیق داد؟

نوع و روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی است و برای بررسی موضوعات و رسیدن به نتایج از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. ابزارهای گردآوری داده‌ها در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و اسنادی است و تجزیه و تحلیل مطالب و مقایسه مطالب آن نیز با استفاده از منطق عقلی و روش استدلال قیاسی می‌باشد.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

مسئولیت‌ها و وظایف یک مدیر و فرمانده

تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری یک فرآیند ذهنی است که همه افراد بشر در تمام دوران زندگی خود با آن سروکار دارند، به حدی که تمام فعالیت‌ها نتیجه فرآیند تصمیم‌گیری است. گاهی تصمیم‌گیری، حل مسأله یا انتخاب بهترین راه‌حل از میان راه‌حل‌های مختلف نیز نامیده می‌شود. در الگوی تصمیم‌گیری الهی در پر تو اعتقادات و ارزش‌های اسلامی «توکل» جایگاه ویژه‌ای دارد. «فاذا عزمتم فتوکل علی الله» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹):

۱. اتکا به خداوند متعال و طلب کمک و استعانت از او؛
 ۲. مشاوره مبتنی بر شرایط آن؛
 ۳. زمان‌شناسی، آینده‌نگری، تدبیر؛
 ۴. ثبات پایداری در تصمیم و قاطعیت؛
 ۵. تمرکز حواس، عدالت و انصاف در تصمیم.
- تصمیم‌گیری به ویژه برای نیروی نظامی، انتظامی و امنیتی به دلیل ارتباط آن با جان، مال و ناموس مردم از اهمیت و حساسیت مضاعفی برخوردار است. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «رای العاقل ینجی»؛ یعنی رأی عاقل نجات می‌دهد. در زمان جنگ و بحران، فرماندهان حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین تصمیمات را اتخاذ می‌کنند (سازمان بسیج مستضعفین، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۶).
- تصمیم‌گیری به معنی برگزیدن یک راه ایده‌آل از میان چندین راه چاره‌ای است که در مرکز برنامه‌ریزی جای دارد (معاونت آموزش دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۳: ۱۰۴).

مدیر باید قبل از هر چیز برای وظایفی که به عهده او محول شده تصمیم‌گیری لازم را به عمل آورد و برای انجام این مقصد باید از امور زیر کمک بگیرد:

الف) آگاهی‌ها و تجربه‌های گذشته: هیچ‌گاه اصرار به آزمودن آزموده‌ها و پیمودن راهی که نتیجه آن قبلاً منفی بوده نداشته باشیم که در حدیث معروفی داریم: «افراد با ایمان دوبار از یک سوراخ گزیده نمی‌شوند»، و امیرمومنان می‌فرمایند: «تجربیات علم و دانش جدیدی است».

ب) بهره‌گیری هرچه بیشتر از مشاوره: جالب‌ترین تعبیر در این زمینه در کلام امیرمومنان وارد شده که می‌فرمایند: «هیچ پشتیبانی همچون مشورت نیست» و به این ترتیب انسان از طریق مشورت می‌تواند تمام ارزش‌های فکری دیگران و تجربیات آنها را در اختیار خود قرار دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۹).

برنامه‌ریزی: یکی دیگر از اصول مدیریت در شئون زندگی شخصی، اجتماعی، سازمانی و... در همه عرصه‌ها اعم از سیاسی، فرهنگی، نظامی و... اصل برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی را چنین تعریف کرده‌اند: "انتخاب راه و روشی مناسب برای بهتر رسیدن به هدف." برنامه‌ریزی تلاشی هدف‌دار با استفاده کامل از منابع انسانی و مادی است. برنامه‌ریزی یک فرایند تصمیم‌گیری است و از مشکل‌ترین فعالیت‌های فکری مدیران قبل از اجرا است. برنامه‌ریزی نوعی تصمیم‌گیری است که با شناخت اهداف و انتخاب خط‌مشی‌های مناسب و بهترین شیوه بهره‌گیری از منابع انسانی و مادی همراه است و تعیین زمان آینده را پیش‌بینی می‌کند. برنامه‌ریزی تفکری است که قبل از اجرا طراحی می‌شود (سازمان بسیج مستضعفین، ۱۳۸۶: ۲۸).

بعد از آنکه کلیات مسأله در شورا برای مدیر روشن شد و به مرحله تصمیم‌گیری در آمد، برای تحقق بخشیدن و اجرای آن نیاز به برنامه‌ریزی است. اگر به داستان جنگ احزاب و مسأله حفر آن خندق عظیم به گرد مدینه بیندیشیم و مدیریت پیامبر اسلام(ص) را در این زمینه و کیفیت تقسیم کار را میان یارانش بنگریم، به دقت و ظرافت در برنامه‌ریزی پیامبر(ص) پی می‌بریم. پیامبر(ص) شخصاً برای همه حرکت‌های نظامی و غزوات اسلامی تمام مسائل را دقیقاً زیر نظر می‌گرفت و برنامه‌ها را تنظیم می‌نمود و از این ریزه‌کاری‌ها در زندگی پیشوایان بزرگ اسلام فراوان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۱).

سازماندهی: یک فعالیت مستمر و مداوم است، اگر مبتنی بر معیارهای علمی و آگاهی انجام شود، زمینه‌های تحول سازمانی و نوآوری را فراهم خواهد کرد. در واقع عمل ترکیب منابع اعم از انسانی و مادی و یگانه‌سازی آن‌ها برای دسترسی به هدف در سازماندهی تحقق می‌یابند.

دکتر علی رضائیان سازماندهی را چنین تعریف نموده‌اند: «سازماندهی فرآیندی است که طی آن تقسیم کار میان افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان به منظور کسب اهداف صورت می‌گیرد». در جدول معیارهای مدیریت بازرسی سپاه، سازماندهی اینگونه تعریف شده است: «شکل‌بندی، انتظام اجزا، آرایش و تعیین دقیق مواضع نیروها و امکانات در یک سیستم یا مجموعه ارگانیک که بتواند بهترین بازدهی ممکن را در جهت تحقق اهداف و اجرای وظایف تعیین شده امکان‌پذیر سازد» (سازمان بسیج مستضعفین، ۱۳۸۶: ۳۶).

هدف از سازماندهی تقسیم کار در یک مجموعه است. در حالات پیامبر اسلام (ص) می‌خوانیم که حتی برای رساندن یک پیام میان اصحاب و یاران خود بررسی می‌کرد و کسی را بر می‌گزید که از همه شایسته‌تر برای ابلاغ آن پیام باشد. در غزوه خیبر هنگامی که دیگران از فتح نیرومندترین دژهای خیبر عاجز ماندند، پیامبر (ص) پرچم را به دست علی (ع) داد و در همان روز دژ نیرومند یهود سقوط کرد. حدیثی از پیامبر (ص) داریم که می‌فرمایند: «کسی که جماعتی را رهبری کند در حالی که در میان آنها فردی آگاه‌تر از او وجود داشته باشد، پیوسته کار آن گروه رو به سقوط می‌رود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۵-۶۴).

ایجاد هماهنگی: یکی از وظایف مهم مدیر، ایجاد موازنه و تطبیق بین وظایف متعددی است که واحدهای مختلف سازمان به منظور تأمین هدف مشترک انجام می‌دهند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۵۷).

مدیر در عین اینکه رابطه خود را با نفرات خویش باید حفظ کند، نقش هماهنگ‌کننده را هرگز نباید فراموش کند؛ چراکه مفردات خوب هرگز ضامن پیروزی نیست، بلکه یک ترکیب صحیح و هماهنگ همیشه پیروز است. همانطور که یک ناهماهنگی در لشکر اسلام در جنگ احد سبب شد که شکست سختی به لشکر اسلام وارد شود و ضایعاتی در حدود هفتاد شهید به بار آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۹-۶۸).

ایجاد انگیزه: انگیزه یا نیاز عبارت است از حالتی درونی که انسان را به انجام فعالیت وا می‌دارد. بنا به این تعریف، اثربخش بودن فعالیت‌های مدیریت، به تمایلات افراد درون سازمان در انجام وظایف محوله‌شان بستگی دارد. انگیزه داشتن کارکنان برای انجام وظایف و همسویی اهداف فردی با اهداف سازمان، نقشی اساسی در موقعیت سازمان دارند (دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۱۳۷۳: ۶۸).

ایجاد انگیزه یعنی ایجاد یک حرکت نیرومند درونی بر اساس بسیج تمام نیروهای نهفته در روح و جان انسان‌ها. انگیزه به سه نوع تقسیم می‌شود که شامل انگیزه‌های پنداری، مادی و معنوی است. در انگیزه‌های پنداری، یک مشت خیالات و خرافات و الفاظ بی‌محتوا ممکن است عامل حرکت یک جامعه شود، مثل جامعه بت‌پرستی. در انگیزه‌های مادی از آنجا که از یک واقعیت عینی مایه می‌گیرد اثری بیشتر و گسترده‌تر دارد، اما باین حال هرگز عمیق نیست. اما انگیزه‌های معنوی که از روح ایمان به خدا و ارزش‌های والای الهی سرچشمه می‌گیرد و پشتوانه‌ای همچون معاد و زندگی جاویدان پس از مرگ دارد، قوی‌ترین و عمیق‌ترین انگیزه‌هاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۹-۶۸).

مدیریت و رهبری نظامی در اسلام

تحلیلی از رهبری و مدیریت: رهبری و مدیریت که غالباً به عنوان دو کلمه مشابه و مترادف در کنار هم به کار می‌روند، در حقیقت دارای یک معنی و مفهوم نیستند و از چند نظر با یکدیگر اختلاف دارند. در این قسمت با تحلیلی دقیق‌تر به تفکیک رهبری و مدیریت پرداخته و موارد کاربرد هر یک را معرفی می‌کنیم. رهبری چنانچه از اسمش بر می‌آید، هدایت یک جامعه به سوی یک هدف مشخص است و رهبر کسی است که جامعه را به سوی این هدف راهنمایی کند، و از آنجا که هر حکومتی در نظام حکومتی خویش مقصد معینی را تعقیب می‌کند و هر دولتی در برنامه‌ریزی‌های خود هدف مشخصی را دنبال می‌نماید؛ بنابراین در هر جامعه افرادی که در رأس حکومت یا رأس دولت باشند، در حقیقت رهبران آن جامعه بوده و هدایت آن جامعه را به سوی آن هدف و مقصد به عهده دارند. اما منظور از مدیریت اداره جامعه است تا به سوی هدف خاص سوق داده شود.

بنابراین هدف از رهبری برنامه‌ریزی گسترده و تدوین قوانین عمومی جامعه در جهت نظام کلی است. به عبارت دیگر رهبری، ساخت و ایجاد شاهراهی عظیم هم‌جهت و هم‌سو با اهداف کلی نظام و هدایت و ارشاد همه افراد و عموم طبقات جامعه است. در این شاهراه، مدیریت عبارت است از ایجاد راه‌های فرعی و کوره‌راه‌هایی که در نهایت به شاهراه عظیمی که به سوی هدف کلی نظام پیش می‌رود، ختم شوند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۳-۴).

نقش‌های مدیر و فرمانده در اسلام: مدیریت و رهبری در هر نوعی که باشد، از پیشوایی یک ملت یا فرماندهی یک لشکر گرفته تا سرپرستی خانواده، در کارآیی سازمان مربوطه و تحقق اهدافش نقش مؤثر دارد. با توجه به نقش‌های متنوع مدیریت و فرماندهی در یک سازمان به چند نمونه مهم از این نقش‌ها اشاره می‌شود:

۱) **نقش توبیتی:** تأثیری که مدیر یا فرمانده بر روح و روان همکاران خود می‌گذارد، موقعیت تربیتی او را بیشتر می‌کند. آنان که در یک مجموعه با مدیر کار می‌کنند و از او دستور می‌گیرند و اندیشه‌های او یکی پس از دیگری روشنگر راه آن‌ها می‌شود به میزان زیادی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و رفته‌رفته برخوردها و موضع‌گیری‌های مثبت و منفی مدیر یا فرمانده برای آنان جنبه سمبل و سرمشق پیدا می‌کند و به مقدار نفوذی که در روح آنان دارد می‌افزاید.

وقتی پیامبر اسلام (ص) مردم را دعوت به توحید و یکتاپرستی می‌کرد، آنها به صراحت اعلام می‌کردند که تحت تأثیر بزرگان و مدیران اجتماعی - سیاسی و یا آباء و اجداد خود هستند که در این باره قرآن کریم می‌فرماید: «وإذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالو بل نتبع ما الفینا علیه آبائنا»، یعنی «وقتی که به آنها گفته می‌شود از آنچه خداوند به وسیله وحی بر پیامبرش نازل کرده است، پیروی کنید، می‌گویند ما از روش‌های پدران خود پیروی می‌کنیم». تأثیری که مدیران جامعه بر روح افراد دارند، گاه به قدری زیاد است که به کلی استقلال فکری آن‌ها را از بین می‌برد و آنها را چشم‌بسته تسلیم مدیران می‌کند.

خداوند در قرآن کریم از زبان مردمی که در اثر پیروی از مدیریت‌های فاسد، گمراه شدند می‌گوید که آنها در قیامت خواهند گفت: «پروردگارا، ما را از بزرگان و اکابر خویش پیروی

کردیم. پس آنها بودند که ما را به گمراهی کشاندند». بنا براین، مدیران و رهبران جامعه با هدایت‌های خود موجبات سعادت و شقاوت انسان‌ها را فراهم می‌سازند (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۵-۶).

۲) نقش محوری: برای بیان اهمیت نقش محوری در مدیریت، ذکر یک مثال مفید است. هنگامی که حضرت علی(ع) جایگاه خود را در جامعه اسلامی بیان می‌کنند، به مسأله محوریت اشاره و موقعیت محوری خویش را این گونه ترسیم می‌سازند: «موقعیت من بر خلافت و مدیریت جامعه اسلامی همانند محور وسط سنگ آسیاب است. علوم و معارف از وجودم چون سیل سرچشمه می‌گیرد و هیچ پرنده‌ای قله آگاهی و بینش مرا فتح نمی‌کند». در جای دیگر حضرت می‌فرمایند: «نقش مدیر و زمامدار کشور همانند رشته‌ای است که از وسط مهره‌ها گذشته و آن را در یک محور گرد آورده و به یکدیگر پیوند زده است و هر گاه این رشته پاره شود، مهره‌ها عامل ارتباط را از دست داده، پراکنده خواهد شد و با گسستن آن رشته، دیگر زمینه‌ای برای گرد آمدن وجود ندارد» (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۵-۶).

۳) نقش بنیادی: مدیریت اساس و بنیان سازمان را تشکیل می‌دهد و ارکان هر سازمان بر اندیشه‌های مدیریت استوار است. بار مسئولیت‌ها بر دوش مدیر است و در نهایت اوست که باید این بار گران را تا سر منزل مقصود برساند. خداوند در قرآن کریم مسئولیت هدایت و مدیریت را در حوزه رسالت پیامبر اسلام(ص)، بس سنگین و کمر شکن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «الم نشرح لک صدرک و وضعنا عنک وزرک، الذی انقض ظهرک»؛ «ای پیامبر، آیا ما به تو شرح صدر عطا نکردیم؟ و بار سنگینی که کمر تو را می‌شکست از دوش جانب برداشتیم؟»

همچنین امام رضا(ع)، والی مسلمانان و مدیر اسلامی را به ستون خیمه تشبیه کرده و می‌فرمایند: «اما عملت ان والی المسلمین مثل العمود فی وسط الفساطط من اراده اخذ»؛ «آیا نمی‌دانی که والی مسلمین همانند ستون وسط خیمه است که اولاً تمام بار سقف بر روی این ستون استوار و در ثانی مانند نقطه مرکزی دایره شعاعش نسبت به همه جوانب یکسان است، به طوری که هر کس در هر زمان و از هر طرف که اراده کند به او دسترسی دارد» (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۵-۶).

ج) ویژگی‌های مدیر و فرمانده در اسلام

۱) ایمان به هدف: از خصوصیات اصلی مدیر و فرمانده در اسلام، ایمان او به هدف است. خداوند در قرآن مجید درباره پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «پیامبر (ص) قبل از هر کس به چیزی که از سوی خدا بر او نازل شده ایمان آورده و مومنان نیز ایمان آورده‌اند».

ایمان باعث می‌شود، تعهد مدیر یا فرمانده به انجام دادن کارش افزایش یابد و همواره خود را در معرض سؤال و بازخواست الهی ببیند، اهمیت و ارزش کار را درک کند و آن را با توجه به اهداف و نیت اسلامی انجام دهد. در این باره خداوند در قرآن می‌فرماید: «کسی که به پروردگار کافر شود و ایمان نیابد، اعمال او نیز بیهوده و نابود خواهد شد». در اسلام ایمان به هدف نشأت گرفته از ایمان به مکتب و مبانی مکتبی است. بنابراین، یک مدیر یا فرمانده مکتبی نه فقط نمی‌تواند در برابر مکتب بی تفاوت باشد، بلکه باید ایمان عمیقش به تعلیمات آن مکتب، انگیزه اصلی او را در انجام دادن وظایفش باشد (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۷).

۲) قدرت و توانایی جسمی: خداوند همان طور که انبیا و پیامبران خود را براساس پاکی و پاکیزگی و خلوص و صفا انتخاب می‌کند، در تعیین رهبری نیز با نفی معیارهای اجتماعی، مبنا و معیار را بر امور معنوی همانند علم، آگاهی و طهارت نهاده است. خداوند وقتی طالبوت را به عنوان رهبر از میان قوم انتخاب می‌کند، معیار انتخاب را بر دو ویژگی قرار می‌دهد: ۱) قدرت و توانایی علمی ۲) قدرت و توانایی جسمی (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۷).

۳) امانتداری و درستکاری: این معیار در اسلام برای همه کارکنان لازم است و مدیر و فرمانده به حکم این که از رده‌های بالای مردم هستند، نه فقط نمی‌توانند فاقد این معیار باشند، بلکه باید هر دو را در حد عالی دارا باشند. این معیار در سرگذشت حضرت موسی (ع) و شعیب مطرح شده است. هنگامی که موسی (ع) به دنبال مبارزه‌ای سخت با طاغوتیان زمانش ناچار به ترک مصر شد و به سرزمین مدین در شام هجرت نمود، دست تقدیر الهی او را با خانواده شعیب، پیامبر بزرگ و پیر روشن ضمیر، آشنا ساخت. یکی از دختران شعیب به پدرش پیشنهاد کرد که موسی را برای چوپانی و اداره امور اقتصادی خانواده برگزیند و او که پرورش یافته خاندان وحی بود، در پیشنهاد مستدل خود بر دو اصل قوت و امانت تکیه کرد، چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: «یا ابت استاجر ان خیر من

استاجرت القوی الامین»؛ «پدرم او را استخدام کن؛ چرا که بهترین کسی را که می‌توانی استخدام کنی، کسی است که همچون این جوان قوی و امین باشد».

امانتداری و درستکاری منحصر به حفظ اموال نیست، بلکه هر پست و مقامی، مصداقی از مفهوم وسیع امانتداری و درستکاری است. به این ترتیب چگونه است، کسی را که از امانتداری و درستکاری او مطمئن نیستیم، به مدیریت یا فرماندهی برگزینیم، خواه در یک امر نظامی که فرمانده عملاً جان گروهی را در اختیار دارد (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۸-۹).

۴) صداقت و راستی: مهم‌ترین سرمایه یک مدیر و فرمانده، در برنامه‌های اجرایی، همبستگی او با افراد زیردست او و وجود اعتماد بین آن‌ها، و صداقت او در گفتار و عمل است. در این باره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برای آزمایش مردم به زیادی نماز و روزه آن‌ها و کثرت حج و نیکی کردن آن‌ها به مردم و سروصدای آن‌ها در عبادات شبانه توجه نکنید، بلکه راستگویی و امانتداری آن‌ها را بنگرید».

همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار در برنامه تعلیمات او بود. اگر رعایت این دو اصل برای عموم مردم ضروری است، به طریق بالاتر، برای مدیران و فرماندهان از اهمیت بیشتری برخوردار است» (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۹).

۵) سعه صدر: مدیریت و فرماندهی کار پیچیده‌ای است و هر اندازه پیچیده‌تر باشد، مشکلات آن افزون‌تر و آفاتش بیشتر است. به همین دلیل مدیران و فرماندهان باید دارای، اعصاب قوی، حوصله زیاد و توان کافی در رویارویی با مشکلات باشند.

مدیر و فرمانده باید توجه داشته باشند، که در طول مدیریت و فرماندهی اوضاع و احوال همیشه یکسان نیست و گاه مشکلات و دشواری‌هایی در برابر آن‌ها آشکار می‌شود که اگر سعه صدر نداشته باشد و عجز و ناتوانی خود را آشکار سازد به زانو در می‌آید. بی‌علت نیست که در غزوات صدر اسلام هرگاه بحران‌ها و دشواری‌ها مسلمانان را احاطه می‌نمود، همه به رسول خدا (ص) پناه می‌بردند. خداوند وقتی می‌خواهد نعمت‌های خود را برای پیامبر اسلام (ص) بیان کند، سعه صدر را

نخستین نعمت بر می‌شمارد و می‌گوید: «الم نشرح لك صدرك»؛ «آیا ما برای تو سینه‌ات را نگسترانیم؟» (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۹-۱۰).

۶) شجاعت و قاطعیت: مدیر و فرمانده وظایفی دارد که انجام دادن صحیح آن بدون دارا بودن شجاعت و قاطعیت ممکن نیست. در مرحله تصمیم‌گیری، اگر مدیر و یا فرمانده ضعیف باشد، نمی‌تواند تصمیم صحیحی اتخاذ کند و در مقابله با حوادث غیرمنتظره اگر روح شهامت در وجود او نباشد، چنان آشفته می‌شود که راه‌های ساده چاره‌جویی را فراموش می‌کنند و همچنین اگر هنگام ارتکاب اشتباهات دارای شجاعت لازم نباشد، هرگز به خطای خویش اعتراف نمی‌کند و در صدد جبران بر نمی‌آید. حضرت علی (ع) در اوصاف فرمانده نمونه، به مالک اشتر می‌فرمایند: «آدم‌های ترسو را در مشورت داخل نکن که تو را در انجام دادن کارها ناتوان می‌سازد» (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۱).

۷) ایراد خطابه‌های مهیج: خطبه‌های مهیج و سخنان پرشور فرماندهان آنچنان روحیه نیروهای رزمنده را بالا می‌برد، که توان آن‌ها چندین برابر می‌شود، به طوری که اگر به گوش دشمن برسد، توان خود را از دست می‌دهد. قدرت و اثر سخن به قدری است که پیامبر اسلام (ص) فرموده است: "ان من الیان لسحرا یعنی بعضی از سخنان سحر است."

در جنگ بدر نیروهای مسلمانان در اقلیت و از نظر تجهیزات در مرحله بسیار پایینی قرار داشتند و به تعبیر قرآن: «ولقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله»؛ «خداوند شما را در بدر پیروزی داد با اینکه دلیل و از نظر نیرو بسیار ناتوان بودید». در این جنگ حدود هزار نفر از نیروهای دشمن با ۷۰۰ شتر و ۱۰۰ اسب در مقابل مردان جنگی اسلام که ۳۲۴ نفر با ۷۰ شتر و دو سه رأس اسب بودند قرار داشتند، بطوریکه مسلمانان در برابر آنها از نظر نفر ۳۰ درصد و از نظر تعداد شتر ۱۰ درصد، از نظر اسب‌ها ۲ درصد بودند. پیامبر اکرم (ص) که با دیدن سپاه دشمن نیروهای خود را برای ضربه زدن به آنها مهیا می‌ساخت، تنها چند جمله به عنوان یک سخنرانی فرمود و در حقیقت همین چند جمله نیروهای دشمن را در هم شکست، چنان که سرانجام در پایان نبرد عده‌ای از آنها را شکست و جمعی را به اسارت گرفت. آغاز سخن با این آیه بود: «سیهزم الجمع و یولون الدبر»؛ «به زودی این

گروه شکست‌خورده، فرار خواهد کرد». سپس فرمودند: «سوگند به کسی که جان محمد در اختیار اوست، امروز هر مردی که با بردباری و هوشیاری و با حمله سخت بدون عقب‌نشینی بر این گروه بتازد و شهید شود، خداوند او را وارد بهشت خواهد ساخت». جملات کوتاه بود، ولی شرایط و موقعیت پیامبر اسلام (ص) به گونه‌ای بود، که آن پیروزی عظیم را به وجود آورد (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲).

شیوه‌های مدیریت و رهبری نظامی شهید صیاد شیرازی

منش فرماندهی: انسان دارای خوی و سرشت و یک طبیعت ثانویه است، که وقتی این طبیعت ثانویه در تسلسل اوصاف یا عادات قرار گیرد، تبدیل به منش می‌شود. به عبارت دیگر وقتی صفت خاصی توسط شخصی تکرار می‌شود، در واقع این صفت در وی نهادینه و ملکه شده و جزئی از رفتار، منش و خلقیات انسان محسوب می‌گردد. در حوزه نظامی، فرماندهی محور اصلی قدرت نظامی است و به مجموعه اختیاراتی گفته می‌شود که به طور قانونی به فرد داده شده تا در مسندی قرار گیرد و مأموریت سازمانیش را تحقق بخشد. بنابراین فرمانده متناسب با آن اختیارات، مسئولیت دارد و پاسخگو نیز است. معمولاً در حوزه فرماندهی موضوعی با عنوان منش فرماندهی مورد توجه قرار می‌گیرد، که بیشتر به شخصیت، عادات و خلقیات شخص فرمانده توجه دارد (رشیدزاده، ۱۳۸۷: ۹۱).

در اینجا توضیح این مطلب ضروری است که فرماندهی را می‌توان به دو بخش مدیریت و رهبری تقسیم کرد. رهبری توانایی نفوذ در افراد و گروه‌ها برای رسیدن به هدف یا هدف‌های خاص است (نبوی، ۱۳۸۶: ۱۳۲). از سوی دیگر رهبری کمال مدیران و فرماندهان است. به این معنا که عنصر رهبری، جاذبه‌ای ایجاد می‌نماید که شخص مدیر یا فرمانده به صورت الگو مورد توجه و عنایت زیردست و بالادست قرار می‌گیرد. بنابراین شایسته آن است که فرماندهان رهبری کنند و اگر در حوزه رهبری، فرمانده انسان هدایت‌گری باشد می‌توان گفت فرمانده دارای منش رهبری است. در بیانات مقام معظم رهبری نیز به این مطلب اشاره شده است. «فرماندهی جوهره‌ای از رهبری را در بردارد و به عبارت دیگر، محور اساسی و گوهر فرماندهی، رهبری است»

(رشیدزاده، ۱۳۸۷: ۱۷).

بخش دوم وظیفه فرماندهی مدیریت است. مدیریت علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی برای نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی است (اقتداری، ۱۳۷۵: ۶۱). مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول به اهداف سازمانی است. فرماندهی یک امر مستمر و شبانه روزی و همه مکانی و همه زمانی است. منش فرماندهی یعنی اینکه چه اخلاقی در حوزه مدیریت و رهبری مورد نیاز فرمانده می‌باشد و بدین گونه منش فرماندهی به دو دسته منش مدیریتی و منش رهبری تقسیم می‌شود. برای دوری از انحطاط در اخلاق و رفتار در منش‌های عالیه فرماندهی نباید به آدم‌های عادی توجه شود، بلکه باید رفتارهای فرماندهی را با الگوهای برحق تطبیق داد. الگوهای حقی که معصوم می‌باشند. ائمه اطهار تابلوی نمایان حق هستند. الگوهای واقعی، ائمه اطهار هستند. منابع ما برای استخراج منش‌های راستین، قرآن کریم، سیره و سنت ائمه اطهار و رسول اکرم (ص) است.

شهید صیاد شیرازی از منش فرماندهی چندین تعریف ارائه می‌داد، اما تعریفی که بیشتر به آن پایبند بود و براساس آن اقدام می‌کرد چنین بود: «آن قسمت از اخلاق اسلامی که برای فرماندهان در دوران مسؤلیت فرماندهی و متناسب با سطوح فرماندهی آنان عمل به آن پسندیده و گاه ضروری است». براین اساس این شهید بزرگوار به علمای اخلاق و بزرگان متخلق به اخلاق اسلامی و منابع متقن و معتبر به ویژه احادیث مربوط به سیره زندگی پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام، به ویژه در خصوص آن بخش از زندگی آنان که به امور نظامی مربوط می‌شد، مراجعه می‌کرد. ایشان در محضر بزرگانی چون حضرات آیات عظام بهاء‌الدینی، مشکینی، صدوقی، دستغیب و حضرت امام خمینی (ره) حاضر می‌شد و در زمینه اخلاق اسلامی درس می‌گرفت. با عنایت به تعاریف داده شده منش و شخصیت شهید صیاد شیرازی به نوعی است که او را فردی منضبط، با برنامه، هدفمند، پرکار، دارای شؤنات اخلاقی، متین، متقی و معتقد به قیود اسلامی معرفی می‌کند. شیوه زندگی این فرمانده براساس یادداشت‌های شخصی و آثار به جای مانده از وی تقریباً قابل بازسازی است. این یادداشت‌ها گویای پرکاری این فرمانده دوران دفاع مقدس نیز می‌باشد. به گواهی یاران نزدیک وی در زمان جنگ اغلب اوقات استراحت او در

خودرو یا هواپیما بوده (حسینیا، ۱۳۸۶: ۳۳) و بقیه وقت او صرف جلسات طراحی عملیات‌ها، هماهنگی، بازدیدها، پیگیری امور، هدایت و کنترل نیروها و غیره می‌شده است. برای ترسیم اینکه شهید صیاد شیرازی از نظر انضباطی چگونه شخصیت و منشی داشته است، مطالب بسیاری وجود دارد، ولی ذکر چند نکته می‌تواند گویای ادعای پیش گفته باشد. اول اینکه او فردی شیک‌پوش بود و آراستگی وضع ظاهر را در همه شرایط رعایت می‌کرد. دیگری وقت‌شناسی، به موقع و به‌هنگام بودن وی که هر دو از ویژگی‌های بارز شخصیت نظامی وی بوده است. سوم اینکه وی مطابق آیین‌نامه انضباطی فردی مطیع دستورهای مافوق بوده و حتی در شرایطی که خود نظر مخالف داشته، ولی دستورهای صادره از رده‌های بالادستی را با طیب خاطر اجرا کرده و مهم‌تر اینکه اطاعت از ولایت فقیه را برای خود تکلیف شرعی می‌پنداشت. ایشان ذوب‌شده در ولایت فقیه بودند و افتخارشان بودن در رکاب مقام معظم رهبری و شهادت در این راه بود (انبارداران، ۱۳۸۱: ۲۱).

تصمیم‌گیری: یکی از وظایف عمده مدیران تصمیم‌گیری است. طبق نظر برخی کارشناسان علم مدیریت، چنانچه تصمیم‌گیری را از مدیریت جدا کنیم، مدیریت مفهومی ندارد. در عین حال ماهیت تصمیم‌گیری در رده‌های پایینی، میانی و عالی سازمان‌ها متفاوت است. در رده‌های پایین سازمان تصمیمات معمولاً از پیش تعیین شده هستند و در یک چارچوب مقرراتی مثل آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، برای اجرا به آنان ابلاغ می‌شود، اما در رده‌های عالی تصمیمات از قبل تعیین شده نیستند و تصمیم‌گیری بسیار مشکل است و نیاز به اطلاعات، تجربه و همفکری دارد (امجدی، ۱۳۸۴: ۲۰). در شرایط بحرانی و جنگ، تصمیم‌گیری برای رده‌های عالی جنگ بسیار مشکل‌تر است؛ چراکه در شرایط بحران، محدودیت زمان، کمبود اطلاعات، محدودیت منابع و تهدیدات دشمن، تنگناهای سختی را ایجاد می‌کند. ملاحظه دیگر در امر تصمیم‌گیری که بسیار مهم و تعیین‌کننده است، نقش ارزش‌های فردی مدیر و فرمانده یا رهبر است. انسان موجودی است که در تمامی فرآیندهای تصمیم‌گیری، محور اصلی به شمار می‌آید و تابع اعتقادات، باورها، طرز تلقی‌ها و ارزش‌هایی که محرک وی و شکل‌دهنده اندیشه و رفتار او هستند. ارزش‌های فردی، واقعیت‌های ملموس و قابل اثباتی هستند؛ زیرا آثار و پیامدهای آن‌ها را می‌توان به سادگی در رفتارهای فرد مشاهده کرد. در

مورد مدیران و فرماندهان، این مسأله به وفور صدق می‌کند. شایان ذکر است انسان‌ها ارزش‌های خود را از مذهب، خانواده، اجتماع، فرهنگ و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، اخذ می‌نمایند. البته ارزش‌ها در طول زندگی شکل گرفته و تغییر و تحول می‌یابند (الوانی، ۱۳۸۰: ۱۲۳). در این مقاله آنچه که شخصیت شهید صیاد شیرازی را بارزتر می‌کند، شناخت او از شرایط اشغال بخشی از کشور توسط دشمن، روحیات مردم و مسئولان در آن شرایط خاص، امکانات و توانایی‌های خودی و در نهایت اقدامات و تصمیم‌گیری‌های او در شرایط جنگ تحمیلی است. وی در این شرایط تصمیماتی اتخاذ و اجرا کرده است که تعیین‌کننده و در نوع خود کم‌نظیر بوده است. چنانچه به عنوان مصداق بخواهیم نمونه‌ای ذکر کنیم، تدابیر و تصمیماتی است که او پس از انتصاب به فرماندهی نیروی زمینی اتخاذ کرده و باعث شده جنگ از حالت رکود خارج شود. وی با این اقدامات، حالت تهاجمی به نیروهای مسلح و نیروهای تحت امر خود داده است. آنچه تاریخ جنگ و دفاع مقدس شاهد آن است، اینکه با اتخاذ حالت جدید، در طول مدت کوتاهی (حداکثر هشت ماه) با انجام عملیات‌های طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس بیش از ۹۰ درصد از مناطق اشغالی خوزستان، توسط رزمندگان اسلام آزاد شد که شاخص‌ترین این تصمیمات ایجاد سازوکاری برای همکاری بین ارتش و سپاه و در اختیار گذاشتن امکانات ارتش برای آموزش، سازماندهی و وارد کردن نیروهای مردمی در قالب بسیج و تحت فرماندهی سپاه پاسداران در جنگ بود. از ویژگی‌های دیگر شخصیتی وی این بود که در فرآیند تصمیم‌گیری به ویژه در شرایط بحران هرگز بدون مشورت با فرماندهان، کارشناسان و مشاوران خود تصمیمی نمی‌گرفت. از ویژگی‌های دیگر ایشان، مدیریت بحران، فرماندهی بر صحنه‌های جنگ و ریسک‌پذیری او در فرآیند تصمیم‌گیری است. با عنایت به شخصیت شهید صیاد و ارزش‌های فردی وی، می‌توان گفت، به هنگام تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری این فرمانده دوران دفاع مقدس همواره مبتنی بر تخصص، تعهد، دانش، سجایای اخلاقی، مشورت با خبرگان و توکل بر خدا بوده است. ذکر یک خاطره از زبان وی شاید گویای این مطلب و یا مصداقی بر این مدعا باشد. «در عملیات طریق‌القدس، ارتش و سپاه که با هم دو لشکر و اندی نیرو داشتند، برای حمله به دشمن به صد و ده هزار گلوله فقط از یک نوع مهمات نیاز

داشتند و ما از این نوع گلوله فقط سیزده هزار تا داشتیم. وقتی آن برادر مسؤل پشتیبانی آتش، این برآورد علمی را به ما نشان داد، اصلاً نفهمیدیم چطور شد که گفتیم: شما بقیه کارها را بکنید، مهمات در راه است و می‌رسد و بلافاصله به خدا پناه بردیم، که خدایا این چه حرفی بود که گفتیم. فقط همین را بگویم تا موقعی که بچه‌ها بستان را گرفتند تا آن موقع، آن برادر مسؤل پشتیبانی آتش یادش رفته بود که مهمات چه شد» (اکبری، ۱۳۸۶: ۱۰). بدون شک تصمیم‌گیری در چنین شرایطی، برای فرمانده‌ای که مسؤلیت جان هزاران رزمنده، مسؤلیت‌های ملی و اعتبار شخصی خود را همواره در نظر دارد، امری بسیار دشوار است. بی‌توجهی به نظر کارشناسان و برآوردهای علمی آنان، اختلاف فاحش بین موجودی و نیازمندی مهمات که سرنوشت عملیات به آن بستگی دارد و از سوی دیگر درک شرایط جنگی، اشغال سرزمین‌هایی از کشور و فشارهای دشمن بعثی و غیره چنین به نظر می‌رسد که فرمانده برای اتخاذ چنین تصمیمی، بایستی ریسک‌پذیری بسیار بالا و یا روح توکل بالاتری داشته باشد. بنابراین اتخاذ اینگونه تصمیمات که به توفیقاتی نیز منجر شده است، ارزش‌های فردی این مدیر و فرمانده دوران دفاع مقدس را مشخص می‌نماید (حسینی، ۱۳۸۳: ۳-۲).

طراحی و برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی عبارت است از تفکر در کلیات و جزئیات برنامه و یا به عبارت دیگر تعیین و اتخاذ شیوه و روش‌هایی که ما را به بهترین نتیجه مطلوب برساند (میرشفیعی، ۱۳۶۸: ۱۹). برنامه نشان می‌دهد، که هدف‌ها چگونه باید تحقق یابند. بدون برنامه‌ریزی هرگز نباید و نمی‌توان وارد مرحله عمل شد. شهید صیاد شیرازی، مدیر موفق را فردی می‌دانستند که از قدرت برنامه‌ریزی بهره کافی داشته باشد. این شهید بزرگوار شرایط برنامه‌ریزی را بدین گونه ترسیم می‌نماید:

۱. برنامه، باید دقیق و از نظر کمی و کیفی کاملاً روشن باشد.
۲. برنامه باید از هرگونه ابهام و کلی‌گویی خالی بوده، تماماً جنبه عملی و عینی داشته باشد.
۳. در برنامه‌ریزی باید برآورد نیروی انسانی، هزینه‌ها، ابزار، وسایل و سایر منابع مورد نیاز دقیقاً محاسبه شود.
۴. در برنامه‌ریزی باید همیشه محلی برای حوادث پیش‌بینی نشده در نظر گرفته شود (نوروزی

فرسنگی، ۱۳۸۵: ۵۵).

به عنوان مثال، یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های باقیمانده از وی از برنامه‌ریزی‌های روزانه وی برای زندگی فردی و سازمانی حکایت می‌کند. شایسته است گفته شود که این مدل برنامه‌ریزی که بسیار دقیق بوده و دقیقه‌های زندگی روزانه در کنترل خود دارد؛ کاملاً منطبق است با آموزش‌های نظامی فراگرفته‌شده در دانشکده افسری (برنامه سین) که تا پایان عمر شهید استمرار داشته است. و مهم‌تر اینکه یادداشت‌های فوق نشان می‌دهد که وی برای ورود به هر برنامه‌ای، قبلاً فکر کرده و سناریوهایی را در ذهن خود مرور کرده است. ایشان برای ۲۴ ساعت شبانه روز برنامه داشتند. در زمان جنگ این مسأله نمود پیدا می‌کرد، به صورتی که ایشان ساعات روز را تقسیم‌بندی کرده بود. مثلاً برای نماز، تعقیبات نماز، دعا، ورزش، صبحانه، تماس با افراد، تجلیل از افراد، تذکر به افراد و سایر امور برنامه داشتند و ساعات مشخصی را تعیین کرده بودند (صیاد شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۱۷). ایشان برای صحبت کردن هم برنامه داشت، یعنی اینکه چه بگوید، چگونه بگوید، چرا بگوید.

در طراحی و برنامه‌ریزی همیشه طراحی ذهنی خویش را بر روی کاغذ می‌آورد و با ارائه به همکاران، آن‌ها را در تصمیم‌گیری مشارکت می‌داد و بدین وسیله آنها را تکریم می‌کرد و از همکاری و مساعدت آن‌ها بهره می‌جست و معتقد بود، اگر نیت و عمل ما خالص برای جهاد در راه خدا باشد، او بهترین طرح و برنامه را به ما الهام خواهد کرد (حسینی، ۱۳۸۳: ۳).

سازماندهی: پس از تعیین هدف و یا اهداف اجرایی و تهیه برنامه و نقشه کار، مدیر به دنیای عمل گام می‌گذارد و در این مرحله سازماندهی نیروها و امکانات، برای تحقق برنامه لازم و ضروری است. سازماندهی مستلزم آن است که منابع به مؤثرترین شیوه برای حصول هدف‌ها فراهم شود (ویسی و سوادی، ۱۳۸۵: ۸۰).

شهید صیاد شیرازی هدف از سازماندهی را تقسیم کار در یک مجموعه به گونه‌ای می‌دانستند که: هیچ کاری بدون مسئول نماند و در عین حال از تداخل و تضاد مسئولیت‌ها، جلوگیری به عمل آید.

هر کاری به افرادی که دقیقاً از عهده آن بر می‌آیند، سپرده شود. کل افراد به صورت یک مجموعه کاملاً منسجم عمل کنند، به طوری که کار هر یک، مکمل دیگری باشد. سلسله مراتب در

تقسیم کار باید مد نظر قرار گرفته و رعایت شود. تمام افراد از طریق سلسله مراتب با مدیریت یا فرماندهی در ارتباط باشند. این فرمانده شجاع دفاع مقدس، نیروی متناسب با هر مأموریتی را در جای خود قرار می‌داد و برای هر مأموریتی یک سازمان تعریف می‌کرد. وی بعد از اینکه در ۱۰ مهر سال ۱۳۶۰ به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد، یکی از اولین کارهایی که انجام داد این بود، که افراد را متناسب با هدفی که دنبال می‌کردند، در مناصب گوناگون قرار داد. ایشان این کار را در سطوح میانی و عالی انجام داد و برای لیاقت، استعداد، تخصص و تعهد افراد اهمیت فوق‌العاده قائل بود. وی همواره از عناصر شایسته نه تنها استفاده می‌کرد، بلکه به معنی واقعی کلمه، افراد متعهد و متخصص را صید می‌نمود (حسینیا، ۱۳۸۸: ۴۳).

هماهنگی و کنترل: یکی از وظایف مهم فرمانده یا مدیر ایجاد هماهنگی است. هر قدر یک سازمان گسترده‌تر و پیچیده‌تر باشد، مسأله هماهنگی در آن حساس‌تر می‌شود. ارتباط فرماندهان یا مدیران با افراد تحت فرماندهی یا مدیریت آنان هرگز نباید به شکل استبدادی در آید که جرأت اظهار نظر نداشته باشند. اما این سخن بدان معنا نیست که حفظ اصول انضباط و سلسله مراتب و قاطعیت به فراموشی سپرده شود، بلکه جمع بین انضباط و برادری از کارهای بسیار ظریفی است، که تنها استعداد و ابتکار فرمانده یا مدیر و آموزش مستمر فرهنگی نفرات می‌تواند آن را تضمین کند. بخش اعظم وقت و توان شهید صیاد شیرازی صرف هماهنگی بین ارتش و سپاه می‌شد؛ زیرا راهبرد ایشان وحدت عملیاتی بین نیروهای ارتش و سپاه بود. وی نقش میانجی و به عبارت بهتر نقش هماهنگ‌کننده سپاه و ارتش را داشت. این کار یکی از کارهای مشکل و در عین حال نهایت هنر ایشان در فرماندهی بود. با توجه به روحیات مذهبی و انقلابی شهید صیاد شیرازی، هم ارتش و هم سپاه نظریات او را قبول داشتند؛ چون ایشان خود یک چهره انقلابی داشت و در جریان پیروزی انقلاب حضور فعالی داشت. وی انسان متواضعی بود که بر دل‌های افراد حکومت می‌کرد و به عبارتی صیاد دل‌ها بود و بسیجیان و کارکنان سپاه به خاطر این خصوصیات، او را قبول داشتند و به فرامین او عمل می‌کردند. این شهید بزرگوار با زیردستانش امین، صریح و با صداقت بود (اعوانی، ۱۳۸۶: ۶۰).

ایشان در تصمیمات با هر دو گروه مشورت می‌کرد و به گونه‌ای بین شور و شوق جوانی و علم

و تخصص افراد باتجربه، توازن برقرار می‌کرد و برای امت اسلام در نبردها افتخار کسب می‌نمود. ایشان شخص صابری بود و به پیروزی حق علیه باطل معتقد بود. به راه خود که راه حق بود ایمان داشت و برای خدا می‌جنگید. فرماندهی صیاد شیرازی تلفیقی از شخصیت مذهبی ایشان و اجرای تعاریف دقیق نظامی بود. این فرمانده دلاور عقیده داشت که هرگاه با توکل بر خدا بجنگیم و دشمنان را سرکوب کنیم کاملاً امیدوارکننده است و نباید دچار آفت غرور شد (دهقان، ۱۳۷۸: ۳۱۴). کنترل عبارت است از توجه به نتایج کار و پیگیری برای مقایسه فعالیت‌های انجام‌شده با برنامه‌ها و اعمال اصلاحات مقتضی در مواردی که تصور می‌شود از اهداف، انحرافی صورت گرفته است. شهید صیاد شیرازی به بازرسی و کنترل عقیده داشت و همواره افراد متعهد و مورد وثوقی را برای انجام این کار منصوب می‌کرد. اما بازرسی و کنترل ایشان برای گرفتن خطاهای افراد نبود و مقصود و هدف او، پیشبرد کارها به صورت دقیق بود و صورت و جنبه مثبت بازرسی و کنترل را در نظر می‌گرفت. وی در این زمینه می‌گفت: «تعهد را در چهره خدمت بیابید، توکل را در خطرپذیری، شایستگی را در مسئولیت‌پذیری و ایثار را در عمل بیابید» (شکیبا، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۷).

ایجاد انگیزه و ابتکار: عبارت است از ایجاد شوق رسیدن به چیزی یا انجام کاری یا درک عقیده‌ای که باعث پویایی و تحرک در یک سازمان می‌گردد (کبیری، ۱۳۸۶: ۷۲). ایجاد انگیزه باعث حرکت نیروهای نهفته انسان‌ها در جهت تحقق اهداف می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷: ۷۳). روانشناسان معتقدند تشویق کارکنان و ایجاد انگیزه در آنان در موفقیت سازمان‌ها و یگان‌های تحت امر فرماندهان، نقش مؤثری دارد.

شهید صیاد شیرازی به فرماندهان و افراد زیردست خود اعتماد داشتند و خدمات آنها را ارزش‌گذار کرده و مشوق آنها بودند. وی علاوه بر تشویق‌های مادی برای ایجاد انگیزه از راهکارهای معنوی نیز بهره می‌گرفت، به عنوان مثال؛ افراد تحت امرش را به دیدار با علما و روحانیون سرشناس، حضرت امام (ره) و به سفرهای زیارتی اعزام می‌کرد که این کار باعث ایجاد انگیزه در افراد می‌گردید و باعث می‌شد تا آنها از تمام ظرفیت‌شان برای انجام کارها استفاده نمایند. ایشان گاهی در شرایط سخت عملیاتی با حضور خود در خطرناک‌ترین محل و مأموریت، انگیزه از

دست‌رفته و یا تضعیف‌شده رزمندگان را تقویت و مضاعف می‌نمودند.

شهید صیاد شیرازی جنگ را مردمی می‌دانست و می‌گفت: «تا مردم نباشند نمی‌توان در جنگ موفق شد». یکی از مهم‌ترین ابتکارات ایشان این بود که از همه امکانات استفاده کرد تا مردم بتوانند با سازماندهی وارد جبهه‌های جنگ شوند. ایشان علی‌رغم نظریات مخالف بعضی فرماندهان ارتش، سپاه و بسیج را به میدان جنگ وارد کردند. در جهت رسیدن به این هدف از پادگان‌های ارتش استفاده کرد و آنها را در اختیار سپاه و بسیج قرار داد. وی با این کار روح تازه‌ای به صحنه‌های جنگ تحمیلی دمید و چرخه نظامی کشور و ارباب جنگ را به حرکت در آورد. گواه این مطلب هم عملیات‌های پی‌درپی و موفق‌ی بود که در زمان فرماندهی این شهید بر صحنه‌های جنگی اعمال شد. اگر روند هشت ساله جنگ را در نظر بگیریم، شهید صیاد شیرازی در سال دوم جنگ فرماندهی نیروی زمینی ارتش را به عهده گرفت و از زمان فرماندهی تا ۸ ماه بعد از آن، اغلب اراضی اشغال‌شده توسط دشمن آزاد شد. یکی از ابتکارات دیگر ایشان این بود که دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش را تعطیل کرد و از اساتید آن دانشگاه، در طراحی عملیات‌ها استفاده کرد، به طوری که در یک مرحله، طراحی عملیات‌های کربلای ۱ تا کربلای ۱۰ به سرعت انجام شد. در سال دوم در مقابل یگان‌های زرهی دشمن، به دلیل محدودیت نیروهای خودی در یگان‌ها و تجهیزات زرهی، از نیروهای ضد زره استفاده شد و بیشتر عملیات‌ها به دلیل برتری هوایی دشمن در تاریکی شب و در شرایط غافلگیری انجام شد. همچنین در عملیات‌ها، به منظور ایجاد توازن قوا از اصل غافلگیری استفاده شد. ذکر مسئولیت‌های شهید صیاد شیرازی در این قسمت، مشخص می‌کند که وی در تمام مأموریت‌های خود نقش اول را دارا بوده و همواره مناصب فرماندهی داشته است. بنابراین تحقیق در مورد رفتار او در هر یک از مناصب می‌تواند به عنوان منش و روش وی در شرایط مختلف رزمی و غیر رزمی ارزیابی شود. شهید صیاد شیرازی قبل و بعد از انقلاب، در سازماندهی نیروهای انقلابی ارتش نقش به‌سزایی داشت. وی پس از پیروزی انقلاب، در بحبوحه غائله سال ۱۳۵۸ ضد انقلاب در کردستان، داوطلبانه وارد صحنه نبرد با ضدانقلاب شد و در مدت کوتاهی، با درخشش در صحنه کارزار و جنگ با ضد انقلاب، باعث شد تا به عنوان فرماندهی عملیات غرب کشور

برگزیده شود. او در پاکسازی کردستان به همراه شهید دکترچمران نقش مهمی ایفا نمود و افتخارات قابل ملاحظه‌ای کسب نمود. اولین عملیاتی که ایشان در آن شرکت کردند، عملیات شیندرا بود (صادقی گویا، ۱۳۷۹: ۳۳). مسئولیت جنگ با ضد انقلاب در کردستان، که در نهایت منجر به آزادسازی شهرها و مناطق حساس کردستان و آذربایجان غربی گردید، با وی بود. او در آن زمان فرماندهی منطقه غرب کشور را به عهده داشت.

پس از شهادت سرلشکر ولی الله فلاحی و تعدادی دیگر از فرماندهان ارتش و سپاه در ۹ مهر ۱۳۶۰، سرهنگ ظهیرنژاد (فرمانده وقت نیروی زمینی) به سمت رییس ستاد مشترک ارتش منصوب و سرهنگ صیاد شیرازی بنا به پیشنهاد رییس شورای عالی دفاع و با حکم حضرت امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش منصوب شد. او به عنوان فرمانده نیروی زمینی ارتش، با مشارکت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در عملیات‌های طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، رمضان، مسلم ابن عقیل، مطلع الفجر، محرم، والفجر ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، عملیات خیبر، بدر و قادر شرکت نمود و پیروزی‌های بزرگی را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان آورد. سرهنگ علی صیاد شیرازی در مرداد سال ۱۳۶۵ بنا به دلایلی از فرماندهی نیروی زمینی استعفا داد و با پیشنهاد آیت الله خامنه‌ای و تصویب امام خمینی (ره) به سمت نمایندگی امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع منصوب شد. در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ به درجه سرتیپی ارتقا یافت. سرتیپ علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۶۷ در عملیات مرصاد، زمانی که مرزهای غرب ایران مورد هجوم منافقین و ارتش عراق قرار گرفته بود، علی‌رغم اینکه هیچ‌گونه مسئولیت سازمانی نداشت، داوطلبانه به یاری رزمندگان شتافت (مومنی، ۱۳۸۲: ۹۳).

در مهر ۱۳۶۸، بنا به درخواست رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، و با موافقت و حکم فرماندهی کل قوا به سمت معاونت بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد. در شهریور ۱۳۷۲ به سمت جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و در ۱۶ فروردین، ۱۳۷۸ همزمان با عید غدیر خم از سوی فرمانده کل قوا به درجه سرلشکری نائل آمد که این درجه پس از شهادت وی به سپهبدی ارتقا یافت. وقتی که ایشان توسط آیت الله العظمی خامنه‌ای به درجه سرلشکری رسیدند به خانواده‌شان

گفتند که «دعا کنید من شهید شوم» (معراجی پور، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در قسمت‌های گذشته این مقاله ویژگی‌های مدیر و فرمانده و تطبیق آن را با شهید صیاد شیرازی بیان نمودیم. اکنون به تجزیه و تحلیل وظایف مدیریت و فرماندهی شهید در هشت سال دفاع مقدس در مقایسه با آموزه‌های اسلامی پرداخته می‌شود:

تصمیم‌گیری: با توجه به تعاریف تصمیم‌گیری که انتخاب بهترین راه‌حل از میان راه‌حل‌های مختلف است، شهید صیاد شیرازی با توجه به وظایف و مسئولیت‌های خطیری که در زمان جنگ داشته‌اند و با توجه به مسأله جنگ و اهمیت آن، بارها و بارها بر سر دوراهی تصمیم‌گیری‌ها قرار گرفتند، که نمونه‌هایی از آن در بالا ذکر شده است. ولی همیشه اهمیت تصمیم‌گیری در مسائل نظامی و امنیتی در پیش ایشان بسیار بالا بود؛ زیرا اولاً بسیاری از تصمیمات ایشان با توجه به مسئولیت‌شان با نظام جمهوری اسلامی سروکار دارد و ثانیاً با جان انسان‌ها و همچنین در شرایط بحرانی و جنگ، تصمیم‌گیری برای مسئولان و فرماندهان عالی جنگ بسیار سخت و تعیین‌کننده است؛ زیرا در این مواقع موانعی وجود دارد که عبارتند از: محدودیت زمان، کمبود اطلاعات، محدودیت منابع و تهدیدات دشمن، و اینها تنگناهای سختی را ایجاد می‌نماید. گرفتن چنین تصمیمات سختی، آن هم در این شرایط سخت ایمان راستین به هدف و شجاعت و قاطعیتی بالا می‌خواهد و این همان چیزی است که در صیاد به عنوان یک فرمانده انقلابی و اسلامی نمایان است. در جایی که تمام کارها گره خورده بود او با توکل بر خداوند و با سعه صدر کارها را دنبال می‌کرد و با قدرت و شجاعت کامل تصمیم می‌گرفت. با توجه به مطالب ذکرشده تصمیمات اتخاذشده ایشان مبتنی بر مدیریت بحران، فرماندهی بر صحنه‌های جنگ و ریسک‌پذیری در فرآیند تصمیم‌گیری است. با عنایت به شخصیت شهید صیاد و ارزش‌های فردی وی، می‌توان گفت به هنگام تصمیم‌گیری، ریسک‌پذیری این فرمانده دوران دفاع مقدس همواره مبتنی بر انقلابی بودن، تخصص، تعهد، دانش، سجایای اخلاقی، مشورت با خبرگان و توکل بر خدا بوده است و همیشه «فاذا عزمتم فتوکل علی الله» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) را مد نظر داشته و بر این اساس تصمیمات

اتخاذشده را اجرا نموده که در نوع خود بی نظیر بوده است.

برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی را انتخاب راه و روشی مناسب برای بهتر رسیدن به هدف تعریف نمودیم. بی شک در دنیای امروز موفق‌ترین افراد کسانی هستند که در برنامه‌های زندگی خود اعم از شخصی یا شغلی دارای برنامه‌ریزی قوی و کارآمد و مبتنی بر واقعیات و حقایق هستند. برای یک برنامه‌ریزی دقیق و کارا باید هدف مشخص داشت. هدفی که در روح و روان صیاد رخنه کرده بود، دفاع از انقلاب اسلامی بود و این هدف والا بود که او را وادار به داشتن برنامه‌های کارآمد می‌کرد. از نگاه شهید بزرگوار صیاد شیرازی برنامه‌ای کارآمد است که دارای شرایط زیر باشد:

الف) دقیق و از نظر کمی و کیفی کاملاً روشن باشد.

ب) جنبه عملی داشته و از هرگونه کلی‌گویی پرهیزد.

ج) در برنامه‌ریزی همواره بایستی مقدمات خود را مدنظر داشت.

د) جوانب کار را سنجید و احتمالات در نظر گرفته شود.

با بررسی اجمالی به نظرات شهید و همچنین عملکرد ایشان در دوران دفاع مقدس، پس از آن و همچنین مستندات بیان شده بالا، می‌توان به راحتی دریافت ایشان هم در زندگی خصوصی خود و هم در محل کار همواره با تاسی از ائمه اطهار علیهاالسلام و پیامبر اسلام(ص) همه کارهایشان را زیر نظر داشته و داری برنامه‌ریزی قوی بوده‌اند. همچنین خود را ملزم به اجرای برنامه‌های برنامه‌ریزی شده و کارشناسی شده می‌دانسته است و موفقیت ایشان در اکثر کارها ناشی از همین عوامل است.

سازماندهی: فرآیندی که طی آن تقسیم کار میان افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی میان آنان به منظور کسب اهداف صورت می‌گیرد. سازماندهی در تعاریف اسلامی هم به معنی تقسیم کار در یک مجموعه بیان شده است. همچنین در زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام و پیامبر اسلام(ص) به وفور این مهم دیده می‌شود که ایشان همواره در کارها و غزوات و... تقسیم کار می‌فرمودند و کار را به دست شایسته‌ترین افراد می‌سپردند.

با بررسی در احوال شهید صیاد شیرازی، پی به این نکته می‌بریم که ایشان همواره در مجموعه تحت امر خود تقسیم کارها را مدنظر داشته و به صورتی تقسیم کار می‌نمودند که هیچ کاری

بدون مسئول نماند و هر کاری را دقیقاً به کسی می‌سپردند که بتواند از عهده انجام آن برآید و در عین حال هیچ‌گونه تضاد و تداخلی در اجرای امور پیش نیاید. شهید صیاد شیرازی همواره در واگذاری مسئولیت‌ها به افراد به لیاقت، استعداد، تخصص و همچنین تعهد افراد بسیار توجه می‌نمود و آن را مد نظر داشت و این از انتصابات افراد در مشاغل مختلف از طرف ایشان مشهود است.

هماهنگی و کنترل: هماهنگی ایجاد موازنه و تطبیق بین وظایف متعددی است که واحدهای مختلف سازمان به منظور تأمین هدف مشترک انجام می‌دهند و کنترل نظارت بر مسیر کار و گرفتن بازخورد و رفع معایب است.

اسلام پیروزی را از آن ترکیب صحیح و هماهنگ می‌داند و بر آن تأکید دارد. برای نمونه ناهماهنگی در لشکر اسلام در جنگ احد سبب شد که شکست سختی به لشکر اسلام وارد شود و ضایعاتی در حدود هفتاد شهید به بار آورد.

در میان انبوه وظایف و اموراتی که در سازمان‌ها و ادارات وجود دارد، عامل هماهنگی باعث می‌شود که هر کار در جای خود صورت پذیرد و از موازی کاری و همچنین برخورد وظایف با همدیگر جلوگیری شود و ثمره این عامل جلوگیری از اتلاف وقت و فرسایش نیرو و امکانات سازمان‌ها است.

کنترل، عامل مهم دیگری است که اغلب موارد همراه با هماهنگی ذکر می‌شود. ایجاد هماهنگی نیاز به نظارت و کنترل هم دارد؛ یعنی بایستی همواره مسیر کار را چک و معایب را رفع نمود. شهید صیاد شیرازی علاوه بر مسئولیت‌های سنگینی که در زمان جنگ و پس از آن داشتند، به تبع آن دارای وظایف زیادی هم بودند و انجام این وظایف نیاز به هماهنگی و کنترل دقیق و نظارت مستمر داشت. یکی از این وظایف که می‌توان گفت کار مهمی هم بود هماهنگی‌های عملیات‌ها بین ارتش و سپاه بود، که نیاز به دانش و تعهد و اخلاص خاص خود را داشت، که بتوان بین سلايق مختلف این مهم را به عمل آورد. شهید صیاد شیرازی در خصوص نظارت و کنترل هم دارای تبحر خاصی بودند و همیشه در انجام بازرسی‌ها از افراد متخصص و مورد اعتماد استفاده می‌کردند. هدف اصلی ایشان از انجام نظارت‌ها و کنترل در نیروهای مسلح مچ‌گیری نبود، بلکه

هدف رفع معایب و ایرادات سازمان بود و این در جای جای مسئولیت‌های ایشان مشهود است و این مدل نظارت‌ها بود که باعث رفع معایب به معنی واقعی و به تبع آن ایجاد روحیه برای انجام صحیح‌تر امور و در نتیجه موفقیت بهتر بود.

ایجاد انگیزه: انگیزه را چنین تعریف نمودیم: "حالتی درونی که انسان را به انجام فعالیت وا می‌دارد." این حالت درونی چیست که اینچنین در پیشبرد اهداف سازمان تأثیر دارد و رضایت افراد را هم به دنبال دارد؟ زیرا افراد با خواست و اراده خود و به دور از هرگونه اجبار به فعالیت می‌پردازند. به نظر می‌رسد این عامل جدای از عوامل روحیه‌ساز عادی مانند تشویقات و غیره، عامل مهم دیگری به نام "رهبری" و یا به عبارتی نفوذ بر قلب‌ها است. این چیزی نبود مگر همان صداقت و راستی گفتار، درستکاری و ایراد خطبه‌های مهیج صیاد و شاگردی در مکتب اسلام که در زمان جنگ نشأت گرفته از نفس‌های روح‌بخش رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) و پس از آن دوران، نفس قدسی رهبر و مقتدایش حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) بود. آری او با باور درونی و همین اوصاف مقدس به آرزوی دیرینه خویش یعنی شهادت در رکاب ولایت رسید. روحش شاد.

شهید صیاد شیرازی صیاد دل‌ها بود. ایشان با شیوه‌های منحصر به فردی که داشت باعث می‌شد که نیروهای نهفته افراد را به خدمت بگیرد و از آن در جهت پیشبرد اهداف انقلاب و نظام استفاده نماید. یکی از این شیوه‌ها دیدار افراد با حضرت امام (ره) و دیدار با علما و انجام سفرهای زیارتی بود که در آنها جان تازه‌ای می‌دمید. تزریق معنویت با استفاده از نفس روح‌بخش عالمان اسلام و آراسته نمودن اخلاق و رفتار زبردستان به اخلاق و رفتار اسلامی و استفاده از منبع عظیم و تمام‌نشدنی بسیج و نیروهای جان برکف سپاه، در کنار ارتش و جدا نداشتن این‌ها از همدیگر و اعتقاد به مردمی بودن جنگ، یکی دیگر از این شیوه‌ها بود، که باعث تحرک و پویایی صحنه نبرد گردیده بود.

نتیجه‌گیری

شهید صیاد شیرازی نمونه‌ای از یک فرمانده موفق و مکتبی و ولایت‌مدار است. ایشان در

مسئولیت‌هایش به مفاهیم خوشخویی، مهربانی، گذشت، مشاوره در تصمیم‌گیری و تلاش در جهت خشنودی و اعتماد به خدا عمل کرد و تربیت قرآنی را در زندگی پیشه خود ساخته بود، از جمله؛ آیه ۱۵۹ سوره عمران "فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَكَوْنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفُسُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ"، را به عنوان منش و روش خود برگزیده بود.

شجاعت، تهجد، تعبد، ایمان و اخلاص، او را به مرتبه‌ای رسانده بود که در تصمیم‌گیری‌ها مقررات، معادلات و فرمول‌هایی که به عنوان نظریه‌های علمی و نظامی جنگ مطرح بودند را با بنیان "وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ" به کار می‌گرفت و از ورود به صحنه‌های خطرناک تصمیم‌گیری درنگ نمی‌کرد. گویی تعهد و تقوی و ایمان به غیب به مصداق آیه شریفه «ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا»، به او معرفتی شهودی بخشیده بود. شاید همین تفاوت و تمایز او با دیگر فرماندهان و کارشناسان نظامی باعث بعضی اختلاف نظرها می‌شد. البته انضباط و دیسپلین نظامی همیشه این شکاف را پر می‌کرد و مانع از بی‌انضباطی و عدم اجرای فرامین می‌شد. چه بسا اگر روح ایمانی آن شهید عزیز نبود، سرنوشت جنگ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. مگر نه این است که خداوند در قرآن می‌فرماید: "إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ" (فصلت-۳۰) او به آیات قرآن و احادیث و روایات رسیده از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهما السلام سخت اعتقاد داشت و نزول ملائکه در شرایط مقاومت را یقین می‌دانست و همیشه در بیانات و استدلال‌های عملیاتی به آیات الهی تمسک می‌جست و به آن‌ها استناد می‌کرد به نوعی که گویا از آنها تغذیه می‌کند و نشاط روحی و حیات می‌گیرد. ایشان معتقد بودند که هیچ کلامی در اسلام بی‌حکمت نیست (اسدی، ۱۳۸۴: ۴۴). ایشان ضمن احترام به رعایت اصول علمی در کارها یک فرمانده تکلیف‌محور بود و می‌گفت: «من یک سرباز کوچک اسلام هستم».

بنابراین سبک فرماندهی و مدیریت شهید صیاد شیرازی با ترکیب خصوصیات فردی و سازمانی وی که حاوی سجایای اخلاقی و دینی به همراه علم و دانش بود، می‌تواند نمونه یک الگو برای

فرماندهی و مدیریت در عرصه نظامی باشد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. اسدی، هیبت الله (۱۳۸۴)، هر چند دیر، تهران، انتشارات ایران سبز.
۳. اعوانی، علی (۱۳۸۶)، سخن آشنا، تهران، نشر آجا.
۴. اقتداری، علی محمد (۱۳۷۵)، سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات مولی.
۵. اکبری، علی اکبری (۱۳۸۶)، صیاد شیرازی، تهران، نشر یا زهرا سلام الله علیها.
۶. الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۰)، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران، انتشارات سمت.
۷. امجدی، عبدالحکیم (۱۳۸۴)، تئوری تصمیم‌گیری، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
۸. انبارداران، امیرحسین (۱۳۸۱)، امیر دلاور، تهران، نشر شاهد.
۹. دهقان، احمد (۱۳۷۸)، ناگفته‌های جنگ، تهران، انتشارات اسوه.
۱۰. حسینی، احمد (۱۳۸۶)، جلوه یار، تهران، ایران سبز.
۱۱. حسینی، احمد (۱۳۸۸)، صیاددل‌ها، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. حسینی، سیدناصر (۱۳۸۳)، فرماندهی و مدیریت به سبک شهید صیاد شیرازی، تهران.
۱۳. رشیدزاده، فتح الله (۱۳۸۷)، منش و رفتار فرماندهی (جلد ۳)، تهران، انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
۱۴. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۸۶)، مدیریت و فرماندهی سازمان بسیج، تهران، انتشارات فرماندهی آموزش نمسا.
۱۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۳)، مدیریت و فرماندهی، تهران، انتشارات معاونت

آموزش دانشگاه امام حسین علیه‌السلام.

۱۶. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۸۴)، مدیریت و فرماندهی، تهران، انتشارات معاونت آموزش نرسا.

۱۷. شکبیا، حمید (۱۳۸۸)، نردبان طلایی، تهران، ایران سبز.

۱۸. صادقی گویا، علی (۱۳۷۹)، عملیات شیندرا، تهران، هیأت معارف جنگ.

۱۹. صیاد شیرازی، علی (۱۳۸۱)، یادداشت‌های ویژه شهید سپهد علی صیاد شیرازی، تهران، ایران سبز.

۲۰. کبیری، قاسم (۱۳۸۶)، مبانی رفتار سازمانی، استیفنز رابینز، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، مدیریت و فرماندهی در اسلام، قم، انتشارات حوزه علمیه قم.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، مدیریت و فرماندهی در اسلام، تهران، انتشارات هدف.

۲۳. مومنی، محسن (۱۳۸۲)، در کمین گل‌سرخ، تهران، انتشارات سوره مهر.

۲۴. معراجی‌پور، محبوبه (۱۳۸۵)، عاشق‌ترین صیاد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۵. میرشفیعی، نصرالله و الوانی، مهدی (۱۳۶۸)، مدیریت تولید، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی.

۲۶. نبوی، محمدحسن (۱۳۸۶)، مدیریت اسلامی، تهران، موسسه بوستان کتاب.

۲۷. نوروزی فرسنگی، احمد (۱۳۸۵)، منش فرماندهی، تهران، انتشارات عرشان.

۲۸. ویسی، غلامرضا و سوادی، محمدعلی (۱۳۸۵)، رفتار سازمانی در نگاه مدیریت اسلامی، تهران، زمزم هدایت.

بررسی نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز

دکتر محمد بیگلری^۱

محمد چراغی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

این پژوهش متأثر از پیچیدگی شرایط و فراوانی متغیرها، تنوع تهدیدها و وجود چالش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جنگ ناهمتراز است که با توجه به اهداف متعالی انقلاب اسلامی و توصیه‌های مؤکد در موفقیت نبرد، تجارب ارزشمند در دوران دفاع مقدس و ویژگی‌های جنگ ناهمتراز، نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در جنگ ناهمتراز در یگان‌های نرسا را تبیین و به رشته تحریر در می‌آورد و الگوی مناسبی را به منظور کاهش ضریب تلفات نیروی انسانی در نبردهای احتمالی آینده ارائه می‌کند. از نظر هدف نیز، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی، تحلیلی و پیمایشی بوده و روش گردآوری داده‌ها به صورت پرسشنامه بسته با مقیاس چند درجه‌ای لیکرت در تهیه آن از ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه‌ها استفاده شده است. جامعه آماری آن را خبرگان بهداری رزمی تشکیل می‌دهند و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شده و اعتبار ابزار اندازه‌گیری براساس آلفای کرونباخ ۹۱ درصد بوده و نتایج با سطح اطمینان ۹۸ درصد به دست آمد که نشانگر آن است که مؤلفه‌ها تأثیر به‌سزایی دارند. در این میان به ترتیب مؤلفه‌های فنی آماد و مخابرات (۳/۶۶) و مأموریتی نظامی (۳/۵۱) و فنی ترابری و تجهیزات پزشکی (۳/۴۸) و نیروی تخصصی و عمومی (۳/۴۳) از بیشترین تأثیر برخوردار بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جنگ ناهمتراز، واحدهای جراحی سیار صحرائی، یگان‌های رزم نرسا (نیروی زمینی سپاه)، امداد و انتقال مجروحان و مصدومان.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

۲. کارشناسی ارشد مدیریت دفاعی.

مقدمه

چیزی که امروز به عنوان دانش نظامی در دنیا وجود دارد، متعلق به یک حکومت خاص و دولت خاص نیست، این ذخیره تمدن و فرهنگ طولانی بشر است (مقام معظم فرماندهی کل قوا). پزشکی نظامی؛ دانشی است شامل علوم بهداشتی، درمانی که با علوم نظامی تلفیق شده است و ارائه خدمات بهداشتی، امدادی و درمانی در سازمان‌های نظامی (کارکنان نظامی) را به عهده دارد. در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان (کشورهای استکباری) این دانش ابعاد وسیع و فراوانی یافته است و خدمات بهداشتی، درمانی فقط بخشی از فعالیت‌های آن را در بر می‌گیرد. در عصر حاضر با توجه به تهدیدها، ضرورت و نیاز ایجاب می‌کند برای حفاظت و دفاع در برابر تجهیزات و سلاح‌های نوین آمادگی بیشتری ایجاد شود. لازمه محقق کردن این خواسته سرمایه‌گذاری و گسترش و توسعه شبکه بهداشت و درمان است. سهم سازمان‌های نظامی بالنسبه در این مقوله بیشتر و سنگین‌تر است. اصولاً طب رزم با سازمان نظامی عجین شده و پیوند محکمی داشته و این پیوند به حدی است که سیاست و خط مشی، بهره‌گیری و استفاده از نیروی نظامی را سیستم بهداشت و درمان (طب رزم) آن سازمان تعیین می‌کند تا آنجا که بهداری سازمان، مدل‌های رفتاری و فعالیت‌های جسمانی و روانی کارکنان را تحت نظر و کنترل داشته و به عبارتی تعیین‌کننده فعالیت نیرو با توجه به وضعیت جسمانی و روانی او در سازمان نظامی است. مجموعه‌های امدادی، بهداشتی و درمانی کوچک، سبک، متحرک و هم‌پا با یگان مثل واحدهای جراحی سیار صحرایی در درون سازمان‌های نظامی در جنگ ناهم‌تراز نقش بسیار حساس و تعیین‌کننده دارند. این مجموعه‌ها ضمن اینکه با بازسازی و ترمیم از ریزش و کاهش نیروی انسانی در صحنه نبرد جلوگیری می‌کنند، قادرند از یک طرف اضطراب، دلواپسی و دغدغه فرماندهان را کاهش داده و از طرف دیگر روحیه، استقامت، شجاعت و... کارکنان نظامی را در حین اجرای عملیات بالا ببرند. با این پژوهش، می‌توان موجبات کاهش هزینه‌ها، کاهش ضریب تلفات انسانی، بومی‌سازی سازه‌ها، افزایش توان رزم و افزایش بهره‌وری از امکانات، تجهیزات، نیروی تخصصی و... در یگان‌های رزمی را فراهم کرد.

بیان مسأله

موفقیت در جنگ به عنوان یک پدیده که عزت و ذلت یک جامعه را محقق می‌سازد، متأثر از عوامل متعددی است. صاحب‌نظران حوزه جنگ و دفاع بر این باورند که برای پیروزی در هر نبردی، از عوامل متعدد و مختلفی مانند عوامل فیزیکی، غیر فیزیکی و برتری‌ساز استفاده خواهد شد. با توجه به نوع تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران و مقابله نیروهای مسلح (به ویژه سپاه پاسداران) در جنگ احتمالی آینده، لازم و ضروری است تا تمامی عوامل در معامع دانشگاهی و علمی بررسی و تحقیق شده، و یک بار دیگر بازنگری شوند. در همین رابطه، فرماندهی کل قوا، حضرت امام خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در موارد متعددی بر ضرورت استفاده و بهره‌گیری صحیح از تجارب گرانقدر و ارزشمند دوران دفاع مقدس تاکید می‌نمایند. با توجه به رهنمودهای معظم‌له و در راستای کاربردی نمودن تأثیر این عوامل در نبردهای احتمالی آینده و شرایط سیاسی و نظامی منطقه و جهان احتمال درگیر شدن نظام جمهوری اسلامی ایران در یک جنگ ناخواسته و نابرابر، فقدان پرداختن به چنین موضوعی و عدم استفاده از تجربیات گذشته می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به نیروهای مسلح کشور تحمیل کند و دشمن را در استفاده از فناوری پیشرفته و ابزار و تجهیزات جنگی خود موفق و بهره‌مند گرداند. با بررسی‌های به عمل آمده از عوامل فیزیکی (یگان‌های رزمی، یگان‌های پشتیبانی رزمی و یگان‌های پشتیبانی خدمات رزمی) به خصوص پشتیبانی خدمات رزمی، از جمله بهداری رزمی، ملاحظه شد که هم اکنون در دانشکده‌های نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (دافوس سپاه و ارتش) تدریس نمی‌شوند. با توجه به این مسائل، محقق به دنبال این است که از مجموع این عوامل صرفاً به بررسی نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در جنگ ناهمتر از در یگان‌های رزم نرسا (نیروی زمینی سپاه) به منظور همپایی با یگان‌های رزم، کاهش ضریب تلفات و کسورات نیروی انسانی و رفع ابهامات و دغدغه فرماندهان یگان‌ها پردازد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

شناخت نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی و خوداتکا در یگان‌های رزم نیروی زمینی سپاه در

شرایط جنگ ناهمتراز.

اهداف فرعی

- الف) شناخت نقش شاخص‌های فنی و مهندسی در واحدهای جراحی سیار صحرائی و خوداتکا در یگان‌های رزم نیروی زمینی سپاه در شرایط جنگ ناهمتراز؛
- ب) شناخت نقش شاخص‌های مأموریتی نظامی در واحدهای جراحی سیار صحرائی و خوداتکا در یگان‌های رزم نیروی زمینی سپاه در شرایط جنگ ناهمتراز؛
- ج) شناخت نقش شاخص‌های مأموریتی پزشکی در واحدهای جراحی سیار صحرائی و خوداتکا در یگان‌های رزم نیروی زمینی سپاه در شرایط جنگ ناهمتراز؛
- د) شناخت نقش شاخص‌های فنی آمادی و مخابراتی در واحدهای جراحی سیار صحرائی و خوداتکا در یگان‌های رزم نیروی زمینی سپاه در شرایط جنگ ناهمتراز؛
- ه) شناخت نقش شاخص‌های فنی ترابری و تجهیزات پزشکی در واحدهای جراحی سیار صحرائی و خوداتکا در یگان‌های رزم نیروی زمینی سپاه در شرایط جنگ ناهمتراز؛
- و) شناخت نقش نیروی انسانی تخصصی و عمومی در واحدهای جراحی سیار صحرائی و خوداتکا در یگان‌های رزم نیروی زمینی سپاه در شرایط جنگ ناهمتراز.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا (نیروی زمینی) در شرایط جنگ ناهمتراز چیست؟

سؤالات فرعی

- ۱- نقش شاخص‌های فنی و مهندسی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز چیست؟
- ۲- نقش شاخص‌های مأموریتی، نظامی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز چیست؟
- ۳- نقش شاخص‌های مأموریتی پزشکی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در

یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز چیست؟

۴- نقش شاخص‌های فنی آمادی و مخابراتی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در

یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز چیست؟

۵- نقش شاخص‌های فنی ترابری و تجهیزات پزشکی در واحدهای جراحی سیار صحرائی

خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز چیست؟

۶- نقش نیروی انسانی تخصصی و عمومی از نظر کمی و کیفی در واحدهای جراحی سیار

صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز چیست؟

محیط و قلمرو تحقیق

۱- زمانی: شامل بازه زمانی گذشته، حال و آینده است.

۲- مکانی: در سطح یگان‌های نرسا قابل بهره‌برداری و استفاده خواهد شد.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است که از ابزارهای مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (به منظور مطالعه سوابق و مبانی نظری تحقیق) و از ابزار پیمایشی (پرسشنامه) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده و سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد آزمون قرار گرفته و با استدلال‌های قیاس عقلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

تعاریف لغوی و اصطلاحی جنگ

واژه جنگ در لغتنامه‌های فارسی به معنی نبرد، کارزار، زد و خورد، پیکار، کشتار میان چند تن و یا میان سپاهیان دو کشور آمده است. واژه WAR از ریشه انگلوساکسون و weare که به ریشه فرانسه guerre و ریشه آلمانی wirt مربوط می‌شود به معنی آشفتگی است؛ آشفتگی در نظم عادی و آیین صلح. از این رو می‌توان به نزاع و کشمکش نیز تعبیر کرد؛ نزاع و کشمکش که دلالت بر منازعه بین گروه‌های عمده مانند طوایف، قبایل، اجتماعات مذهبی و یا گروه‌های

اجتماعی و دولت‌ها دارد.

سون تزو می‌گوید: «جنگ یکی از مسائل جدی و با اهمیت دولت است و مستلزم مطالعه عمیق است».

کلازوویتس می‌گوید: «جنگ عمل خشونت‌باری است که به منظور وادار کردن حریف به اجرای خواسته طرف دیگر انجام می‌گیرد، وسعت فداکاری‌های در جنگ، توجیه عقلانی جنگ است، پس باید با تمام وجود و به طور کامل جنگید». به عقیده کلازوویتس برتری سیاسی یکی از اصول مهم و مورد قبول در جنگ است و در واقع تنها یک وسیله است و جنگ‌ها تبلور و تجلی سیاست‌ها هستند.

نیچه معتقد بود: «انگیزه خوب، جنگ را مشروع می‌کند و جنگ خوب نیز هر انگیزه‌ای را مشروع می‌کند». او می‌گوید «جنگ باید بی‌رحمانه و عاری از ترحم باشد تا نتیجه قطعی حاصل شود. جنگ و شهادت بیش از نوع دوستی، منشأ تحولات بزرگ بوده‌اند»؛ بنابراین جنگ را عصاره تمدن و مدنیت می‌شمارد.

مالینوفسکی پژوهشگر و انسان‌شناس معاصر نیز جنگ را به کارگیری نیروی سازماندهی شده میان دو واحد مستقل سیاسی به منظور آنکه هر دو واحد سیاست خویش را دنبال نمایند، تعریف می‌کند (کشاوری، ۱۳۸۴: ۳۲).

جنگ از دیدگاه اسلام

در اسلام واژه جنگ در کلمه «قتال» آورده شده است و آن را در اوقاتی که به خاطر تحقق آرمان‌های اسلام انجام می‌شود جهاد تعبیر نموده است. جهاد در لغت به معنی تلاش و کوشش همراه با تحمل مشقت برای رسیدن به هدف است و در اصطلاح فقها عبارت است از نهایت تلاش و کوشش با مال و جان در مبارزه با دشمنان حق برای اعتلای کلمه الله و از بین بردن آیین شیطان البته ویژه خاص چنین جهادی الله بودن (صرفاً برای خدا بودن) آن است (توضیح المسائل امام خمینی^(ره)، مسأله ۲۸-۲۷).

جنگ ناهمتر از

تفاوت در عده و عُده، شیوه‌ها، ابزار، فناوری و غیره بین طرفین درگیر جنگ گاه چنان متمایز و

مشهود است که یکی از آنها را در موقعیت برتر قرار می‌دهد و از آنجاست که موضوع عدم تقارن مطرح می‌گردد (دانیالی، ۱۳۸۳: ۵).

واحد جراحی سیار صحرائی خوداتکا

به سامانه‌ای انعطاف پذیر اطلاق می‌شود که به منظور ارائه خدمات نجات بخش پزشکی و جراحی مجروحان، مصدومان و بیماران بدحال ایجاد شده و دارای امکانات تشخیصی پیشرفته است. با توجه به نوع یگان، مأموریت، موقعیت جغرافیایی، وضعیت‌ها، محدودیت‌ها و ضرورت‌های عملیاتی؛ می‌تواند به سازه، استعداد نیروی تخصصی و سازمان مختلف همپا با یگان اجرای مأموریت نماید.

۱- **واحد جراحی سیار صحرائی:** مکانی است که به منظور ارائه خدمات نجات بخش پزشکی و جراحی مجروحان بدحال ایجاد شده و دارای امکانات تشخیصی پیشرفته است.

۲- **خوداتکا:** میزان عدم وابستگی یک سازه جراحی سیار به دریافت خدمات جانبی برای ارائه خدمات به مدت حداقل ۴۸ ساعت (نرسا، ۱۳۸۷: ۸).

۳- **جنگ ناهمتراز:** به کارگیری رویکردهای غیر قابل پیش‌بینی یا غیر متعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او، از طریق فناوری‌های غیر قابل انتظار یا روش مبتکرانه (مکنزی، ۱۳۸۲: ۵).

۴- **نقش عملیاتی واحد جراحی:** کاهش ضریب تلفات نیروی انسانی، افزایش روحیه رزمندگان، برطرف کردن دغدغه فرماندهان.

۵- **موبایل کردن سامانه:** به همراه و همپا کردن سامانه‌های تاکتیکی بهداری با یگان‌های عملیاتی گفته می‌شود (نرسا- ستاد تدوین آیین‌نامه‌ها، آیین‌نامه بهداری رزمی ۱۳۸۶: ۴).

۶- **مراکز امدادی درمانی:** منظور از مراکز درمانی در این آیین‌نامه، پست امداد، اورژانس مجروحان اورژانس مصدومان نقاهتگاه، ایستگاه مراقبت‌های بهداشتی و سامانه تاکتیکی می‌باشند که ممکن است به صورت ثابت یا متحرک باشند.

۷- **زنجیره امداد و انتقال:** به سیر مراحل امداد و انتقال مجروحان و مصدومان از خط مقدم و یا منطقه مأموریتی تا آخرین مرکز امدادی درمانی را که معمولاً به وسیله بهداری هر رده طراحی می‌شود زنجیره امداد و انتقال می‌گویند که معمولاً به صورت ترسیمی نمایش داده می‌شود (نرسا،

ستاد تدوین آیین‌نامه‌ها، ۱۳۸۶: ۴).

۸- بیمارستان صحرائی: مکانی است که به منظور ارائه خدمات نجات‌بخش پزشکی و جراحی مجروحان بدحال ایجاد شده و دارای امکانات تشخیصی پیشرفته است.

مأموریت و وظایف واحد جراحی سیار

الف) مأموریت:

”حفظ حیات رزمندگان و انجام جراحی‌های نجات‌بخش و ارائه خدمات امدادی، بهداشتی و درمانی به مصدومان، مجروحان و بیماران اورژانسی و کنترل و تثبیت وضعیت آنان.

ب) وظایف:

ارائه خدمات امدادی و درمانی تخصصی و نجات‌بخش به مجروحان، مصدومان و بیماران نیازمند در عملیات‌های مختلف پذیرش مجروحان بدحال از مراکز امدادی تحت پوشش که بنا به تشخیص پزشکان برای اعمال جراحی یا مراقبت‌های ویژه اعزام شده‌اند (اورژانس)، انجام تریاژ و تعیین و تثبیت وضعیت مجروحان مصدومان و بیماران و انتقال آنان به سطوح بعدی، انتخاب مجروحان و مصدومان نیازمند به اقدامات جراحی حیات‌بخش، انجام عملیات CSR، کنترل خونریزی، حفظ و نگهداری مجروحان و مصدومان، هماهنگی در انتقال مجروحان و مصدومان به مراکز درمانی مجهزتر.

حیطه عمل واحد جراحی سیار

۱- تیپ‌های رزمی و همتراز ۲- لشکر عملیاتی و همتراز ۳- مراکز بهداری رزمی نیروها در مناطق عملیاتی ۴- یگان‌هایی که قادر به احداث سامانه جراحی سیار هستند (دانشگاه علوم پزشکی

بقیه‌الله (عج) ۱۳۸۷: ۳ و ۴).

اصول حاکم بر واحد جراحی سیار

واکنش سریع و به هنگام، تحرک پذیری، کوچک و چند منظوره‌سازی، رعایت پدافند غیر عامل، اصل خوداتکایی و استقلال عملیاتی داشتن، سرعت در چیدمان و نصب سریع، اصل مطابقت با نیازها و مأموریت، تنوع در آرایش پذیری، صرفه‌جویی در منابع، عدم وابستگی و بومی‌سازی و بهره‌گیری از تولیدات داخلی، استفاده از فناوری‌های روز، اجرای مأموریت مستمر، هماهنگی و هم‌افزایی شبکه امداد و درمان، قابلیت اجرای مأموریت در شرایط مختلف اقلیمی و جغرافیایی،

استحکام، استاندارد بودن، متحرک‌سازی و قابلیت حمل آسان و سیال بودن (دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج) ۱۳۸۷: ۴ و ۳).

مشخصات عملیاتی واحد جراحی سیار

با توجه به نوع کاربری در طراحی سامانه‌های جراحی تاکتیکی موارد زیر باید لحاظ شود: قابلیت حمل آسان از طریق زمین (توسط خودرو و ریلی) و از هوا (توسط هواپیما و بالگرد) را دارا باشد، حداکثر زمان نصب و راه‌اندازی، یک ساعت در نظر گرفته شود، قابلیت نصب و استفاده در تمام شرایط جغرافیایی و آب و هوایی را دارا باشد، و انعطاف و توسعه‌پذیری در چیدمان با توجه به نیاز و موقعیت را دارا باشد (س، ک، ن، م، معاونت بهداشت و درمان، ۱۳۸۷: ۳).

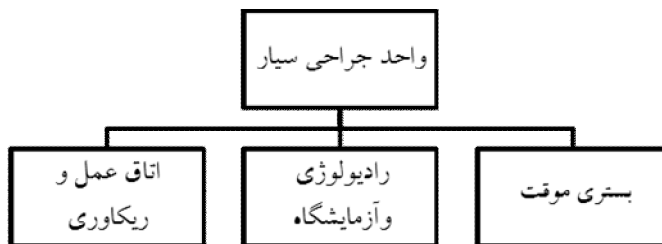
انواع اعمال جراحی نجات‌بخش

لاپاراتومی اورژانس، توراستنز و لوله‌سینه‌ای، شستشو و خارج کردن جسم خارجی از زخم‌ها، ثابت کردن شکستگی‌ها، کات دان، کریکوتایپرکتومی و تراکئوستومی، سرم‌تراپی و مراقبت اولیه از زخم‌ها و سوختگی‌ها، کنترل خونریزی‌های داخلی و خارجی تهدیدکننده حیات، توراتوکتومی، پریکارد و سنتز، برقراری راه‌هوایی (لوله‌گذاری و CPR)، اقدامات اولیه مورد نیاز برای حفظ حیات مصدوم و مجروح، توانایی انجام اقدامات اولیه جراحی اورژانسی رشته‌های مختلف پزشکی (دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، ۱۳۸۷: ۴ و ۳).



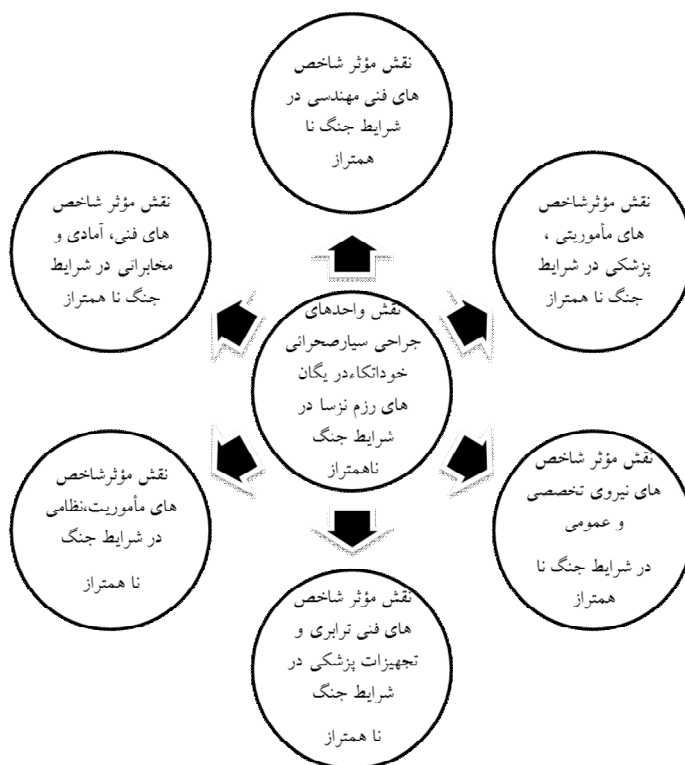
نمودار شماره ۱: زنجیره امداد، انتقال و درمان مجروحان و مصدومان در جنگ احتمالی آینده از منطقه نبرد تا عقبه

بررسی نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز



نمودار شماره ۲: سازمان واحد جراحی سیار صحرائی

(ستاد تدوین آیین‌نامه‌ها، نرسا، آیین‌نامه بهداری رزمی، سازمان سامانه جراحی تاکتیکی ۱۳۸۶: ۷)



نمودار شماره ۳: مدل مفهومی نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز

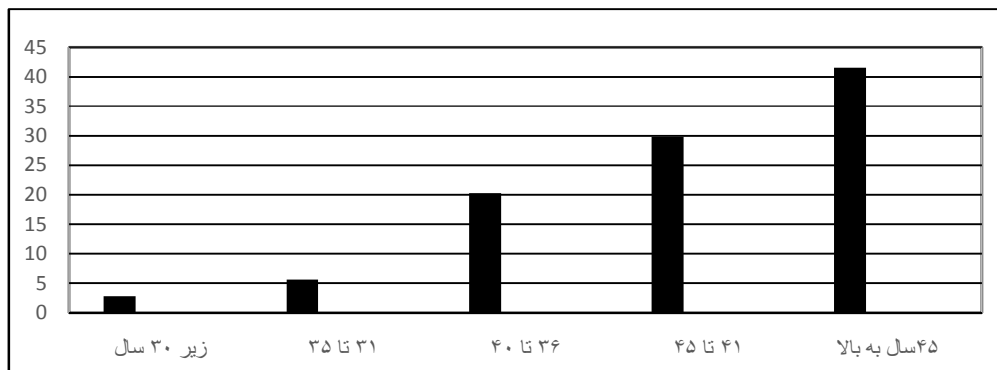
تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل توصیفی پاسخ‌دهندگان:

جدول شماره ۱: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس سن

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زیر ۳۰ سال	۵	۲/۸	۲/۸
۳۱ تا ۳۵ سال	۱۰	۵/۷	۸/۵
۳۶ تا ۴۰ سال	۳۵	۲۰/۲	۲۸/۷
۴۱ تا ۴۵ سال	۵۲	۲۹/۸	۵۸/۵
۴۵ سال به بالا	۷۲	۴۱/۵	۱۰۰
جمع	۱۷۴	۱۰۰	

نمودار شماره ۴: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس سن



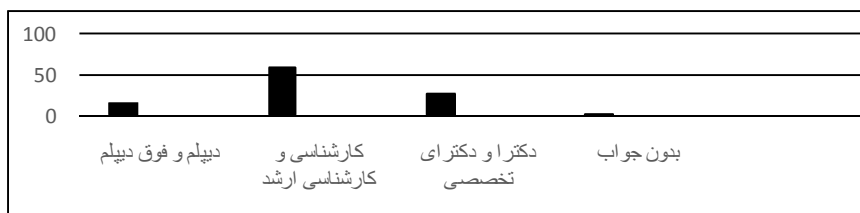
بر اساس اطلاعات مندرج در جدول بالا، از کل پاسخ‌دهندگان، بیشترین تعداد یعنی ۴۱/۵ درصد بالای ۴۵ سال و کمترین تعداد، معادل ۲/۸ درصد زیر ۳۰ سال، ۵/۷ درصد ۳۱ تا ۳۵ سال، ۲۰/۲ درصد ۳۶ تا ۴۰ سال و ۲۹/۸ درصد ۴۱ تا ۴۵ سال سن داشته‌اند. در کل بر اساس درصد تجمعی محاسبه‌شده، اکثریت بالای ۴۵ سال سن داشته‌اند.

بررسی نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهم‌تراز

جدول شماره ۲: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس مدرک تحصیلی

درصد تجمعی	درصد واقعی	درصد	فراوانی	نشاخص‌ها □ □ □ □ □ طیف مدرک □ □
۱۴.۳	۱۴.۳	۱۴.۳۶	۲۵	دیپلم و فوق دیپلم
۷۲.۳	۵۸	۵۸.۱۵	۱۰۱	کارشناسی و کارشناسی ارشد
۹۸.۹	۲۶.۶	۲۶.۳۴	۴۶	دکترای تخصصی
۱۰۰	۱.۱	۱.۱۵	۲	بدون جواب
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۷۴	کل

نمودار شماره ۵: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس مدرک تحصیلی

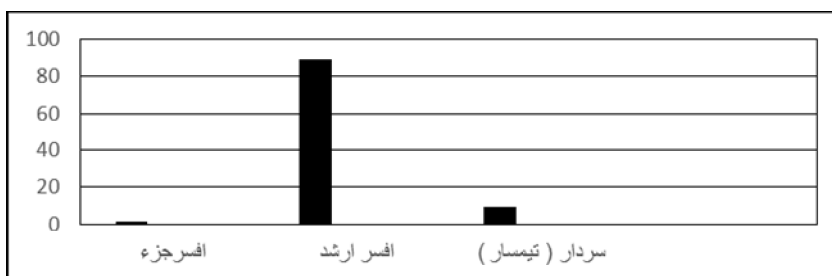


بر اساس اطلاعات مندرج در جدول بالا، از کل پاسخ‌دهندگان، بیشترین تعداد یعنی ۵۸ درصد مدرک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد و کمترین تعداد، معادل ۱۴.۳ درصد مدرک تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم، ۲۶.۶ درصد مدرک تحصیلی دکترای تخصصی دارند. در کل بر اساس نتایج جدول، اکثریت دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس درجه/رتبه

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	شاخص‌ها	
			طیف درجه / رتبه	
۱/۱۱	۱/۱۱	۲	افسر جزء	خبرگان (فرماندهان، رؤسا و مدیران بیمارستان‌های صحرایی و بهداری رزمی یگان‌های نیروهای مسلح) از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲
۹۰/۸۹	۸۹/۷۸	۱۵۶	افسر ارشد	
۱۰۰	۹/۱۱	۱۶	سردار	
	۱۰۰	۱۷۴	کل	

نمودار شماره ۶: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس درجه/رتبه

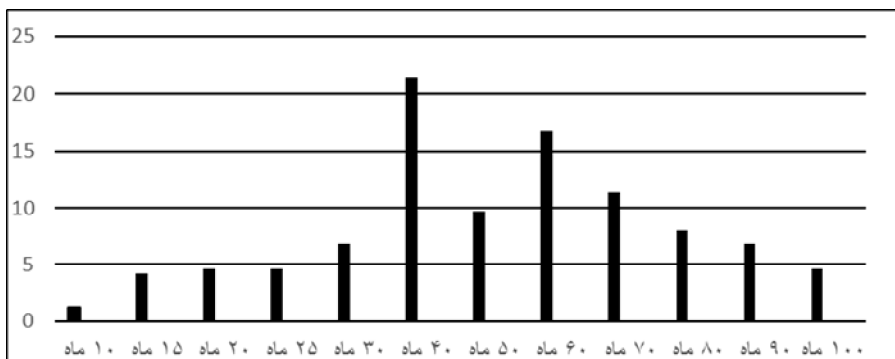


براساس اطلاعات مندرج در جدول بالا، از کل تعداد پاسخ‌دهندگان بیشترین تعداد یعنی ۸۹/۷۸ درصد افسر ارشد و کمترین تعداد، ۱/۱۱ درصد افسر جزء و ۹/۱۱ درصد سردار هستند.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس مدت حضور در جبهه

فراوانی تجمعی	درصد	فراوانی	سابقه جبهه
۱/۲	۱/۲	۲ نفر	۱۰ ماه
۵/۴	۴/۲	۷	۱۵ ماه
۱۰	۴/۶	۸	۲۰ ماه
۱۴/۶	۴/۶	۸	۲۵ ماه
۲۱/۴	۶/۸	۱۲	۳۰ ماه
۴۲/۸	۲۱/۴	۳۷	۴۰ ماه
۵۲/۵	۹/۷	۱۷	۵۰ ماه
۶۹/۲	۱۶/۷	۲۹	۶۰ ماه
۸۰/۶	۱۱/۴	۲۰	۷۰ ماه
۸۸/۶	۸	۱۴	۸۰ ماه
۹۵/۴	۶/۸	۱۲	۹۰ ماه
۱۰۰	۴/۶	۸	۱۰۰ ماه
	۱۰۰	۱۷۴	جمع کل

نمودار شماره ۷: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس مدت حضور در جبهه

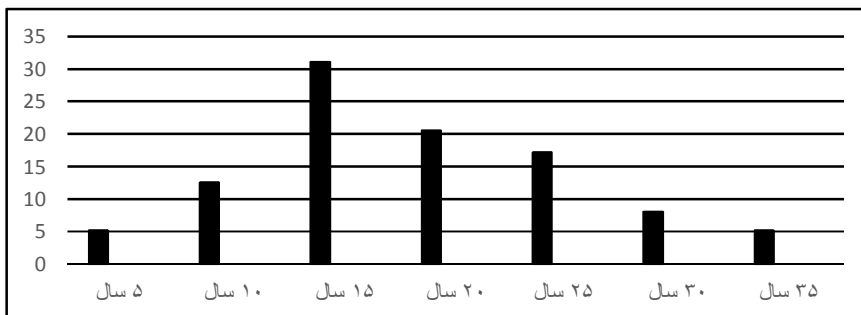


نمودار بالا نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان، سابقه حضورشان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل بیش از ۳۵ ماه است که این بیان‌کننده میزان درک بالای آنها از موضوع تحقیق بوده و پاسخگویی مناسب و دقیق آنها به متغیرهای پرسشنامه را به اثبات می‌رساند.

جدول شماره ۵: توزیع پاسخ‌دهندگان بر اساس سابقه کار مدیریتی

سابقه	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
۵ سال	۹	۵/۲	۵/۲
۱۰	۲۲	۱۲/۶	۱۷/۸
۱۵	۵۴	۳۱/۱۰	۴۸/۹
۲۰	۳۶	۲۰/۶	۶۹/۵
۲۵	۳۰	۱۷/۲	۸۶/۷
۳۰	۱۴	۸/۱	۹۴/۸
۳۵	۹	۵/۲	۱۰۰
کل	۱۷۴	۱۰۰	

نمودار شماره ۸: توزیع پاسخ‌دهندگان براساس سابقه کار مدیریتی



نمودار بالا نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان، دارای سابقه کار مدیریتی بیش از ۱۵ سال هستند که این بیان‌کننده میزان درک بالای آنها از موضوع تحقیق بوده و پاسخگویی مناسب و دقیق آنها به متغیرهای پرسشنامه را به اثبات می‌رساند.

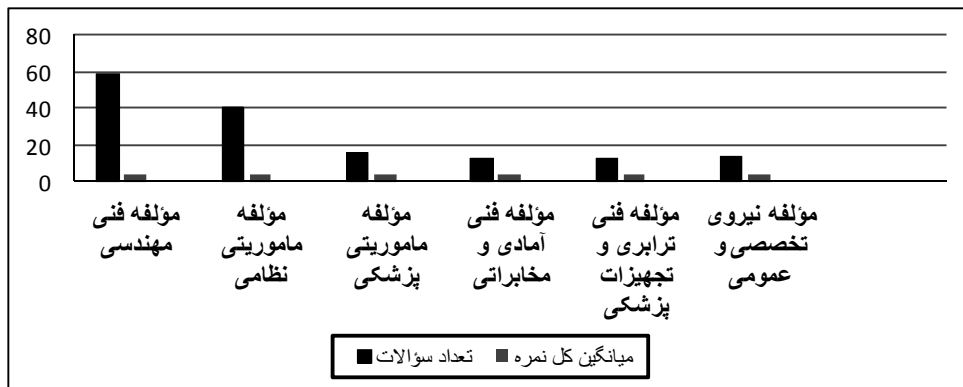
جدول شماره ۶: نتایج حاصل از میانگین شاخص‌ها (مؤلفه‌ها)

انحراف معیار	میانگین کل	تعداد سؤال	شاخص‌ها مؤلفه
۴.۴۵	۳.۱۸	۵۹	مؤلفه فنی، مهندسی
۴.۱	۳.۵۱	۴۰	مؤلفه‌های مأموریتی، نظامی
۱.۱۲	۳.۴۰	۱۶	مؤلفه‌های مأموریتی، پزشکی
۲.۷۱	۳.۶۶	۱۳	مؤلفه‌های فنی، آمادی و مخابراتی
۱.۲۳	۳.۴۸	۱۳	مؤلفه ترابری و تجهیزات پزشکی
۰.۸۳	۳.۴۳	۱۴	مؤلفه نیروی تخصصی و عمومی
۲.۴۰	۳.۴۴	۱۵۵	کل

نمودار شماره ۹: نتایج حاصل از میانگین شاخص‌ها (مؤلفه‌ها)

رتبه	ضریب اهمیت (برحسب درصد)	شاخص‌ها مؤلفه
۱	۳.۶۶	فنی، آمادی و مخابراتی
۲	۳.۵۱	مأموریتی، نظامی
۳	۳.۴۸	ترابری و تجهیزات پزشکی
۴	۳.۴۳	نیروی تخصصی و عمومی
۵	۳.۴۰	مأموریتی، پزشکی
۶	۳.۱۸	فنی، مهندسی

بررسی نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز



جدول شماره ۷: نتایج و رتبه‌بندی مربوط به مؤلفه‌ها یا شاخص‌های واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز (براساس اهمیت)

نتایج و یافته‌ها

با نگاهی مجدد به نتایج جداول مشخص می‌شود که عوامل مؤثر بر نقش واحد جراحی تاکتیکی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های نرسا در جنگ ناهمتراز عبارتند از: شاخص‌های مأموریتی، نظامی و شاخص‌های مأموریتی فنی، مهندسی و شاخص‌های فنی، آمادی، مخابراتی، ترابری و تجهیزات پزشکی و شاخص‌های نیروی انسانی تخصصی و عمومی، که نشان‌دهنده میزان تأثیر متغیر مستقل مورد نظر بر متغیر وابسته است. حال برای تعیین میزان تأثیر هر یک از متغیرهای ذکر شده بر نحوه به کارگیری، جدول زیر را خواهیم داشت.

جدول شماره ۸: میزان سهم تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در خصوص واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا از دیدگاه فرماندهان، رؤسا و مدیران بیمارستان‌ها و بهداری رزمی یگان‌های رزم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

خیلی مؤثر	تأثیر کم	شاخص‌ها مؤلفه
۹۲	۸	فنی، آمادی و مخابراتی
۸۸	۱۲	مأموریتی، نظامی
۸۹.۷۶	۱۰.۲۴	ترابری و تجهیزات پزشکی
۹۲.۰۸	۷.۹۲	نیروی تخصصی و عمومی
۸۸.۸۵	۱۱.۱۵	مأموریتی، پزشکی
۷۹.۹۹	۲۰.۰۱	فنی، مهندسی
۸۸	۱۲	کل

نتایج: نتیجه پاسخ‌ها در جدول شماره ۸ با توجه به میزان اهمیت و سهم تأثیر هریک از مؤلفه‌ها (شاخص‌ها) از دیدگاه فرماندهان، رؤسا و مدیران بیمارستان‌ها و بهداری رزمی یگان‌های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که ۸۸ درصد از پاسخ‌دهندگان نقش واحد جراحی تاکتیکی سیار صحرائی در یگان‌های نرسا در جنگ ناهمتر از را خیلی مؤثر و تنها ۱۲ درصد متوسط به پایین (تأثیر کم) اعلام کرده‌اند که درصد قابل توجهی نیست.

پاسخ به سؤال اصلی

بررسی سؤال اصلی پژوهش: نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در جنگ ناهمتر از چیست؟

جدول شماره ۹: نتایج بررسی سؤال اصلی نشان داد که عوامل مؤثر بر نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتر از

مؤلفه	شاخص‌ها	تأثیر کم	خیلی مؤثر
فنی، آمادی و مخابراتی	۸	۹۲	
مأموریتی، نظامی	۱۲	۸۸	
ترابری و تجهیزات پزشکی	۱۰.۲۴	۸۹.۷۶	
نیروی تخصصی و عمومی	۷.۹۲	۹۲.۰۸	
مأموریتی، پزشکی	۱۱.۱۵	۸۸.۸۵	
فنی، مهندسی	۲۰.۰۱	۷۹.۹۹	
کل	۱۲	۸۸	

بنابراین نقش و تأثیر هر کدام از عوامل بالا در قالب سؤال‌های فرعی بررسی و تحلیل می‌شود:

پاسخ به سؤال‌های فرعی

سؤال فرعی اول: نقش شاخص‌های فنی، آمادی و مخابراتی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتر از چیست؟
با توجه به مقدار ضریب اهمیت (۳.۶۶) و ضرورت به کارگیری وسایل و تجهیزاتی همانند تله

مدیسین (پزشکی از راه دور)، ارسال تصاویر و علائم با دستگاه‌های پزشکی مجهزتر پزشکی آی تی، تجهیزات مخابراتی در زنجیره امداد و انتقال، ابزار مهندسی و اپراتوری مهم، انعطاف پذیر، کوچک، سبک، متحرک و... نقش مهم، مثبت و مؤثری در تحقق موضوع داشته‌اند.

سؤال فرعی دوم: نقش شاخص‌های مأموریتی، نظامی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرزا در شرایط جنگ ناهمتر از چیست؟

با توجه به مقدار ضریب اهمیت (۳.۵۱) و ضرورت عواملی همانند ماندگاری بالا و مقاوم، قابلیت حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی و... سرعت در استقرار و ضد استقرار، انعطاف پذیری و آرایش پذیری، ارزان بودن، کوچک، سبک، متحرک و... در سازه نقش بسیار مهم، مثبت و مؤثری در تحقق موضوع تحقیق داشته‌اند.

سؤال فرعی سوم: نقش شاخص‌های فنی ترابری و تجهیزات پزشکی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرزا در شرایط جنگ ناهمتر از چیست؟

با توجه به مقدار ضریب اهمیت (۳.۴۸) و ضرورت عواملی همانند قابلیت حمل آسان، با خودرو، بالگرد، هواپیمای نظامی، شناور، قطار، حداقل حجم، قابلیت انتقال چند سازه با هم، قابلیت تحرک بالا، وزن سازه سامانه بدون تجهیزات و با تجهیزات حداقل است، داشتن وسایلی همانند باتری و... در سازه نقش بسیار مهم، مثبت و مؤثری در تحقق موضوع تحقیق داشته‌اند.

سؤال فرعی چهارم: نقش شاخص‌های نیروی انسانی تخصصی و عمومی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرزا در شرایط جنگ ناهمتر از چیست؟

با توجه به مقدار ضریب اهمیت (۳.۴۳) و ضرورت عواملی همانند استفاده و به کارگیری با حداقل نیروهای تخصصی و عمومی که دارای قابلیت، توانایی فردی برای تشخیص، مهارت کافی در تخصص‌های جراحی، قابلیت تحمل شرایط سخت زندگی در مناطق مختلف عملیاتی، آشنایی کامل به اصول پدافند غیر عامل، توان رعایت کامل مسائل حفاظتی و امنیتی، داشتن ایمان، تدین، انقلابی، تحویل گرا، شهادت طلب، فرهنگ علوی و عاشورایی، آمادگی لازم برای راه‌اندازی سریع و آنی واحد جراحی سیار در کمترین زمان، مهارت‌های کافی در تاکتیک‌های حرفه‌ای طب رزم، مهارت کافی در به کار گرفتن تجهیزات پرتابل واحد جراحی سیار، آمادگی لازم برای بسته‌بندی و جابه‌جایی محل جراحی سیار در کمترین زمان ممکن، حضور به موقع در محل فراخوانی در

کمترین زمان، توان انجام جراحی بزرگ اورژانس ۷-۶ ساعت در کنار اعمال جراحی کوچک اورژانس، مهارت‌های کافی در به کارگیری تاکتیک‌های طب رزم نقش بسیار مهم، مثبت و مؤثری در تحقق موضوع تحقیق داشته‌اند.

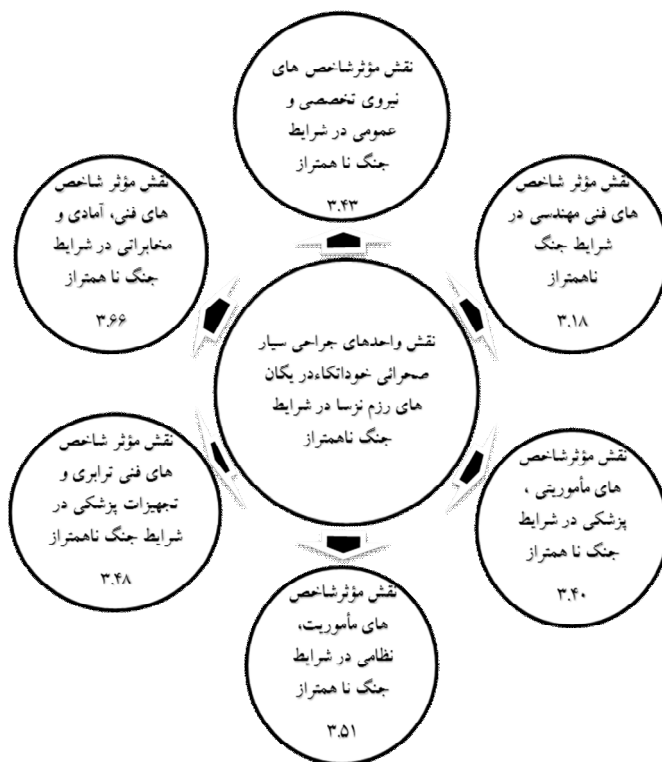
سؤال فرعی پنجم: نقش شاخص‌های مأموریتی، پزشکی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نزا در شرایط جنگ ناهم‌تراز چیست؟

با توجه به مقدار ضریب اهمیت (۳.۴۰) و ضرورت اجرای عواملی مهمی همانند انجام جراحی‌های اضطراری و نجات‌بخش مجروحان جنگی، توانایی تثبیت مجروح و مصدوم، توسعه‌پذیری و افزایش ظرفیت اتاق عمل و قسمت‌های جانبی آن، ظرفیت انجام اعمال جراحی به تعداد ۱۰ نفر در ۲۴ ساعت، ظرفیت‌پذیری معاینات سرپایی به تعداد ۲۵ نفر و... نقش بسیار مهم، حساس، مثبت و مؤثری در تحقق موضوع تحقیق داشته‌اند.

سؤال فرعی ششم: نقش شاخص‌های فنی مهندسی در واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نزا در شرایط جنگ ناهم‌تراز چیست؟

با توجه به مقدار ضریب اهمیت (۳.۱۸) و ضرورت اجرای عوامل مهمی همانند توسعه‌پذیری، مقاوم و پایداری در آب و هوایی مختلف، مستحکم، انعطاف‌پذیری و آرایش‌پذیری، قابلیت اتصال به شبکه‌های آب، برق، گاز شهری، مقاوم در مقابل سرمای منفی ۲۰ درجه و گرما ۵۰ درجه سانتی‌گراد، خوداتکایی، چندمنظوره و... نقش‌های بسیار مهم، حساس، مثبت و مؤثری در تحقق موضوع تحقیق داشته‌اند.

با بررسی‌های به عمل آمده از نتایج تحقیق، مدل زیر با مشخص کردن سهم تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها یا شاخص‌ها در موضوع تحقیق، ارائه می‌شود. عوامل مؤثر در موضوع تحقیق با بررسی نظرات خبرگان (فرماندهان، رؤسا و مدیران بیمارستان‌ها و بهداری رزمی "صحرائی و شهری" یگان‌های نیروهای مسلح از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۲) ترسیم شده است.



نمودار ۱۰: نتایج عددی نقش شاخص‌های جراحی سیار صحرائی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا در شرایط جنگ ناهمتراز

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش آشکار ساخت که طبق ارزیابی پاسخ‌دهندگان (خبرگان بهداری رزمی، فرماندهان، رؤسا و مدیران بیمارستان‌ها و بهداری رزمی نیروهای مسلح) میزان اهمیت و سهم تأثیر هریک از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها (شاخص‌های مأموریتی، نظامی و شاخص‌های مأموریتی فنی، مهندسی و شاخص‌های فنی، آمادی، مخابراتی، ترابری و تجهیزات پزشکی و شاخص‌های نیروی انسانی تخصصی و عمومی) نشان می‌دهد که ۸۸ درصد از آنها، نقش واحدهای جراحی سیار صحرائی خوداتکا در ارائه خدمات نجات‌بخش پزشکی و جراحی مجروحان، مصدومان و بیماران

بدحال به منظور کاهش ضریب تلفات انسانی در یگان‌های رزم نرسا در جنگ ناهم‌تراز را به طور معناداری مهم، مثبت و مؤثر، و تنها ۱۲ درصد آنها متوسط به پایین اعلام کرده‌اند که درصد قابل توجهی نیست.

در این میان برای پاسخ دادن به سؤالات فرعی تحقیق و میزان اهمیت هر یک از این مؤلفه‌ها در نقش واحدهای جراحی سیار صحرایی خوداتکا در یگان‌های رزم نرسا (نیروی زمینی سپاه) نتایج آزمون‌ها نشان داد که به ترتیب مؤلفه‌های فنی آماد و مخابرات (۳/۶۶) و مأموریتی نظامی (۳/۵۱) و فنی ترابری و تجهیزات پزشکی (۳/۴۸) و نیروی تخصصی و عمومی (۳/۴۳) از بیشترین تأثیر برخوردار بوده‌اند.

کتابنامه

- ۱- امام خمینی^(ره)، توضیح المسائل، مسأله ۲۸۲۷.
- ۴- تزو، سون، (۱۳۶۴)، هنر جنگ، مترجم: حسن حبیبی، قلم، تهران: دانشگاه جامع امام حسین.^(ع)
- ۶- دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله^(عج)، (۱۳۸۶)، دستورالعمل الگوی واحد جراحی، تهران: بینا.
- ۷- دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله^(عج)، (۱۳۸۷)، دستورالعمل استاندارد الگوی واحد بیمارستانی، تهران: بینا.
- ۸- دانیالی سیاوش، (۱۳۸۳)، تاریخچه جنگ ناهم‌تراز، تهران: دانشگاه جامع امام حسین.^(ع)
- ۹- س، ک، ن، م، (۱۳۸۸)، معاونت بهداشت و درمان، آیین‌نامه طب رزم، کارگروه بهداری رزمی، تهران: بینا.
- ۱۰- کنت مکنزی، (۱۳۸۱)، جنگ نامتقارن دوره عالی جنگ، تهران: دانشگاه جامع امام حسین.^(ع)
- ۱۱- کشاورز، (۱۳۸۴)، تعاریف لغوی و اصطلاحی جنگ: بی نا.
- ۱۲- نرسا، (۱۳۸۶)، ستاد تدوین آیین‌نامه‌ها، آیین‌نامه بهداری رزمی، تهران: بینا.
- ۱۳- نرسا، (۱۳۸۶)، ستاد تدوین آیین‌نامه‌ها، آیین‌نامه بهداری رزمی، سازمان سامانه جراحی تاکتیکی، تهران: بی نا.

عوامل همگرایی بین ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران

دکتر مهدی نطق پور^۱

رضا نوروزی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

این مقاله به بررسی عوامل مؤثر همگرایی بین ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران از زمان سقوط صدام در عراق تا کنون می‌پردازد. روش تحقیق مورد نظر، روش توصیفی - تحلیلی است. بدین ترتیب که در یافته‌های تحقیق، مباحث همگرایی ایران و عراق و مؤلفه‌های امنیت سیاسی به صورت توصیفی بیان شده و تجزیه و تحلیل یافته‌ها عمدتاً با شیوه استدلال و تحلیل کیفی صورت گرفته است. با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد.

به طور کلی پتانسیل‌های موجود در دو کشور از عوامل مهمی است که دولت‌مردان ایران و عراق را وادار خواهد ساخت سطح روابط دوجانبه را گسترده کرده و عمق ببخشند؛ به ویژه که تقویت عوامل همگرایی نویدبخش نظام جدید امنیتی در خلیج فارس با ترکیب ایران و عراق خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: عوامل همگرایی، امنیت سیاسی، عراق بعد از صدام، جمهوری اسلامی ایران.

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲. کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی استراتژیک.

مقدمه

همگرایی فرایندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزاً ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف دارند که نهادهای این مرکز یا از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود بگیرند و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند (پیشداد، ۱۳۸۳: ۲۴).

بعد از اشغال عراق توسط آمریکا و سقوط صدام، رهبران ایران، اولین گام برای نفوذ در بدنه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خاورمیانه را عراق دانستند و بنابراین نگاه ویژه‌ای به این کشور داشتند. وضعیت سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی عراق نیز این اجازه را به ایران داد تا در شرایط ویژه مرادفات خود را از سطوح بسیار پایین آغاز کند تا بتواند جایگاه خود را در عراق ارتقا بخشد. عراق دیروز تحت حاکمیت صدام، بیش از یک دهه قبل از سقوط با تحریم‌های جهانی مواجه بود و پیش از آن نیز به دلیل راه‌اندازی دو جنگ از سوی صدام علیه ایران و کویت، با مشکلات خاص اقتصادی از قبیل بدهی‌های خارجی، از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی و کاهش شدید واردات مواجه بود.

تحولات در عراق پس از صدام نه تنها روابط خارجی این کشور بلکه چارچوب سیاست خارجی و حتی نظام سیاسی کشورهای همسایه آن از جمله ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تحقیق سعی دارد به بررسی عوامل مؤثر همگرایی بین ایران و عراق و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران پردازد.

بیان مسأله

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخاسته از اصول و مبانی ثابتی است که با توجه به مقتضیات و شرایط جهانی تاکتیک‌های لازم را برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده در راستای منافع ملی اتخاذ می‌نماید. مسیری که جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرده، در جهت توسعه صلح و امنیت در منطقه و گسترش همکاری با همه کشورها به جز رژیم صهیونیستی است.

پس از سقوط صدام، عراق در طول سالیان گذشته توانست با دولت‌سازی از رشد و ثبات خوبی

برخوردار باشد و به مرور به سمتی حرکت کرد که به عنوان یک کشور مهم منطقه‌ای نقش ایفا کند.

عراق کشوری است که برای ایران به لحاظ افزایش مراودات سیاسی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد. فرهنگ اسلامی دو کشور و نفت آن‌ها از اولویت‌های ارتباطی ایران و عراق است. از دیدگاه منافع ملی ایران، تبدیل عراق به یک همسایه قابل اعتماد، بستگی مستقیم به حضور یک حکومت متعادل در بغداد دارد که اولاً به حل مشکلات موجود بین دو کشور پردازد. ثانیاً، تلاش نماید تا روابط دو کشور را باز تعریف کرده و آن را به سوی احترام متقابل و حسن هم‌جواری و همچنین رقابت سازنده و مبتنی بر همکاری سوق دهد. ثالثاً، به اهمیت نقش ایران در معاملات منطقه‌ای واقف باشد. در حال حاضر بعضی مشکلات به جامانده از گذشته همچنان می‌توانند آینده روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار دهند. از جمله این مشکلات می‌توان به مشکلات روانی، اقتصادی و حقوقی ناشی از جنگ تحمیلی اشاره کرد (برزگر، ۱۳۸۷: ۷۱). نوع روابط ایران با دولت جدید عراق بر ترتیبات امنیتی منطقه تأثیرگذار خواهد بود؛ روابطی که ترسیم دقیق‌تر آن به گذشت زمان نیاز دارد.

امنیت نیز به نوبه خود، موجب ثبات و رشد اقتصادی و پیشرفت کشورها می‌شود. بنابراین، در یک تعامل دوسویه، می‌توان گفت: همکاری و همگرایی اقتصادی و امنیت در منطقه خاورمیانه با یکدیگر رابطه مستقیم دارند.

یکی از مؤلفه‌های مهم در تأمین منافع ملی کشورها، نحوه تنظیم روابط خارجی آن کشور با دیگر کشورها است. در همین راستا تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیازمند تنظیم مدبرانه تعاملات حوزه سیاست خارجی کشور به ویژه با همسایگان است. در این میان تنظیم نوع و نحوه تعاملات با عراق به عنوان همسایه غربی ایران در طول چند دهه‌ای که از زمان تأسیس آن می‌گذرد یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران حوزه سیاست خارجی کشورمان بوده است. به عنوان یک واقعیت پایدار باید پذیرفت که کشور عراق با مجموعه ویژگی‌های پایدار قومی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن، تعریف مشخصی در منافع ملی ایران داشته و خواهد داشت. اشتراکات و

واقعیت‌های سیاسی موجود، گسترش روابط دو کشور را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و سرنوشت دو کشور را در تأمین امنیت منطقه‌ای به خصوص در منطقه خلیج فارس، به یکدیگر گره می‌زند. سؤال اصلی این تحقیق این است که عوامل مؤثر همگرایی بین ایران و عراق بعد از سقوط صدام تا کنون چیست و چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

سؤالات تحقیق

الف: سؤال اصلی

عوامل مؤثر همگرایی بین ایران و عراق کدامند و تأثیر آن بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

ب: سؤالات فرعی

۱. منافع ملی مشترک به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
۲. مسائل فرهنگی و اجتماعی، به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
۳. وجود مرز مشترک، به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟
۴. وجود اماکن متبرکه امامان و امام‌زاده‌گان به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

متغیرهای تحقیق

متغیر مستقل: در این تحقیق متغیرهای مستقل همگرایی و عوامل آن شامل منابع ملی مشترک، مسائل فرهنگی و اجتماعی، وجود مرز مشترک و وجود اماکن متبرکه است.
متغیر وابسته: متغیر وابسته در این تحقیق امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

خروج عراق از یک بازیگر تهدیدگر و تغییر ماهیت امنیتی و همچنین با ورود و افزایش نقش عنصر شیعه در تحولات قدرت و سیاست منطقه و به دنبال آن نزدیکی ایران و عراق، شکل‌گیری یک نظام امنیتی جدید مبتنی بر ویژگی‌ها و واقعیات سیاسی-امنیتی، فرهنگی و اقتصادی منطقه ضروری است.

موقعیت جغرافیایی، راه‌های مواصلاتی به کشورهای مهم منطقه، شبکه آب‌ها و سایر عوامل ثابت ژئوپلیتیک، همچنین عواملی مانند منابع انسانی و ترکیب قومیتی و اشتراکات فراوان قومی، مذهبی، تاریخی و اقتصادی مانند همکاری در زمینه تولید و صادرات، همکاری مشترک در زمینه استخراج، تولید و صادرات نفت، رفع محدودیت‌های عراق در دسترسی به خلیج فارس، و همکاری‌های تجاری زمینه‌های مناسبی برای تسریع روند همگرایی دو کشور است. بنابراین اهمیت دارد که نقش این عوامل را بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و مطالعه قرار دهیم.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

شناخت عوامل همگرایی میان دو کشور ایران و عراق و بررسی تأثیر هر کدام از عوامل بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

اهداف فرعی

- ۱- بررسی تأثیر منافع ملی مشترک به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- بررسی تأثیر مسائل فرهنگی و اجتماعی، به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۳- بررسی تأثیر وجود مرز مشترک، به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون بر امنیت سیاسی جمهوری.

۴- بررسی تأثیر وجود اماکن متبرکه امامان و امامزاده‌گان به عنوان یکی از عوامل مؤثر همگرایی از زمان سقوط صدام تا کنون بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر روش توصیفی - تحلیلی و از لحاظ نوع، کاربردی است و محققان دیگر می‌توانند آن را توسعه دهند.

اطلاعات مورد نیاز این تحقیق از طریق جستجوی کتابخانه‌ای و اسنادی (مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای) به دست آمده است. با این روش ابتدا مطالعات و داده‌های مربوط به بخش ادبیات و مبانی نظری تحقیق از میان کتاب‌ها، تحقیقات، مقالات، کنفرانس‌ها، اسناد دولتی و راهبردی استخراج و تبیین می‌شود. همچنین از این روش برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد همگرایی، ستیزش و واگرایی در مطالعات اولیه و چستی موضع یادشده استفاده می‌شود. اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق با استفاده از فیش و روش فیش‌برداری گردآوری شده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

تعاریف و اصطلاحات

- همگرایی

همگرایی عبارت از فرآیندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر کرده، از یک قدرت فوق ملی پیروی می‌کنند (قوم، ۱۳۷۰: ۲۴۶).

بحث همگرایی و واگرایی ناظر بر رفتار جمع‌گرایی و دوری‌گزینی کشورها نسبت به یکدیگر است. به فرآیند هم‌پیوستگی و هم‌بستگی کشورها همگرایی و به فرآیند جدایی و دوری‌گزینی کشورها نسبت به یکدیگر واگرایی اطلاق می‌شود. پدیده واگرایی و همگرایی در رفتار کشورها نسبت به یکدیگر، بسته به دلایل و عوامل بروز و تجلی این پدیده‌ها، از طبعی پویا برخوردار است. به این معنا که اگر عوامل ایجادکننده باقی بمانند واگرایی و همگرایی باقی می‌ماند و برعکس با بودن این عوامل، همگرایی و واگرایی نیز از بین خواهد رفت و به علت اینکه عوامل ایجادکننده

در حال تحول و دگرگونی است، این پدیده نیز دچار تحول می‌شود. برای مثال یک تهدید مشترک می‌تواند عاملی برای همگرایی کشورهای تهدید شونده تلقی گردد و آن‌ها را با هم متحد کند و در قالب یک تشکل امنیتی بین‌المللی گرد هم آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱، ۴۵۴).

- امنیت ملی

امنیت ملی عبارت از توانایی یک کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود است (روشندل، ۱۳۸۷: ۱۱).

- امنیت سیاسی

امنیت سیاسی، یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی و به مفهوم آن است که علیه آزادی‌های سیاسی افراد، احزاب، ساختارهای سیاسی، فعالان سیاسی، مسئولان حکومتی و روند مطلوب و اثربخش اداره امور داخلی و خارجی کشور، تهدیدی وجود نداشته باشد و اداره امور مملکت نیز تنها بر اساس منافع ملی و با استفاده از روش‌های قانونی و توسط حکومتی پاسخگو در عرصه‌های داخلی و خارجی صورت گیرد. بدیهی است امنیت سیاسی در هر کشوری با روند فزاینده توسعه سیاسی و رفع بحران‌های پنج‌گانه (هویت، مشارکت، مشروعیت، توزیع و نفوذ) آن رابطه مستقیم دارد. شاخص‌های متعددی در شکل‌گیری توسعه و امنیت سیاسی هر جامعه‌ای ایفای نقش می‌نمایند. هر کدام از معیارهای تقویت‌کننده این بعد از امنیت درخور تحلیلی ویژه است که پرداختن به آن از دامنه این نوشتار خارج است. در ادامه بحث تنها به یادآوری این معیارها اکتفا می‌گردد. به اعتقاد صاحب‌نظران، مواردی از قبیل نهادینه شدن رقابت‌های سیاسی در حوزه‌های قانونی و حقوقی بر اساس منافع و میثاق ملی، تحقق یافتن مشارکت عمومی بر اساس آگاهی، آزادی و برابری، محقق شدن تحریک اجتماعی (تهامی، بی تا).

مفاهیم و نظریه‌های امنیت

شاید این کوتاه‌ترین تعریف از امنیت ملی است، اما به هر صورت تعریف جامع و مانع نیست. هر تعریف از امنیت ملی باید جوانب زیر را در نظر داشته باشد.

۱ - حفظ استقلال و تمامیت ارضی؛

۲ - تحقق رفاه مردم و ثبات سیاسی کشور؛

۳- حفظ و اشاعه ارزش‌های ملی و اعتقادی؛

۴- فراهم کردن امکان فراغت خاطر نسبت به تهدیدهای اجتماعی (ربیعی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

عوامل سیاسی امنیت جمهوری اسلامی ایران:

امام خمینی (ره) امنیت را بهترین وسیله جلب اعتماد مردم و موفقیت دولت‌ها می‌داند و می‌فرماید: «هدف بعثت‌ها به طور کلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه، نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکانپذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود مانند رسول اکرم (ص) و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۵۹).

۱- آرمان سیاسی و هویت ملی

آرمان سیاسی دولت یا علت وجودی در هر کشوری قوی‌ترین نیرویی است که می‌تواند مردم آن را متحد نماید. آرمان سیاسی سبب همبستگی افراد ملت می‌شود؛ زیرا تمامی افراد جامعه با وجود چنین آرمانی نسبت به هم احساس تعلق خاطر می‌نمایند. در بعضی از کشورها علت وجودی به طور محسوس اثبات شده است و برای تمام مردم مشخص است، به گونه‌ای که در اثر وجوه مشترک اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی، افراد جامعه هویت ملی متمایز و واحدی را احساس می‌نمایند. اما برخی دیگر از کشورها در ارائه آرمان سیاسی دولت یا علت وجودی با مشکل مواجه هستند. به عبارتی بعضی کشورها فاقد وجوه مشترک قوی در بین ملت خود هستند و در نتیجه هویت ملی آن‌ها بسیار شکننده و نامطمئن است.

هویت ملی از مقولاتی است که در قرن بیستم، و بعد از شکل‌گیری سیاسی نظام بین‌المللی قالب مفهومی خاص خود را پیدا کرد؛ هرچند که همواره یکی از مشغله‌های ذهنی اندیشمندان ایرانی بوده است.

هویت ملی، مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به عنوان یک واحد سیاسی است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷).

هویت ملی در بعد سیاسی، در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی،

عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند، و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند؛ از لحاظ روانی هم خود را اعضای آن نظام سیاسی بدانند (معمار، ۱۳۷۸: ۲۵).

۲- اعتدال

افراط و تفریط در هر کاری مشکلاتی را در پی دارد. امروزه کشورهای مختلف با تعیین و رسمیت بخشیدن به نماها و سمبل‌های ملی از قبیل روز ملی، پرچم ملی و تبلیغ و ترویج زبان و فرهنگ ملی و ارج نهادن به عناوینی مانند شعرا، نویسندگان، دانشمندان و قهرمانان ملی سعی می‌کنند تا احساسات ملی و همگانی جوامع خود را در راستای ایجاد همبستگی و وحدت ملی برانگیخته و تقویت نمایند.

۳- امت و ملت

مفهوم ملت با توجه به ویژگی‌های عینی و مشترک یک جامعه و تصورات ذهنی اعضای آن، تعاریف متعددی دارد. این واژه گاهی به گروهی از مردم اطلاق شده است که دارای وحدت زبانی یا نژاد یا مذهب یا ترکیبی از آن‌ها باشند. در نظر گروهی دیگر، اعتقادات، منافع مشترک و خدادهای تاریخی، عوامل مؤثر در ایجاد ملت هستند. بنابراین می‌توان گفت ناسیونالیسم یا ملت‌گرایی نوعی احساس وفاداری و تعلق به ملتی خاص است که برای خود صفات ویژه‌ای قائل بوده، در تلاش برای حفظ منافع ملی و فرهنگ ملی خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. در این دیدگاه، ملت به گروهی اطلاق می‌شود که خود را دارای پیوندها و علقه‌هایی می‌بیند که این پیوندها و علقه‌ها شرط لازم آن است، اما آگاهی و اذعان به آن پیوند، شرط کافی است.

طبق مفهوم امنیت ملی برآمده از رابطه درون جامعه‌ای، شئون گوناگون اجتماعی همچون روشنفکران، روحانیان، ارتش‌داران و ... بر اساس سازوکار مدارست و هرگونه تنش مذهبی و قومی، تهدیدکننده امنیت ملی محسوب می‌شود (جوکار و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۸).

۴- انسجام ملی

متغیر انسجام ملی - سیاسی مشعر به چگونگی صورت‌بندی نیروها و گروه‌های اجتماعی سیاسی از جمله گروه‌های قومی است. این متغیر از نظر امنیت ملی مسأله‌ای حایز اهمیت تلقی می‌شود. بنابراین هر چه یک دولت - ملت منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد وضعیت امنیتی آن ثبات بیشتری

دارد و دولت - ملت نامنسجم زمینه بالقوه مناسبی برای بروز رفتارها و رخداد‌های ضد امنیتی است. با توجه به رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی که بر انسجام و یکپارچگی اجتماعی و کیفیت فرآیند ملت‌سازی تکیه دارد می‌توان گفت در جوامع ضعیف و اجتماعات پاره پاره که میزان انسجام گروه‌های اجتماعی از جمله گروه‌های قومی در آن‌ها ناچیز بوده و احتمال واگرایی و گریز از مرکز گروه‌های فرو ملی قابل ملاحظه است، قومیت در ارزیابی امنیت ملی متغیری مهم محسوب می‌شود. در این جوامع عوامل زیر در تشدید تمایلات قومی - قومیت به عنوان متغیر امنیت ملی مؤثر است:

۱. درجه پایین انسجام و یکپارچگی اجتماعی (دولت ضعیف)؛

۲. ساختار غیر مشارکتی و اقتدارگرای قدرت سیاسی که پتانسیل آسیب‌پذیری نظام سیاسی را افزایش می‌دهد؛

۳. استعداد بسیج‌گری و بسیج‌شده‌گی گروه‌های قومی؛

۴. رابطه مرکز - پیرامون بین دولت و گروه‌های قومی (افتخاری، ۱۳۷۷: ۳۲).

۵- فرهنگ

فرهنگ مجموعه دستاوردهای مادی و غیر مادی بشر در طول حیات اجتماعی خویش است (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۶۲۹). فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است متضمن معلومات، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمایلات، قابلیت‌ها و عادات مکشبه که آدمی در حالت عضویت در یک اجتماع حاصل می‌نماید (منصوری، ۱۳۷۰: ۹).

ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آن‌ها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه می‌آورد و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چند پاره می‌سازد و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخگویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسأله چند پارچگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرایند ملت‌سازی در جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های فرهنگی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است (حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۲۴).

۶- مذهب

اعتقادات و بینش‌های مذهبی افراد هر جامعه‌ای برای آن‌ها از قداست و احترام برخوردار است.

مذهب یکی از پایه‌های اصیل و استوار فرهنگ هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد. یکی از عوامل مهمی که در برآوردهای اطلاعات راهبردی مورد توجه کشورها قرار می‌گیرد مسأله تعدد و تفاوت‌های مذهبی موجود در جامعه است. برآوردهای جامعه خودی آسیب‌پذیری کشور را در اثر تضادهای احتمالی، حاصل از تفاوت‌های مذهبی مجسم می‌سازد و در نتیجه مسئولان جامعه را به چاره‌اندیشی برای مقابله منطقی با تنش‌های داخلی و جلوگیری از دخالت قدرت‌های بیگانه وادار می‌کند.

۷- نژاد

در بررسی‌های جامعه‌شناسی یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که مورد مطالعه قرار می‌گیرد، نژاد است. علاوه بر تشابهات اثری و جسمی افراد هر یک از گروه‌های نژادی آداب، سنن، رفتار، صفات و خصوصیات اخلاقی ویژه‌ای دارند. تیره‌ها و زیرمجموعه‌های هر نژادی علی‌رغم جدایی‌های جغرافیایی و سیاسی نسبت به یکدیگر احساس همبستگی و تعلق خاطر می‌نمایند. در حال حاضر تعداد پنج گروه اصلی نژادی در سطح جهان وجود دارند که هر یک از این گروه‌های اصلی به نوبه خود از تعدادی زیرمجموعه‌ها و تیره‌های نژادی فرعی تشکیل شده‌اند.

۸- زبان

زبان نیز بُعد مهمی از میراث مکتوب هر ملتی است. زبان نه تنها به عنوان محصول اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و باز تولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد. بنابراین می‌توان گفت زبان یک ملت، نظام معنایی آن ملت است (همتی، ۱۳۷۸: ۱۲۳-۱۰۹).

یکی دیگر از متغیرهای فرهنگی جوامع زبان‌گوش گروه‌های اجتماعی است. زبان نقش مهم‌تری از متغیر نژاد در کیفیت روابط انسانی ایفا می‌نماید. به عبارتی در تعاملات بین گروه‌های اجتماعی، نقش عامل فرهنگی زبان بر نقش عامل اجتماعی نژاد مسلط است. ترویج زبان یک ملت در بین افراد سایر ملت‌هایی که گویش متفاوت دارند، تأثیر به‌سزایی در نشر و ترویج سایر مؤلفه‌های فرهنگی آن ملت در سایر جوامع دارد (تهامی، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

۹- عدالت

رشد و توسعه اقتصادی و تحقق برنامه‌های توسعه‌ای دولت‌ها، نیاز به امنیتی واقعی دارد؛ امنیتی که در جان و ایمان آحاد ملت، ریشه دوانده باشد؛ امنیتی که در دل و قلب آن‌ها سایه انداخته و آنان را از درون نسبت به حکومت و نظام سیاسی مطمئن سازد و این همه در گرو استقرار روابط عادلانه بر همه شئون اجتماعی است. بنابراین عدالت بر تداوم قدرت و حاکمیت می‌انجامد و لازمه این تداوم قطعاً امنیت از گزینه‌های اجتماعی (نظیر: نارضایتی، کشمکش‌ها، عقده‌ها و کینه‌ها) نسبت به دولت و حکومت است (فولادوند، ۱۳۷۵: ۳۶۵).

۱۰- ایمان

همان‌طور که فقر اقتصادی موجب از بین رفتن امنیت اجتماعی می‌شود، عدالت اقتصادی و استفاده به‌جا و درست از منابع مادی و معنوی جامعه و به تغییر دیگر شکر نعمت، هم موجب فراوانی نعمت و امنیت اجتماعی می‌شود. در ضمن می‌دانیم که شکر نعمت، ملازم با ایمان به صاحب نعمت است؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم: ایمان به صاحب نعمت، موجب امنیت نیز خواهد شد. چنانچه می‌خوانیم: «آمن تامن» ایمان بیاور تا امنیت یابی (غرالحکم، ج ۲، کلام ۳۷).

۱۱- قوم و قومیت

در جامعه‌شناسی اصطلاح قومیت عمدتاً استفاده کاربردی دارد و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. در این میان تعریف آنتونی اسمیت دارای کاربرد مهمی است: «قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی پیوند با یک سرزمین تاریخی با وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است» (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۷). این تعریف عناصر محوری هویت نظیر اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک را دارا است.

قوم یک گروه انسانی- نژادی است که از زبان و فرهنگ و روش زندگی و تمینات گروهی ویژه‌ای در چارچوب یک شاخه بزرگ نژادی برخوردار است. همچنین به قسمتی که حتی از دیگر گروه‌های نژاد خود قابل تشخیص و تفکیک می‌گردند. به همین دلیل گاهی همین گروه قومی به معنی گروه‌هایی یا معادل آن در می‌آید (الطایی، ۱۳۷۸: ۱۵۸).

واژه قومیت بیشتر استفاده کاربردی دارد و برداشت‌های متفاوتی از آن صورت گرفته است. در

این مقاله تعریف آنتونی اسمیت مقبولیت و کارایی بیشتری دارد: «قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت که عناصر محوری هویت، اعتقاد، آگاهی و فرهنگ مشترک را داراست» (ایوبی، ۱۳۷۷: ۶۷).

۱۲- رسانه‌ها

رسانه‌ها به عبارتی، یک میدان عمومی جدید برای گفتگوی میان انسان‌ها، تلقی می‌شوند که از طریق آن‌ها، همه می‌توانند با هم تماس بگیرند و ارتباط برقرار کنند. بر اثر همین ارتباط و نزدیکی انسان‌ها، تفاهم ایجاد می‌شود و بالطبع تقابل خصمانه و خشونت (یا همان ناامنی به معنای کلی) از میان می‌رود. در واقع رسانه‌ها جهانی نو ساخته‌اند که حذف آن‌ها از این دنیا میسر نیست (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۴۵).

هابز، قدرت رسانه‌ها را در این می‌داند که می‌توانند برای مخاطبان بی‌شمار، آگاهی بیافرینند. رسانه‌ها علاوه بر توسعه حوزه‌های عمومی، ارتباطات انسانی را نیز به سمت عقل‌گرایی سوق می‌دهند (غندالی، ۱۳۸۱: ۳۶).

۱۳- فرهنگ مشارکتی

فرهنگ مشارکتی از ویژگی‌های جوامع توسعه یافته است افراد در مرحله نهاده (از طریق نهادهای صنفی، پارلمان، همه‌پرسی، انتخابات و...) خواسته‌های خود را به گوش سیاست‌گزاران می‌رسانند و با اعتماد نسبت به نظام، خود را در سرنوشت کشور سهیم و شریک می‌دانند (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۷۲).

- پرسش اول

منافع ملی مشترک به عنوان یکی از علل همگرایی بعد از سقوط صدام چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی دارد؟

- تحلیل

منافع ملی شامل ارزش‌هایی است که برای یک کشور از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و بقا و حیات مادی و معنوی ملت و کشور در گرو تأمین این ارزش‌هاست. هیچ کشوری حاضر نیست از

منافع اولیه خود دست بردارد و یا بر سر آن مصالحه، معامله و سازش نماید. به عبارت دیگر منافع ملی ضامن بقای استقلال و حمایت کشور است و از چنان اهمیتی برخوردار است که برای دفاع از آن ملت‌ها آماده همه گونه فداکاری هستند.

ایران و عراق در طول سالیان اخیر به عنوان دو کشور برخوردار از مناسبات راهبردی، در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت منافع ملی مشترک همگرایی داشته‌اند.

پس از شکل‌گیری دولت نوین عراق، با رفع محدودیت‌های سابق و همچنین ظرفیت‌های گسترده و بالقوه اقتصادی این کشور، گسترش فعالیت‌ها و تبادلات اقتصادی با ایران به دلیل وجود مزیت‌های نسبی زمینه را برای مستحکم‌تر شدن روابط دو کشور فراهم آورد. تقویت مبادلات اقتصادی و بازرگانی نه تنها فرصت‌های مناسبی برای شرکت‌ها و تجار ایرانی برای حضور فعال در بازارهای عراق را فراهم می‌سازد، بلکه به تقویت روابط راهبردی و یا حداقل رقابت سازنده و خروج از بی‌اعتمادی متقابل بین دو کشور منجر می‌شود که به تبع یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تنش در سطح روابط منطقه‌ای را رفع می‌کند.

بی‌شک جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت جغرافیایی و در اختیار داشتن ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی و همچنین اشتراکات فرهنگی و مذهبی با عراق، می‌تواند نقش برجسته‌ای در رشد و توسعه اقتصادی عراق جدید ایفا نماید. در حال حاضر با وجود تمام تلاش‌های صورت گرفته، روابط اقتصادی دو کشور به سطح مطلوب خود نرسیده است. شاید بتوان دلیل این امر را در راهبرد کلان و طولانی‌مدت جمهوری اسلامی ایران برای حضور در بازارهای اقتصادی عراق و همچنین وجود ناامنی و بی‌ثباتی در این کشور دانست.

گذشته از دو مسأله بالا، نمی‌توان حضور بازیگران رقیب ایران در بازارهای اقتصادی عراق را نادیده گرفت. امروزه ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و ترکیه رقابت شدیدی را با جمهوری اسلامی ایران در راه دست‌یابی به بازارهای اقتصادی عراق آغاز کرده‌اند.

همچنین بین ایران و عراق زمینه‌های همکاری وجود دارد که باعث شده روابط ایران و عراق بیشتر و نزدیک‌تر شود که عبارتند از:

۱- همکاری در حل مشکلات مرزی

از نظر جغرافیایی، دو کشور ایران و عراق دارای مرزی مشترک و طولانی بوده که خود یکی از بدترین حالات خطوط مرزی است، به طوری که هر دو کشور همواره بر سر مسائل مرزی با یکدیگر مشکل داشته‌اند. بنابراین پابندی به قراردادهای حقوقی بین دو کشور شرایط اولیه هرگونه تفاهمی در حل مشکلات سیاسی - امنیتی مرزهای دو کشور است. بدین دلیل قبول تفاهم‌نامه‌های رسمی گامی در جهت همکاری دو کشور است، ضمن آنکه با توجه به تجمعات انسانی در طول مرز، ایجاد بازارچه‌های مرزی علاوه بر آنکه باعث رونق اقتصادی دو کشور می‌شود، مشکل معیشت مرزنشینان و احتمال ایجاد بحران ناشی از مشکلات اقتصادی مرزنشینان را حل می‌کند. در سال‌های اخیر کمیسیون دائمی هماهنگی وظایف کلاتران مرز ایران و عراق سه بار تشکیل شده است و طرفین مرزبانان خود را برای همکاری به یکدیگر معرفی کرده‌اند و حوادث در مرزها در مقایسه با سال‌هایی که این مکانیسم فعال نشده بود بسیار کمتر شده است.

ایران و عراق در ارتباط با رودخانه‌های مرزی نیز چندین دور در چارچوب کمیسیون دائمی فنی مختلط مذاکره داشته‌اند که تکلیف رودخانه‌ها و سهم هر دو کشور و نحوه بهره‌برداری از رودخانه‌ها مورد بحث و مذاکره قرار گرفته است و این مذاکرات ادامه خواهد داشت.

۲- همکاری در زمینه نفت و گاز

عنصر پایدار دیگر در تجزیه و تحلیل روابط ایران با عراق جدید، مسأله رقابت منطقه‌ای دو کشور است. ایران و عراق دو کشور مهم منطقه به حساب می‌آیند که از پتانسیل‌های فراوان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخوردارند. وجود این پتانسیل‌ها به هر حال روابط دو کشور را در حوزه‌های مختلف اقتصادی (از جمله در چارچوب اوپک و کسب بازارهای مصرفی منطقه)، سیاسی و امنیتی (از جمله رقابت در ترتیبات امنیتی حوزه خلیج فارس و ائتلاف با سایر کشورهای منطقه و جهان) به رقابت به یکدیگر کشانده و خواهد کشاند.

ایران و عراق هر دو دارای ذخایر عظیم نفت و گاز و از اعضای اوپک هستند و هرگونه همکاری و همگرایی در خصوص نفت بین دو کشور می‌تواند تأثیرات زیادی بر صنعت بین‌المللی نفت بر جای گذارد.

۳- همکاری در زمینه راه‌های ارتباطی

نکته حائز اهمیت دیگر محدودیت عراق در دسترسی به خلیج فارس در صادرات کالای خود از جمله نفت است که می‌توان با توجه به ظرفیت اقتصادی استان خوزستان و قرار گرفتن آن در مرز، با ایجاد خطوط ریلی و توسعه ترانزیت جاده‌ای و کشتیرانی به واسطه ایران می‌توان باعث همگرایی دو کشور شد.

۴- وجود شیعیان

به لحاظ ایدئولوژیک حدود ۶۵ درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند که با ایران پیوند عمیق ایدئولوژیک دارند که تسلط شیعیان در اداره حکومت عراق باعث همگرایی هر چه بیشتر این دو کشور می‌شود. همچنین وجود مراجع تقلید تشیع در دو کشور نیز نقش زیادی در نفوذ و تأثیرگذاری ایران در عراق دارد. به عنوان نمونه می‌توان به حضور آیت الله سیستانی از بزرگ‌ترین مراجع جهان تشیع در عراق اشاره کرد. آیت الله سیستانی که برجسته‌ترین روحانی عراقی است، در ایران متولد شده و تحصیلات اولیه را در این کشور گذرانده است. بسیاری از مشاوران نزدیک و قدیمی او نیز از خانواده‌های ایرانی هستند و تحصیلات و آموزش خود را نیز در ایران گذرانده‌اند. این مرجع عالی‌قدر تاکنون هیچ‌گاه حاضر به ملاقات با مقامات آمریکایی نشده است. این در حالی است که زمانی که کمال خرازی، وزیر خارجه وقت ایران به عراق سفر کرد، با استقبال گرم ایشان روبه‌رو شد؛ به گونه‌ای که رسانه‌های آمریکایی از آن به عنوان یک ملاقات خانوادگی یاد کردند تا ملاقات سیاسی وزیر خارجه ایران با یک مقام بلندپایه مذهبی در عراق. این نشان از قدرت نرم ایران در عراق دارد که به واسطه مذهب تشیع و روحانیون شیعی در عراق ایجاد شده است (پشنگ، ۱۳۹۰، به نقل از صادقی و عسگر خانی).

مراکز شیعی کربلا و نجف، سالیان متمادی است که روحانیون و طلاب ایرانی را به خود جذب می‌کند. بسیاری از این افراد با سکونت در این مراکز شهری، شهروند عراق شده و با خانواده شیعی عراق وصلت کرده‌اند. بسیاری از مراجع ساکن عراق، ایرانی‌تبار و دل‌بستگی‌شان به امور مربوط به ایران و عراق یکسان بوده است. این طبقه از روحانیون عالی‌رتبه به سبب برخورداری از منزلت مرجعیت تقلید و راهنمایی معنوی، هم از جهت اعتقادی و هم سیاسی نفوذ بسیار زیادی در شیعیان

عراقی داشته‌اند. شیعیان عراقی، فرهنگ ایران و دانش روحانیون ایرانی را می‌ستایند و در زندگی شیعیان ساکن در شهرهای مقدس، تأثیر فرهنگ عامیانه در اموری همچون غذاها، صنایع دستی و اصطلاحات به چشم می‌خورد (نادری دوست، ۱۳۸۶، ۲۵۹-۲۵۸، به نقل از صادقی و عسگر خانی). براساس گزارش اندیشکده واشنگتن، قدرت نرم ایران در عراق بسیار تأثیرگذار بوده است. به طوری که این کشور توانسته با صدور انقلاب اسلامی خود به عراق و با استفاده از تأثیرگذاری علمای قم بر صحنه سیاسی عراق، کار را برای نفوذ آمریکا در عراق دشوار سازد. تشکیل دولت جدید عراق که شامل بسیاری از متحدان نزدیک ایران است و از سوی دیگر خروج نظامیان آمریکایی از عراق، فرصت جدیدی را برای توسعه نفوذ ایران در این کشور فراهم کرده است و این احتمال وجود دارد که عراق نیز تبدیل به لبنانی دیگر شود (فتحی، ۱۳۹۰، به نقل از صادقی و عسگرخانی).

۵- همکاری در زمینه آب

هر دو کشور در اروندرود یا شط‌العرب دارای مرز مشترک هستند که با استفاده از یک سیستم آبیاری مشترک می‌توانند از آن بهره‌وری کنند، ضمن آنکه با توجه به تجربه ایران در زمینه سدسازی می‌توان با همکاری در ایجاد سدهایی در کشور عراق، معضل کم‌آبی این کشور را حل کرد و سبب همکاری شد؛ البته از دیگر شبکه‌های آب‌هایی که در طول مرز است می‌توان به عنوان زیربنای همکاری‌های اقتصادی استفاده کرد. رودخانه‌های چنگوله و گنجان‌چم در منطقه بدره و زربانیه از آن جمله‌اند که دارای آب دائمی است.

۶- همکاری امنیتی و سیاسی علیه مداخله خارجی در خلیج فارس

ایران و عراق می‌توانند با همکاری یکدیگر اقدام به صدور پیمان‌نامه‌هایی برای تأمین امنیت خلیج فارس و دور نگاهداشتن قدرت خارجی از این منطقه راهبردی کنند.

۷- همکاری‌های اقتصادی

از آنجا که اقتصاد ایران و عراق تک‌محصولی و وابسته به نفت است می‌توان با همکاری یکدیگر به مبادلات اقتصادی و ایجاد بازارهای مشترک اقدام کرد.

گسترش روابط اقتصادی میان ایران و عراق می‌تواند به تقویت قدرت و منافع متقابل منجر شود و زمینه و فرصت مناسبی برای ایران اسلامی محسوب می‌شود. ب‌تردید پس از شکل‌گیری دولت

نویسنده عراق، جمهوری اسلامی ایران بیشترین روابط را با این کشور در ابعاد اقتصادی و بازرگانی داشته است.

در حال حاضر، عمده توجه جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه روابط اقتصادی با عراق را می‌توان در چند زمینه بیان نمود: ۱- بازسازی و ساخت کارخانه‌های برق و تولید انرژی ۲- بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال انرژی نفت و گاز ۳- بازسازی و ساخت شبکه‌های انتقال و توسعه منابع آبی ۴- بازسازی و ساخت شبکه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و راه‌آهن ۵- بازسازی و ساخت پالایشگاه‌های نفت، گازوئیل و پتروشیمی ۶- ساخت کارخانه‌های سیمان و مواد ساختمانی (تیشه یار و ظهیرزاد، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

جمع بندی

اشتراکات ایران و عراق در خصوص عدم حضور نیروهای بیگانه، دو کشور می‌توانند گام‌های مثبتی را در جهت اعتمادسازی منطقه‌ای و در نتیجه انعقاد پیمان امنیتی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس برای حفظ و ثبات منطقه بردارند.

همکاری‌های اقتصادی دو کشور بیشترین امکان مانور را در اختیار می‌گذارد. شرایط جغرافیایی عراق از تنوعی کامل برخوردار است و این کشور آب، خاک و اقلیمی مناسب دارد و منابع دست‌نخورده است و از همه مهم‌تر دسترسی به منابع انرژی دارد که خود به خود این کشور را به منابع مالی مطمئن اتصال می‌دهد. ایران نیز از چنین ویژگی‌هایی برخوردار است. این عوامل طبیعی می‌توانند بهتر به هم نزدیک شوند و به شکل مکمل عمل کنند و همه امکانات طبیعی را یک جا در خود جمع نمایند.

همکاری منابع نفت و گاز از دیگر ویژگی‌های دو کشور است که دارای منابع عظیم انرژی هستند. توسعه و بهره‌برداری از حوزه‌های نفت و گاز به صورت مشترک از رقابت بین این کشورها برای یافتن بازار مناسب تا حدود زیادی جلوگیری می‌کند. یکی از اهداف عمده شرکت‌های نفتی و کشورهای غربی آن است که از همکاری و همگرایی کشورهای نفتی خلیج فارس جلوگیری به عمل آورند. یکی دیگر از مشکلات دو کشور صدور نفت خام بدون انجام هیچ‌گونه فرایند صنعتی

بر روی آن است. بنابراین برای گریز از آثار نامطلوب این راهبرد، دو کشور می‌توانند با ایجاد پالایشگاه‌های مختلف و مشترک به این نقیصه پایان دهند. با توجه به اینکه ایران یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز در خاورمیانه و خلیج فارس است و مصرف سرانه سوخت در عراق نیز بالاست، دو کشور می‌توانند در مورد توسعه خطوط لوله گاز برای مصرف داخلی عراق ترانزیت آن از طریق عراق همکاری کنند. این امر علاوه بر این که برای هر دو کشور سودآور خواهد بود کشورهای مصرف‌کننده گاز را هم ناچار می‌سازد در امنیت لوله‌های مربوط مشارکت داشته باشند. طبیعی است چنین تفکراتی برای هر دو کشور توسعه واقعی و نوعی امنیت متقابل و ثبات سیاسی ناشی از امکانات منطقه را به وجود خواهد آورد.

ایجاد بازارچه‌های مرزی می‌تواند به عنوان زیربنایی برای اقتصاد مرزنشینان مورد بهره‌برداری قرار گیرد و مرزنشینان نیز با اعتماد بیشتری به زندگی آرام خود ادامه دهند؛ زیرا سرمنشأ و محل افزایش نیروهای واگرا چه برای ایران و چه برای عراق در اطراف نوار مرزی است و منشأ اقتصادی دارد. اگر بخواهیم تحلیلی از دیدگاه دفع بحران بر محور انسانی و نوع سنخیت آن در مناطق مرزی دو کشور انجام دهیم متوجه خواهیم شد که نرخ بیکاری در هر دو کشور در این مناطق بسیار بالاست. دو کشور می‌توانند در محیطی امن برای سرمایه‌گذاری‌های کوچک و کارآمد به عنوان یک ابزار راهبردی با هزینه بسیار اندک و کاربری بسیار بالا از این نیروهای پراکنده و بی‌هدف حداکثر بهره را ببرند.

در زمینه آب هر دو کشور رودخانه‌های مشترک مرزی دارند که می‌توانند به عنوان شریان‌های اقتصادی منطقه استفاده شوند. امکان بهره‌گیری از یک سیستم آبیاری مشترک در منطقه‌ای به طول صد کیلومتر شکل دیگری از همکاری را فراهم می‌نماید.

پرسش دوم

مسائل فرهنگی و اجتماعی، بعد از سقوط صدام به عنوان یکی از علل همگرایی چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

- تحلیل

تقویت تعاملات فرهنگی - اجتماعی دولت ایران و عراق در جهت گسترش فرصت‌سازی اقتصادی، سیاسی، امنیتی و راهبردی حائز اهمیت فراوانی است. هر چند تعاملات فرهنگی دو طرف از ویژگی‌ها و وجود شاخص‌های مثبت زیادی برخوردار است، اما نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که در مقابل به دلیل وجود برخی اختلافات فرهنگی ناشی از زبان و فرهنگ عربی و فارسی، رقابت‌های ملی و منطقه‌ای و نوع نگاه متفاوت به روابط بین‌المللی، روابط دو کشور از تهدیداتی نیز برخوردار است.

شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای کار کردن با عناصر فرهنگی مختلف عراق، نقش مهمی در تشخیص راهبرد بهینه سیاست خارجی ایران در نوع تنظیم روابط با عراق جدید دارد. در این میان استفاده از نقش فرصت‌ساز عنصر شیعه اهمیت خاصی در افزایش ظرفیت زمینه‌های فرصت‌سازی در سیاست خارجی ایران داشته است (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

سقوط رژیم صدام این فرصت را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است که با همکاری دولت عراق، گام‌های مهمی در جهت پاسخگویی به نیازهای خود به ویژه در زمینه تحکیم مبانی انسانی بردارد. به عنوان یک اصل پایدار، پذیرش این اصل که تحقق منافع ملی ایران در درجه اول مبتنی بر کار کردن با تمامی گروه‌های فرهنگی - قومی جامعه عراق اعم از شیعیان، کردها و سنی‌ها است، اهمیت فراوانی دارد. هدف این اصل، یعنی ایجاد تعادل در نوع روابط با گروه‌ها به اندازه‌ای است که به نارضایتی سایر گروه‌های فرهنگی منجر نشود. البته کاملاً طبیعی است که به دلیل سابقه اتصالات فرهنگی با شیعیان عراق، اولویت جمهوری اسلامی ایران باید بر اساس کار کردن با شیعیان و تقویت یک حکومت شیعی محور باشد (کریمی، ۱۳۸۶: ۶۶).

- جمع‌بندی

بعد از سقوط رژیم بعث و اشغال عراق توسط اشغالگران و روی کار آمدن دولت شیعی در این کشور انتظار می‌رود که دو ملت به سوی روابط راهبردی خود متمرکز شوند. عراق می‌تواند بهترین متحد طبیعی ایران در غرب کشور باشد. بنابراین می‌توان پتانسیل‌های موجود را برای همکاری

دوجانبه در نظر گرفت.

در کشورهای جنوب غربی آسیا اگر بخواهیم برای این دو عامل معیار و میزانی در جهت تحکیم، توسعه و گسترش پیوندهای فرهنگی بین ایران و کشورهای منطقه برقرار کنیم، عراق مقام اول را دارا است. حیات فرهنگی یک ملت باید حداقل امکان از نفوذ جنبه‌های منفی فرهنگ‌های مهاجم مصون باشد، اما این مصونیت از طریق ممنوعیت، محدودیت و سانسور فراهم نمی‌شود، بلکه از طریق خلق، تولید و مبادله فرهنگ به دست می‌آید. حفظ فرهنگ ملی توسط هر یک از ملل به تنهایی امکان‌پذیر است، اما از بسیاری جهات به دلیل پراکندگی منابع فرهنگی در سطح منطقه و جهان این کار مستلزم همکاری با کسانی است که دو کشور را به خاطر مشابهت‌های فراوان و بی‌شمار فرهنگی برای اتخاذ راهبردی مشترک، نزدیک می‌کنند.

پرسش سوم

وجود مرز مشترک بعد از سقوط صدام به عنوان یکی از علل همگرایی، چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد؟

- تحلیل

دو کشور ایران و عراق در مسافتی حدود ۱۳۳۶ کیلومتر دارای مرز مشترک می‌باشند که حدود ۸۴ کیلومتر از آن مرز مشترک آبی (اروند رود) است و مابقی زمینی است. به ترتیب استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان در این خط ممتد و طولانی با عراق هم‌مرز هستند. دو رود دجله و فرات در شمال بصره در ناحیه‌ای به نام «القرنه» به یکدیگر می‌پیوندند و شط‌العرب را تشکیل می‌دهند و سپس در مسیر رودخانه، مرز بین‌المللی ایران و عراق را با نام «اروند رود» می‌شناسیم. به طور کلی مرز مشترک دو کشور از شمال اشنویه تا مهران و دهلران دارای ۹ معبر و گذرگاه است و بیشترین ناحیه آسیب‌پذیر مرزی در طول این سال‌ها، ۸۴ کیلومتر مرز مشترک آبی میان دو کشور به شمار می‌آید.

هر گاه جمعی دارای هدف و آرمانی مشترک باشند و برای رسیدن به آن اهداف و آرمان‌ها، مسیر مشترکی را انتخاب کنند و همه با هم در این مسیر مشترک حرکت کنند، گفته می‌شود که

آن‌ها دارای وحدت و همگرایی (جمشیدی، ۱۳۸۶، ۵۵).

- جمع‌بندی

با توجه به خلأهای ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک حاکم بر خطوط مرزی ایران و عراق می‌توان با اتخاذ تدابیر اندیشمندانه خلأهای بالا را تبدیل به نقاط قوت نمود و هر دو کشور با سیاست‌گذاری‌های صحیح از توان‌های بالقوه منطقه و جغرافیایی خاص آن به نفع ملت‌های خود بهره‌برداری نمایند و آن را به توان‌های بالفعل تبدیل کنند.

پرسش چهارم

وجود اماکن متبرکه بعد از سقوط صدام به عنوان یکی از علل همگرایی، چه تأثیری بر امنیت سیاسی جمهوری اسلامی دارد؟

- تحلیل

بی‌شک تجدید نقش عتبات عالیات در عراق پیامدهای گسترده‌ای نه فقط برای توسعه سیاسی آینده عراق بلکه برای تحولات مذهبی آینده در خاورمیانه دارد. در میان بسیاری از شیعیان عراقی تحت تأثیر عتبات عالیات این احساس مذهبی وجود دارد که ایران همواره مراقب و محافظ شیعیان عراق است و در مواقع بحرانی همچون برادر به آن‌ها کمک می‌کند.

بی‌تردید حضور پررنگ ایران در عراق جدید ناشی از منطق طبیعی تحولات پویا در ساخت قدرت و سیاست عراق پس از سرنگونی رژیم بعثی و آزاد شدن پتانسیل عظیم گروه‌های مختلف سیاسی شیعی و وجود عتبات عالیات است که در دوران گذشته هیچ نقش قابل توجهی در صحنه سیاسی عراق نداشتند (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۲).

اماکن مذهبی نقش مهمی در تبادلات فرهنگی و مذهبی بین دو کشور داشته است. هر ساله تعداد زیادی از زائران ایرانی و عراقی برای زیارت و انجام مراسم عبادی به زیارتگاه‌های دو کشور سفر می‌کنند. اینگونه مبادلات، نقش مهمی در ایجاد درک متقابل مردم از یکدیگر و افزایش پیوندها و روابط طولانی‌مدت دارد (پشنگ، ۱۳۹۰، به نقل از صادقی و عسگرخانی). مهم‌ترین مکان‌های مقدس شیعیان واقع در عراق، زایران بی‌شماری از ایران را جذب می‌کند. بسیاری از ایرانیان در

عراق مستقر شده و به تدریج با مردم آن سرزمین تلفیق و ادغام می‌شوند (نادری دوست، ۱۳۸۶، ۲۵۸، به نقل از صادقی و عسگرخانی).

پس از سقوط صدام با بازیابی نقش مجدد عتبات عالیات و قرار گرفتن شیعیان در رأس دولت عراق نوین، زمینه برای همکاری بیش از پیش ایران و عراق جدید فراهم آمده است. تا قبل از سرنگونی رژیم بعث به دلیل عدم بهره‌گیری از این ظرفیت عظیم، نقش عنصر شیعی محدود بود. بهره‌گیری از نقش فرصت‌ساز عتبات عالیات در حوزه سیاست خارجی ایران در گذشته به دو دلیل مورد استفاده مناسب قرار نگرفت: اول، عدم اعتنای رژیم سابق ایران به نقش ایدئولوژی و مذهب در حوزه ظرفیت‌سازی سیاست خارجی بود که منجر به عدم استفاده از نقش این عنصر در تنظیم سیاست خارجی می‌شد. دلیل دوم، به سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم بعثی و اقلیت مسلط سنی در بغداد در نادیده گرفتن حضور و نقش عتبات عالیات در ساخت قدرت و سیاست عراق بر می‌گردد. در سطح ملی و روابط دوجانبه، وجود عتبات عالیات تقویت حضور شیعیان در رأس قدرت زمینه‌های ایجاد روابط راهبردی مبتنی بر همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی را فراهم می‌سازد. در سطح منطقه‌ای، بیش از هر چیز عتبات عالیات با تقویت عنصر شیعه در عراق جدید، نقش مهمی در متعادل کردن روابط ایران با ملت‌های شیعی منطقه و با جهان عرب خواهد داشت. بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بر اهمیت نقش ایران برای نظام بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای افزوده شده است و این به دلیل در اختیار داشتن ابزارهای نفوذ قوی (طبیعی) در جهت حفظ امنیت و ثبات است.

- جمع‌بندی

در شرایطی که هویت ایرانی با آیین تشیع پیوندی جدایی‌ناپذیر پیدا کرده است، به حکم تاریخ، دو کانون اصلی آیین تشیع یعنی مقدس‌ترین شهرهای فرهنگی شیعه، نجف و کربلا در خاک عراق قرار دارند. زیارت این دو شهر مقدس و بارگاه‌های موجود در آن‌ها از نظر عاطفی و معنوی برای شیعیان دو کشور تجلی وحدت شمرده می‌شود و نقش محوری دارد. اگرچه تاریخ، حرم‌های مقدس شیعی را به عراق داده است، وجود اکثریت جمعیت شیعی در سرزمین عراق نیز حیات

سیاسی این کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در واقع، شهرهای مقدس شیعی در عراق، فرهنگ شیعی را شکوفا کرده‌اند و برای جهان تشیع به طور کلی نقش محوری داشته و دارند.

نتیجه‌گیری

عراق جدید دارای ویژگی‌هایی است که نسبت به دوران حاکمیت رژیم بعث تفاوت‌های ماهوی و شکلی عمیقی پیدا کرده است. سیاق تحولات جدید و ساختار سیاست و قدرت در این کشور، چالش‌های سیاسی - امنیتی متفاوتی را در قبال ایران رفع کرده است. سیر تحولات عراق، نگرش‌ها و رویکردهای متعددی در قالب‌های واقع‌گرایی و ایده‌آلیستی را در نوع نگاه ایران به حوادث عراق نوین در میان طیف وسیعی از دانشگاهیان مسئولان اجرایی به وجود آورده است که نوع نگاه به ساخت جدید عراق و راهبردهای سیاسی - امنیتی ایران در قبال تحولات این کشور از جمله از منظر نگاه این رویکردها بوده است. اما آنچه در مجموع درباره تحولات عراق باید کاربستی عملیاتی پیدا کند، پذیرش عراق جدید به عنوان یک واقعیت موجود، با نگاهی پراگماتیک و عمل‌گرا به صحنه داخلی آن و بازیگران صاحب منفعت و منافع در این کشور است. نوع نگاه درباره منافع رقبای منطقه‌ای و آمریکا در عراق نوین، تحولات شمال عراق، قدرت‌گیری تشیع در ساخت قدرت بغداد پس از صدام، تعیین تکلیف قراردادهای مرزی و سایر عوامل مؤثر، مواردی از واقعیت‌های موجود در روابط دو کشور محسوب می‌شود. بنابراین بایستی در ارتباط با این وضعیت با نگاهی عملگرایانه و تعامل در صحنه عراق، سعی در پیگیری اهداف راهبردی خویش نمود و با بازیگران منطقه‌ای بین‌المللی صحنه‌گردان صفحات سیاسی عراق، تعاملی سازنده و کارا در جهت افزایش منافع ملی و تأمین بهینه امنیت ملی داشت.

ایران منافع ملموس و جاری در عراق دارد. برای دستیابی به منافع ملی، ایران نیاز به کار کردن با یک دولت مرکزی باثبات در عراق دارد. بی‌ثباتی در عراق ضمن فراهم کردن هزینه‌های امنیتی زیاد برای ایران، منجر به حضور مداوم بیگانگان در منطقه به بهانه حفظ امنیت منطقه‌ای و نیز جهانی در قالب جنگ علیه تروریسم یا گسترش دموکراسی و ... می‌شود. بنابراین، این امر تعادل طبیعی قوا در منطقه را به ضرر ایران بر هم می‌زند. در این زمینه بی‌تردید اعتماد به نفس کاذب شیخ‌نشینان

حوزه خلیج فارس در طرح ادعاهای مربوط به جزایر سه گانه ناشی از حضور مستقیم آمریکا در منطقه است. یک عراق امن، باثبات، متعادل و متعامل، ضمن تسریع حل مشکلات به جامانده دو کشور از زمان جنگ، به ایران به عنوان دوست و همکار در ترتیبات امنیتی جدید منطقه می‌نگرد و در نهایت قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را افزایش می‌دهد.

پتانسیل‌های موجود در دو کشور از عوامل مهمی است که دولت مردان ایران و عراق را مجبور خواهد ساخت سطح روابط دوجانبه را گسترده کرده و عمق ببخشند. بی‌تردید مانع تراشی و هرگونه شیطنت در این روند مشکلات عدیده‌ای را به وجود خواهد آورد که به صلاح دو ملت ایران و عراق، همسایگان و هیچ طرف خارجی نیست و علی‌رغم تبلیغات و تحرکات منفی که برخی طرف‌ها علیه این روابط به انجام می‌رسانند، روابط دو کشور هیچ تهدیدی برای دیگران نخواهد بود؛ به ویژه اینکه تقویت این وضعیت نویدبخش نظام جدید امنیتی در خلیج فارس با ترکیب ایران، عراق و شورای همکاری خلیج فارس است.

کتابنامه

۱. افتخاری، اصغر، (۱۳۷۷)، «طرفیت طبیعی امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
۲. ایوبی، حجت‌ال...، (۱۳۷۷)، «شکاف‌های قومی و خشونت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول.
۳. برزگر، کیهان، (۱۳۸۵)، «تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه‌های روابط خصمانه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر»، راهبرد، شماره ۳۹.
۴. برزگر، کیهان، (۱۳۸۵)، سیاست خارجی ایران در عراق جدید، تهران، نشر مرکز تحقیقات استراتژیک.
۵. برزگر، کیهان، (۱۳۸۷)، ایران - عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس، تهران، معاونت پژوهش‌های دانشگاه آزاد اسلامی.
۶. بهشتی، علی‌رضا (۱۳۷۹)، «فرهنگ و هویت ایرانی، فرصت‌ها و چالش‌ها (میزگرد)»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۴، صص ۶۱ - ۱۱.

۷. پیشداد، سعید، (۱۳۸۳)، همگرایی در سازمان اکو، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران، باز.
۸. تهامی، مجتبی، (بی تا)، امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های امنیتی و دفاعی.
۹. تیشه یار، ماندانا و مهناز ظهیری نژاد، (۱۳۸۴)، بررسی نقش جغرافیایی سیاسی عراق در روابط با همسایگان، تهران، نشر ذره.
۱۰. جوکار، محمد صادق و طوسی، مهدی، (۱۳۸۹)، «درآمدی نظری بر چپستی رابطه فرهنگ ملی و امنیت ملی در ایران»، فصل نامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره ۱.
۱۱. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ «تحلیل جامعه‌شناسی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۵، صص ۲۲۸ - ۱۹۳.
۱۲. حافظ نیا، محمدرضا؛ زرقانی، سیدهدای (۱۳۹۱) چالش‌های ژئوپلیتیکی همگرایی در جهان اسلام، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰، صص ۱۳۹ تا ۱۵۴.
۱۳. حسین پور، حجت الله (۱۳۸۰)، گروه‌های قومی ایران، تهران، فصل نامه مطالعات ملی.
۱۴. خمینی، روح الله (۱۳۷۳)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. ربیعی، علی، (۱۳۸۷)، مطالعات امنیت ملی (مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم)؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه ایران، چاپ سوم، تهران.
۱۶. روشندل جلیل (۱۳۸۷)، «امنیت ملی و نظام بین‌المللی»، چاپ پنجم، تهران انتشارات سمت.
۱۷. روشندل، جلیل، (۱۳۷۴)، «علائق استراتژیک آمریکا در خلیج فارس»، تهران، نشر البرز.
۱۸. ریحانی، منوچهر، (۱۳۸۸)، «الف»، «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۳.
۱۹. ریحانی، منوچهر، (۱۳۸۸)، «ب»، «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه معرفت سیاسی، سال اول، شماره‌ی اول.
۲۰. ریحانی، منوچهر، (۱۳۸۸)، بررسی توصیفی و تحلیلی روابط ایران و عراق، تهران، نشر فروزش.
۲۱. شایگان، یوسف، (۱۳۸۸)، اعراب در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی، تهران، نشر غدیر.
۲۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: نشر قومس

۲۳. گولد، جولوس و کولب، ویلیام، (۱۳۸۴)، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر پرهام، تهران، مازیار، چاپ دوم.
۲۴. معمار، رحمت‌الله (۱۳۷۸)، «سنجش گرایش به هویت تاریخی»، تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما، منتشر نشده.
۲۵. منصوری، جواد، (۱۳۷۰)، فرهنگ استقلال، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۶. موذن جامی، محمدهادی، (۱۳۷۸)، «مقدمه‌ای بر امنیت و مؤلفه‌های آن»، دانش انتظامی، شماره ۱، صفحه از ۳۸ تا ۸۵.
۲۷. واعظی، مرتضی (۱۳۸۸)، روابط فرهنگی ایران و عراق از آغاز تا کنون، تهران، نشر زوار.

The Factors of Convergence between Iran Iraq and Its Impact upon the Political Security of the Islamic Republic of Iran

Dr. Mahdi NattaghPur and Reza NowRuzi

ABSTRACT

This article addresses the effective factors that contribute to convergence between Iran and Iraq, as well as its effect on the political security of the Islamic Republic of Iran since Saddam Hossein toppled from power in Iraq to date. The method intended for this research is descriptive-analytical. It follows that the subjects on convergence between Iran and Iraq and the parameters that contribute to political security have been presented in a descriptive way, and analyzing the findings have predominantly carried out using qualitative analysis and argument. Considering the nature of the issue under study, information has been collected by using internet and library methods. Generally speaking, the potentials available in both countries constitute the major factors that will force the Iranian and Iraqi statesmen into expanding the levels of bilateral relations. It is specifically noteworthy that improving the factors that help strengthen convergence heralds the formation of a new security system in the Persian Gulf that is a combination of Iran and Iraq.

KeyWords: factors contributing to convergence; political security; pro-Saddam Iraq; the Islamic Republic of Iran

**A Study of the Role of the Self-Sufficient Field Surgical Units in
the Ground Forces of the Army of the IRGC units in
Asymmetrical Warfare Conditions**

Dr. Mohammad Biglary and Mohammad Cheraghi

ABSTRACT

Having been under the influence of the conditions and frequency of the variables, threats and trans-regional and regional challenges in asymmetrical warfare, this research begins to explain the role of the self-sufficient field surgical units in the asymmetrical warfare in the Ground Forces of the Army of the IRGC units based on the elevated objectives pursued by the Islamic Revolution, and the emphasis on how battles can be won, and the valuable experiences in the period of the Holy Defense. Then, it presents a hands-on model in order to reduce the coefficient of the manpower casualties in future possible contingencies. The research is applied in terms of objective, and descriptive, analytical, and survey in terms of methodology, and closed questionnaires with a multi-point Likert scale have been the main instrument to collect data, through which library sources with questionnaires have been used. The statistical community is the elites of the combat medical personnel whose data have been analyzed using SPSS statistical software. Also, the validity of the measurement means on the basis of **Cronbach's alpha** has been 91% which resulted in a 98-percent reliability, all indicating that the parameters have a remarkable impact. The technical parameters of logistics and telecommunications (3/66), military mission (3/51), technical transportation and medical equipments (3/48) and general and specialized personnel (3/43) have had the most impact.

KeyWords: asymmetrical warfare; mobile field surgical units; the combat units of the Ground Forces of the Army of the Guardians of the Islamic Revolution; relief and transmission of the wounded and injured

Martyr Sayyad Shirazi's Methods of Management and Leadership in Conducting War and Comparing Them with Islamic Teachings

Dr. Ali Jamali and AbolFadzl Pasban

ABSTRACT

Today, more than any time in history, the importance of leadership and management and their increasing impact has been proved in how human communities are constructive and the progress made by the countries in the world. It has also been experienced that only those human communities that have more qualified leadership and wiser managers are able to achieve more and better growth, development and progress. Considering the importance of this issue and its increasing significance in war conditions, it is necessary to address the methods of management and leadership. Sayyad Shirazi was one of the best commanders and managers of the Holy defense period, who handled a critical duty and brought Iran many successes for the Islamic Iran. He had ethical and personality traits that caused this article to analyze his way of management in times of war and crisis by using analytical-descriptive methods via documentary and library means. So, having conducted some theoretical studies, this research begins to enumerate the responsibilities and duties of a manager and commander and to examine the characteristics of managers and commanders in Islam, comparing them with Sayyad Shirazi's methods of military management and leadership. The findings of the research show that his method of managing and commanding as an example of a successful commander who abides by the rules of the school of Islam and Wilayat al Faqih is maximally matched with the Islamic teachings. What made the battleground quite dynamic and mobile was the spirit of spirituality invigorated by the Islamic Ulema's inspirations, the subordinates' behaviors that were decorated with Islamic codes of behavior, the use of Basij and IGRC forces, and the belief that these are not inseparable and that the war is run by people themselves. He had put all his time and energy to observe concepts like complacency, kindness, consulting in the process of decision-making and efforts to attract God's consent and trust and practice the rules contained in the Holy Koran. Therefore, the Martyr Sayyad Shirazi's style of commanding and management can be considered as a successful model for commanders and managers in military field with emphasis on Islamic teachings

KeyWords: military management and leadership; Sayyad Shirazi; Holy Defense; Islamic teachings

A Functional Analysis of Maritime Borders in the Security of the Persian Gulf

Ebrahim Zarghami and Mohammad SheykhZadeh

ABSTRACT

Today, the need to pay heed to Iran's maritime borders and territories are felt more than ever, due to IRI's interests, opportunities and challenges in the Middle East and the Strait of Hormuz. This research is mainly aimed at studying and analyzing the functions of maritime borders in preserving the security of the Persian Gulf, so that the functions, opportunities and challenges of the borderline in this region can be determined. The methodology in this research is descriptive-analytical where the main means of gathering information is via library means. The research hypothesis is on this basis that political, economic, and defense functions of maritime borders play a determining role in stabilizing the security of the Persian Gulf. The research findings show that separation, integration, interaction and cooperation, conflict, sovereignty over sea territories, sovereignty over seabed and sub-seabed resources, increasing the territorial scope and the strategic depth of the country are among the functions of the maritime borders in stabilizing the security of the Persian Gulf.

KeyWords: maritime border; law of sea; security; Persian Gulf

**The Defense-Offense Way of Thinking as Viewed by Imam Ali in
Nahj-Ol-Balaghe**

Dr. mohammadJavad SobhaniFar and Ali Pasokhi

ABSTRACT

The military and defense projects include the vital installations of the country. Enemies are consistently trying to detect such projects so they could carry out their threats against such installations in case it may be necessary. Therefore, due to the threats and the harms they may inflict, the military and defense projects are more risky than the ordinary ones, where risk management plays an important part in such projects. Taking passive defense actions, the hostility-stricken country tries to prevent the projects from being detected by the enemy, so that it may be able to control and minimize the existing risk. Therefore, conducting risk management demands that monies be spent to implement passive defense considerations in order to mitigate the costs that come from threats. In recent decades, the industrial and developing countries, even the countries neighboring Iran well appreciated the necessity of using effective techniques and methods to save costs, trying enthusiastically to cut on necessary costs that have had no effect on the function, quality, decoration, security improvement, and other important features of projects, while being invisible and/or ignored in the early studies and designs. Such costs do often account for a major percentage of the credits. In defense projects, one can achieve the most optimal option for avoiding detection and providing plausible security by examining various methods. Due to high risks and high costs connected to such projects, studying value management in defense projects and implementing passive defense considerations is of considerable significance.

KeyWords: passive defense; risk management; value analysis; defense construction plans

The Soft Threats against the Islamic Republic of Iran in Terms of Identity

Dr. MohammadJaved Alvandi and Hassan Ghasemi

ABSTRACT

If we consider the idea of establishing the Islamic government as a theory, the Islamic Republic then can be regarded as the legal manifestation of the execution of that theory, which has been invariably open to threats. Today, due to opponents' failures in military and economic fields, most threats against the regime are dire ted towards its identity. So it appears necessary to address such a dimension of the threats. So this question is raised that: What are the soft threats posed to the Islamic Republic in terms of identity? The authors' hypothesis in answering this question is as follows: Three main types of the soft threats against the identity of the Islamic Republic of Iran are: Firstly: threats that are directed against the Islamicity of the regime according to the Wilayat al Faqih as an indicator. Secondly, threats that are directed against the regime's acceptability and public presence as an indicator. Thirdly, threats that are directed against the regime's efficiency. Although the sources of soft threats can be traced and found outside the national borders, what matters most is the internal backgrounds and agents that are very influential in addressing the identity-based soft threats. The internal factors from the agents, processes and structures play a providing and primary role for the external ones. All these factors pave the way for the external soft threats by failing to present sufficient evidence and rational and narrative documentaries, giving the enemies hope that identity changes will occur in the form of changes in tastes. It follows that authors have addressed both dimensions of the soft threats from the internal and external ones in analyzing those threats.

KeyWords: soft threat; Islamic Republic; Wilayat al Faqih (Guardianship of the Jurist); efficiency; Islamicity; acceptability

ABSTRACTS

Contents

Title	Author	Page
The Soft Threats against the Islamic Republic of Iran in Terms of Identity		1
	Dr. MohammadJaved Alvandi and Hassan Ghasemi	
The Defense-Offense Way of Thinking as Viewed by Imam Ali in Nahj-Ol-Balaghe		2
	Dr. mohammadJavad SobhaniFar and Ali Pasokhi	
A Functional Analysis of Maritime Borders in the Security of the Persian Gulf		3
	Ebrahim Zarghami and Mohammad SheykhZadeh	
Martyr Sayyad Shirazi's Methods of Management and Leadership in Conducting War and Comparing Them with Islamic Teachings		4
	Dr. Ali Jamali and AbolFadzl Pasban	
A Study of the Role of the Self-Sufficient Field Surgical Units in the Ground Forces of the Army of the IRGC units in Asymmetrical Warfare Conditions		5
	Dr. Mohammad Biglary and Mohammad Cheraghi	
The Factors of Convergence between Iran Iraq and Its Impact upon the Political Security of the Islamic Republic of Iran		6
	Dr. Mahdi NattaghPur and Reza NowRuzi	